



فاجعه هولناک «پرواز ۷۵۲»

جنایتی که جمهوری اسلامی قادر به تکرار آن است



● یکی از میراث شوم قاسم سلیمانی استفاده از هواپیماهای تجاری و غیرنظامی برای مقاصد نظامی از جمله حمل و نقل نیرو و تسلیحات است و شواهد برای اینکه جمهوری اسلامی ظرفیت تکرار جنایت سحرگاه ۱۸ دی ۹۸ را دارد کم نیست.

سرمقاله

دادها و بیدادهای تاریخ



ادامه در صفحه ۲

نیرو

رؤیای رو به افول «امپراتوری شیعی»



ادامه در صفحه ۲

یادداشت‌های تاریخ

آنکس که «خماخشا» گاهش «امید» و «آزادی» بود

صدرالدین الهی



پیوند و همدلی، راز ماندگاری ملت کهنسال ایران هویت ما همبستگی و پایداری ملی، در فراز و نشیب تاریخ

بنیاد نیکوکاری نوروز که در سال ۲۰۰۴ با هدف حمایت از پناهجویان ایرانی تأسیس شده است، در این سال‌ها فعالیت‌های خود را گسترش داده و به یاری انسان‌ها در نقاط مختلف جهان شتافته است.

یاری رساندن به زلزله‌زدگان و آسیب‌دیدگان در ایران و طرح آبرسانی به استان‌های سیستان و بلوچستان و خوزستان، کمک‌های پزشکی و دارویی، ارسال غذا و پوشاک و حمایت از بانوان در استانهای محروم و کمک به ایزدی‌ها در زمان اشغال بخش‌هایی از عراق، کمک به پناهجویان ایرانی و افغانی در کشورهای گوناگون، از فعالیت‌های این بنیاد است.

بنیاد نیکوکاری نوروز، به مناسبت فرخنده زادروز شهبانو فرح پهلوی، در ۲۲ مهر ماه، برای نهمین بار روستاهای محروم استان خوزستان را آبرسانی نمود.

این بنیاد با همیاری و کمک شما می‌تواند پل مستحکم و روزنه امیدی برای هم میهنان در ایران و دیگر نقاط جهان باشد.

لطفاً برای اطلاعات بیشتر به وبسایت بنیاد: www.norooz.org مراجعه و یا با تلفن‌های زیر تماس بگیرید.

001-704 544 7800 & 001- 703 303 6661

You Tube: Norooz Charity

مژده به هم‌میثانی که خواستار کتاب سقوط بهشت

بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از

کیمان لندن خریداری نمایند

نسخه دیجیتال

کتاب نیز

به‌زودی

در دسترس

خواهد بود



درگذشت

با کمال تأسف و تأثر درگذشت



دکتر صدرالدین الهی

بزرگ خاندان الهی را به اطلاع عموم می‌رساند.

دکتر الهی روز چهارشنبه ۸ دی ماه ۱۴۰۰

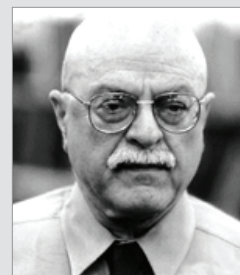
مصادف با ۲۹ دسامبر ۲۰۲۱ به علت ایست قلبی در بیمارستان «جان مویر والنات کریک» درگذشت.

روز و تاریخ گرامی داشت زندگی پربارش بعداً به اطلاع همگان خواهد رسید.

عزت‌الهی - برزو‌الهی - یاران‌الهی - گیتی‌الهی (سمسار) - شهرزاد سمسار - شیرین سمسار - گرن‌الهی (گلپز) - سروش فرهادی - دلبر‌الهی - کیمان‌الهی - امیر‌الهی - آوا فرهادی - سینا صدرالدین فرهادی - مسعود بحرینی - ثریا مشیری - سیما پور سعید - زیبا پور سعید - احمد مصباح - پرویز مصباح‌زاده. خانواده های عزادار: گودرزی - الهی - سمسار - گودرزی - فرهادی - بحرینی - سادات اخوی - مصباح‌زاده - مصباح - اسلامبولچی.

تسلیت

درگذشت ناگهانی استاد روزنامه‌نگاری، نویسنده توانا و رمان نویس مشهور، پایه‌گذار کیهان ورزشی،



دکتر صدرالدین الهی

دل همه قلم‌زنان مطبوعات و همکارانش را به درد آورد.

وی که سالها پهلوان قلم در همه زمینه‌های نویسندگی و گزارشگری در مطبوعات درون و برون مرز شناخته می‌شد، نه تنها دل ارباب قلم، دوستان، همکاران و خوانندگان آثارش را شکست، فقدان تأسف‌انگیزش، همه اقشار میهنش را در غم و اندوهی ژرف و عمیق فرو برد. این ضایعه جبران‌ناپذیر را به همسر گرامی‌اش عترت خانم الهی، دو فرزند نازنینش برزو و باران، خواهرش گیتی خانم سمسار و دو فرزندش، پرویز مصباح‌زاده و خانواده. دکتر احمد و زیبا مصباح دیگر بازماندگانش صمیمانه تسلیت می‌گوئیم و خود را در این غم بزرگ شریک و سهیم می‌دانیم.

روانش تا ابدیت شاد.

امیر طاهری - سیواش آذری - محمد رضا حمیدی - لعبت والا - نازنین انصاری - الاهی بقراط - منصوره پیرنیا - هما احسان - هما سرشار - احمد احرار - ستار دلداری - حبیب روشن‌زاده - نوشابه امیری - هوشنگ اسدی - دکتر رحیمی - شمسی رحیمی - منوچهر دستوری - فریبرز شاهرخی - گیلدا وزیر دفتری - محمد رضا رزاقی - ایرج ادیب‌زاده - ناصر خداپننده - امیر برادران - نادر صدیقی - احمد رضا بهارلو - مهدی ذکائی - انوشیروان کنگرلو - اردشیر اسدی - پری اباصلتی - هوشنگ میرهاشم - ناصر اولیایی - کیخسرو بهروزی - قاسم بیک‌زاده - بیژن خلیلی - علیرضا طاهری - سیما دبیرآشتیانی - پرویز کوزه‌کنانی - جعفر مدنی - علی عمادی - محمد و محمود بیاتی - منوچهر تیوبچی - بهروز سرشار - محمود کازرونی - جعفر مدنی - علی عمادی.

وزیر خارجه آلمان:

جمهوری اسلامی در مذاکرات اتمی خیلی از اعتمادهار از بین برده است



نشست مطبوعاتی وزرای خارجه آمریکا و آلمان؛ ۵ ژانویه ۲۰۲۲

تابع ضرب‌الاجل نیست.» این مواضع اولیانوف درواقع واکنشی به هشدار بوریس جانسون نخست‌وزیر بریتانیا است که بار دیگر به مقامات جمهوری اسلامی گفت زمان برای نجات توافق اتمی به پایان می‌رسد. آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان روز چهارشنبه در نشست خبری مشترک با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات اتمی «اعتمادهای زیادی را از بین برده است» هشدار داد «مذاکرات وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده شده است.»

وزیر خارجه آلمان که به نظر می‌رسد مواضع سختگیرانه‌ای در قبال تهدیدات اتمی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی دارد با تاکید بر اینکه «زمان زیادی برای احیای برجام باقی نمانده» گفت که برلین و واشنگتن تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود مسیر مشترکی را دنبال می‌کنند و ما در این رابطه وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده می‌شویم. مواضع بربوک درست نقطه مقابل اظهارات باقری کنی و اولیانوف در مورد «سازنده» بودن مذاکرات است.

دیپلمات‌های غربی گفتند که هنوز کاملاً مطمئن نیستند که آیا جمهوری اسلامی ایران واقعاً علاقمند به مذاکره برای بازگشت به توافق است یا صرفاً برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود وقت‌کشی می‌کند.

بخش عمده‌ای از اختلافات در وین به خاطر این مسئله است که جمهوری اسلامی حاضر نیست در مورد تهدیدات موشکی و منطقه‌ای خود که به اعتقاد علی خامنه‌ای «مسائل ناموسی» انقلاب‌اند مذاکره کند.

پایگاه خبری «پولیتیکو» در گزارشی اشاره می‌کند که یکی از موارد اختلاف «مازاد ذخایر انباشته شده اورانیوم غنی شده در ایران» است که یکی از راه‌های خلاص شدن از شر مازاد این مواد ارسال آن به روسیه است اما این فرآیند زمانبر است.

از دیگر مسائلی که مذاکرات را بسیار دشوارتر کرده و هنوز بر سر آن توافق نشده، وضعیت سانتریفیوژهای پیشرفته ایران است که در فردو و نطنز نصب شدند و با سرعت در حال غنی‌سازی اورانیوم هستند.

به گفته دیپلمات‌های غربی، برخی کشورها از ایران می‌خواهند سانتریفیوژهای پیشرفته‌اش را نابود کند، اما رژیم ایران ترجیح می‌دهد آنها را انبار کند. یکی از راه‌ها برای مصالحه می‌تواند خلاص شدن از زیرساخت‌هایی مانند کابل‌ها و سایر تاسیسات الکترونیک باشد که برای راه اندازی و استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته مورد نیاز است. نصب مجدد این زیرساخت ماه‌ها طول می‌کشد و می‌تواند به افزایش «زمان شکست» (دستیابی به سلاح) کمک کند.

● بعد از جانسون نخست

وزیر انگلیس، بربوک وزیر خارجه آلمان به مقامات رژیم ایران هشدار داد که زمان زیادی برای احیای برجام باقی نمانده و وارد مرحله تعیین‌کننده‌ای می‌شویم.

● با وجود هشدارهای مقامات اروپایی اما علی باقری کنی و میخائیل اولیانوف همچنان معتقدند روند مذاکرات مثبت و رو به جلوست!

● اولیانوف می‌گوید «مذاکرات آهسته اما پیوسته» پیش می‌رود.

● پایگاه خبری «پولیتیکو» در گزارشی اشاره می‌کند که یکی از موارد اختلاف «مازاد ذخایر انباشته شده اورانیوم غنی شده در ایران» است. همچنین از مسائلی که مذاکرات را بسیار دشوارتر کرده و هنوز بر سر آن توافق نشده است، وضعیت سانتریفیوژهای پیشرفته ایران است.

علی باقری‌کنی معاون وزیرخارجه جمهوری اسلامی برای چندمین بار تکرار کرده روند مذاکرات اتمی وین «مثبت و سازنده» است و «رو به جلو پیش می‌رود!» اما مقامات غربی چیز دیگری می‌گویند!

به گفته باقری‌کنی «رمز موفقیت مذاکرات دستیابی به توافق در زمینه لغو مؤثر تحریم‌هاست و هرقدر طرف مقابل اراده جدی‌تری برای پذیرش ساز و کارهای مد نظر جمهوری اسلامی داشته باشد به ویژه در دو موضوع راستی‌آزمایی و تضمین در مدت زمان کوتاه‌تری می‌توانیم به توافق دست پیدا کنیم.»

این دیپلمات رژیم ایران نگفته جمهوری اسلامی در قبال درخواست‌هایش از غربی‌ها چه امتیازاتی قرار است به طرف‌های دیگر برجام بدهد؟

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی نیز طبق معمول چانه‌زنی‌های فرسایشی در وین را «مثبت» ارزیابی کرده و گفته «مذاکرات آهسته اما پیوسته» پیش می‌رود.

با این حال اظهارات این دو مقام جمهوری اسلامی و روسیه پراز تناقض‌گویی است. اولیانوف از یکسو ادعا می‌کند روند مذاکرات مثبت است اما به طرفین غربی می‌گوید «مذاکرات

ادعای مذاکرات «مثبت» و «رو به جلو» در کنار احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» و تحریم‌های بین‌المللی



جک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید و آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده

انجام اقدامات فنی برای آماده ساختن غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم است. اسرائیل برای افزایش سختگیری‌ها علیه جمهوری اسلامی، آمریکا و سه کشور اروپایی عضو برجام را به شدت زیر فشار قرار داده و احتمال اعمال تحریم‌های فوری افزایش پیدا کرده است.

مقامات اسرائیلی می‌گویند که تا کنون فقط بریتانیا نسبت به ایده فعال کردن «مکانیسم ماشه» تمایل نشان داده است.

ایالات متحده در گفتگو با اسرائیلی‌ها چنین استدلال می‌کند که فشارها باید با «دیپلماسی» تعدیل شود و عملیات خرابکارانه اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران باعث تسریع برنامه‌های هسته‌ای آن شده است. به گفته دیپلمات‌ها، سالیوان در دیدارهای پیشین خود با اسرائیلی‌ها گفته نمی‌داند فشار بیشتر آمریکا یا

«اسنپ بک» (مکانیسم ماشه) مهم‌ترین مکانیسمی است که در توافق اتمی ۲۰۱۵ برای مجازات جمهوری اسلامی ایران در صورت نقض توافق در نظر گرفته شد. بر اساس این مکانیسم، هر یک از طرفین توافق می‌تواند تحریم‌ها را آغاز کند.

پایگاه خبری «کسیوس» چهارشنبه ۵ ژانویه (۱۵ دی‌ماه) در گزارشی می‌نویسد که بازگشت تحریم‌هایی که بر اساس برجام متوقف شدند، به‌ویژه برای اقتصاد ایران ویران‌کننده خواهد بود زیرا همه اعضای سازمان ملل متحد ملزم به رعایت آن هستند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران از یکسو توسعه برنامه‌های اتمی خود را سرعت بخشیده و از سوی دیگر همزمان در مذاکرات وین نیز شرکت می‌کند. اسرائیل به متحدان غربی خود هشدار داده است که تهران در حال

ادامه راکت پرانی‌ها به پایگاه‌های آمریکا در منطقه؛ گروه «قاصم الجبارین» مسئولیت حملات را به عهده گرفت



پرتاب راکت توسط شبه نظامیان به مقرهای آمریکا از روی لانچرهای دست‌ساز



داد روز چهارشنبه ۵ ژانویه (۱۵ دی‌ماه) گروه‌های شبه‌نظامی همسو با جمهوری اسلامی برای سومین روز متوالی دست‌کم در سه حمله جداگانه پایگاه‌های آمریکا و نیروهای ائتلاف را هدف قرار دادند. برخی منابع گزارش دادند دست‌کم هشت راکت کاتیوشا به پایگاه نظامی «ویکتوریا» واقع در فرودگاه بغداد اصابت کرد.

شبه‌نظامیان در شرق سوریه به پایگاهی حمله کردند که توسط نیروهای دموکراتیک سوریه (مخالف رژیم بشار اسد) تحت حمایت ایالات متحده با حضور شماری از مشاوران آمریکایی اداره می‌شود. ائتلاف در بیانیه‌ای اعلام کرد که این حمله تلفات جانی نداشت اما چندین راکت به داخل پایگاه اصابت کرد و خسارات جزئی به بار آورد. در این بیانیه تأکید شده نیروهای ائتلاف با اقدام اطلاعاتی به سرعت به این حملات پاسخ دادند و شش گلوله توپ به سمت مبدأ این حملات که شبه‌نظامیان در آنجا مستقرند شلیک کردند. در بیانیه نیروهای ائتلاف آمده «گروه‌های شرور مورد حمایت [رژیم] ایران» به پایگاه‌های آنها در منطقه دیرالزور در شرق سوریه شلیک کردند. نیروهای مستشاری ائتلاف تحت رهبری آمریکا با «نیروهای دموکراتیک سوریه» همکاری می‌کنند و در «روستای سبز» هم حضور داشتند اما

● **جک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا در دیدار اخیرش با مقامات اسرائیلی گفت که تهدید بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل از طریق «مکانیسم ماشه» ابزاری برای بازدارندگی جمهوری اسلامی از غنی‌سازی اورانیوم با درجه تسلیحاتی است.**

● **مقامات اسرائیلی خواهان فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» و اعمال تحریم‌های فوری علیه جمهوری اسلامی هستند اما می‌گویند تا کنون فقط بریتانیا نسبت به ایده فعال کردن «مکانیسم ماشه» تمایل نشان داده است.**

هرچند مقامات جمهوری اسلامی و روسیه می‌گویند روند مذاکرات «مثبت» و «رو به جلو است» و زمزمه‌هایی از عقب‌نشینی‌های تهران در برخی خواسته‌ها به گوش می‌رسد اما بار دیگر احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» مطرح شده است.

جک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا در دیدار اخیرش با مقام‌های اسرائیلی گفته است که تهدید بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل از طریق «مکانیسم ماشه» باید به عنوان وسیله‌ای برای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از غنی‌سازی اورانیوم با درجه تسلیحاتی مورد استفاده قرار گیرد.

● **در بیانیه گروه «قاصم الجبارین» آمده مجاهدان ما موفق شدند پایگاه شرارت آمریکا «عین‌الاسد» را هدف قرار دهند.**

● **روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد چهارشنبه ۵ ژانویه گروه‌های شبه‌نظامی همسو با جمهوری اسلامی ایران برای سومین روز متوالی دست‌کم در سه حمله جداگانه پایگاه‌های آمریکا و نیروهای ائتلاف را هدف قرار دادند.**

● **سرلشکر جان دبلیو برنان جونیور فرمانده ائتلاف ضد داعش تحت رهبری آمریکا هشدار داد که این «حملات نادقیق و کورکورانه تهدیدی جدی برای جان شهروندان بی‌گناه غیرنظامی به شمار می‌رود».**

پایگاه «عین‌الاسد» محل استقرار نیروهای آمریکایی در استان الانبار عراق بار دیگر هدف حملات راکتی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار گرفت.

حملات پهبادی و راکتی گروه‌های نیابتی به پایگاه‌های آمریکا در سوریه و عراق که دو سه روز پیش از دومین سالگرد قاسم سلیمانی بطور فزاینده شدت گرفت، چهارشنبه ۵ دسامبر نیز ادامه پیدا کرد.

گروهی به نام «قاصم الجبارین» در بیانیه‌ای، مسئولیت حمله راکتی به پایگاه عین‌الاسد آمریکا را بر عهده گرفت.

در بیانیه این گروه آمده است که مجاهدان ما موفق شدند پایگاه شرارت آمریکا در غرب عراق موسوم به «عین‌الاسد» را با تعدادی راکت هدف قرار دهند و راکت‌ها با دقت به اهداف تعیین‌شده اصابت کردند.

روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن



@KayhanLondon



@kayhanlondon



@kayhanlondon



https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY



@KayhanLife



@kayhanlife



@KayhanLife



https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

پنجمین شکست «سیمرغ»؛ موشک و ماهواره‌هایش احتمالاً در جنوب استرالیا سقوط کردند!



سابقه این اقدامات نشان می‌دهد مقامات جمهوری اسلامی شکست پروژه‌های موشکی و فضایی را انکار و یا لاپوشانی می‌کنند و با لفاظی از به کار بردن عبارت‌هایی که اشاره مستقیم به شکست این پروژه‌ها باشد خودداری می‌کنند.

اینبار نیز عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام با اشاره به اینکه «برای اولین بار بود همزمان سه ماهواره توسط ماهواره‌بر سیمرغ بهینه شده حمل می‌شد» نوشت: «جدایش مرحله اول و دوم ماهواره‌بر و تزریق همزمان سه محموله تحقیقاتی در فاصله ۴۷۰ کیلومتری از سطح زمین با موفقیت انجام شد» اما در ادامه نوشت «امیدوارم درس آموخته‌های این پرتاب تحقیقاتی، مسیر را برای تثبیت فناوری تزریق ماهواره به لایه لئو و دستیابی عملیاتی به فناوری پرتاب منظومه‌های ماهواره‌ای هموار کند.»

گفته می‌شود اهالی استان سیستان و بلوچستان تکه‌هایی از موشک «سیمرغ» را در بیابان‌ها پیدا کردند!

از یادداشت عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی می‌شود این ارزیابی را داشت که فاز سوم پروژه یعنی «تثبیت» ماهواره‌ها در فضا شکست خورده است. هرچند برخی کارشناسان و تحلیلگران می‌گویند موشک در میانه راه منفجر شد و سقوط کرد.

جانانان مک داول منجم و اخترشناس آمریکایی مرکز نجوم دانشگاه هاروارد محاسباتی کرده و تخمین زده این موشک ۲۷ دقیقه بعد از پرتاب در حوالی جنوب استرالیا سقوط کرده است.

با اینهمه شماری از آخوندها در خطبه‌های نماز جمعه شهرهای مختلف ایران به تعریف و تمجید از پرتاب ماهواره‌بر «سیمرغ» پرداختند و آن را «پیام اقتدار» دانستند! آیت‌الله حسن عاملی نماینده علی خامنه‌ای و امام جمعه اردبیل ادعا کرده بود «این ماهواره هیچ ربطی به سلاح‌های جنگی ندارد بلکه یک پروژه علمی و تحقیقاتی است اما فزون‌خواهی در دنیای معاصر به جایی رسیده که آمریکا آن را نیز برای ما روا نمی‌بندد.»

موشک ماهواره‌بر «ظفر» نیز در بهمن

انفجار مهیب حومه کرج حوالی وردآورد، واوان، گرمدره و قلعه حسن‌خان (شهر قدس) شنیده شد. پس از شنیده شدن صدای این انفجار مردم آن مناطق سراسیمه به خیابان‌ها ریختند. در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده که صدای مهیب مربوط به انفجار موشک بوده است. ساعاتی بعد سپاه پاسداران استان البرز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد علت صدای انفجار شلیک یک راکت آموزشی بوده است. در این اطلاعیه آمده شلیک این راکت «مدیریت شده بود» که در یکی از پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام گرفته و موجب برخی گمانه‌زنی‌ها و شایعات در فضای مجازی شده است.

در این اطلاعیه تأکید شده است که «اینگونه تمرینات مسبوق به سابقه بوده و به هموطنان عزیز توصیه می‌شود به شایعات ساخته و پرداخته معاندین و دشمنان ملت ایران توجه و اعتنایی نکنند.»

محسن ناییبی معاون امنیتی انتظامی استاندار تهران با رد انفجار موشک گفت این شایعات صحت ندارد و «شهر قدس» در آرامش است.

● جانانان مک داول منجم و اخترشناس آمریکایی مرکز نجوم دانشگاه هاروارد محاسباتی کرده و تخمین زده این موشک ۲۷ دقیقه بعد از پرتاب در حوالی جنوب استرالیا سقوط کرده است.

● با اینهمه شماری از آخوندها در خطبه‌های نماز جمعه شهرهای مختلف ایران به تعریف و تمجید از پرتاب ماهواره‌بر «سیمرغ» پرداختند و آن را «پیام اقتدار» دانستند!

● موشک ماهواره‌بر «ظفر» نیز در بهمن ۱۳۹۸ قرار بود «نماد خودباوری» باشد ولی در اقیانوس هند سقوط کرد.

● خبرنگار نظامی خبرگزاری «فارس» در مورد شکست پرتاب «سیمرغ» نوشت: «برخی کارشناسان هوافضا معتقدند برای تزریق موفق ماهواره در این مدار، نیاز به سرعت لااقل هفت هزار و ۵۰۰ تا هفت هزار و ۵۵۰ کیلومتر است. برخی کف این سرعت را هفت هزار و ۵۵۰ کیلومتر می‌دانند. اگر این موضوع درست باشد، باز هم با ایراد پرتاب‌های قبلی مواجه هستیم که در فاز نهایی، سرعت به میزان لازم نمی‌رسد.»

به نظر می‌رسد پرتاب موشک ماهواره‌بر «سیمرغ» توسط جمهوری اسلامی ایران برای پنجمین بار با شکست مواجه شده است.

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پنجشنبه نهم دی‌ماه همزمان با دور هشتم مذاکرات اتمی وین اعلام کرد ماهواره‌بر «سیمرغ» حامل «سه محموله تحقیقاتی» را به فضا پرتاب کرده است.

یک سخنگوی وزارت دفاع ادعا کرده بود «در این پرتاب عملکرد اجزای پایگاه فضایی و عملکرد مراحل ماهواره‌بر به درستی انجام و در نهایت اهداف تحقیقاتی مد نظر از این پرتاب محقق شد!» اما گزارش‌ها حاکیست این پرتاب نیز با شکست مواجه شده زیرا بر اساس اطلاعات ناسا و چند منبع دیگر هیچ پرتابه جدیدی در مدار زمین قرار نگرفته است.

هنوز مشخص نیست که جمهوری اسلامی ایران قصد داشت چه نوع محموله‌های تحقیقاتی را در مدار زمین قرار دهد!

صدای انفجار مهیب در حومه تهران؛ سپاه پاسداران کرج اعلام کرد: به شایعات معاندین توجه نکنید! راکت بود!

● سپاه استان البرز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد علت صدای انفجار شلیک یک راکت آموزشی بوده است. ● محسن ناییبی معاون امنیتی انتظامی استاندار تهران با رد انفجار موشک گفت این شایعات صحت ندارد و «شهر قدس» در آرامش است!

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۰ صدای دست‌کم یک



همه جوانانی می‌اندیشم که آرزویی جز سربلندی ایران نداشتند و در راه آزادی و رهایی جان باختند.

امروز مردم جهان بیشتر از همیشه در کنار ایران و زنان ایرانی ایستاده‌اند و صدای آنان را به گوش جهان می‌رسانند. به امید آزادی ایران و پیروزی نور بر تاریکی.

فرح پهلوی
۱۷ دی‌ماه ۲۵۸۰ شاهنشاهی - ۷ ژانویه ۲۰۲۲

«قاضی مرگ» ترامپ را به «قصاص» تهدید کرد؛ زینب سلیمانی با «آیفون» آمریکایی در دومین سالگرد کشته شدن پدرش!



تصویری از زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی در مراسم پدرش در جالی که جدیدترین گوشی «آیفون» آمریکایی در دست دارد سوزده شبکه‌های اجتماعی شده

که نیروهای آمریکایی در عراق باقی بمانند... بنابراین الان بحث خروج نیروهای آمریکایی بطور جدی مطرح است و فکر می‌کنم که آنها خاک عراق را ترک خواهند کرد و اگر هم خواهند به عنوان مستشار در عراق بمانند، این کار باید صد درصد با موافقت دولت عراق صورت بگیرد.»

مجید تخت روانچی سفیر دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد در نامه‌ای به رئیس دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل گفته «سلیمانی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی نقش مهمی داشته» و خواسته این نهاد بین‌المللی آمریکا و اسرائیل را در ترور او مسئول بشناسد!

زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی هم که حضور او در مراسم پدرش با جدیدترین مدل گوشی «آیفون» آمریکایی سوزده شبکه‌های اجتماعی شده در سخنانی ادعا کرد «مان زبادی نخواهد گذشت که انتقام فرماندهان شهید را بگیریم!» وی نیز به عادت لاف و گزاف مقامات جمهوری اسلامی و پدرش گفت: «عراق بزرگ و همه کشورهای منطقه از جنگ آمریکایی‌ها به زودی آزاد خواهد شد.»

ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» نیز در سخنانی در مصالای «خمینی» تهران از قافله‌ی «سرار» عقب نماند و گفت «مکتب قاسم سلیمانی با ترور و موشک از بین نمی‌رود می‌ماند و بقا می‌کند!» او که به «قاضی مرگ» به خاطر کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت خورشیدی شهرت دارد و پیش از ریاست بر دولت سیزدهم و قوه مجریه نیز بر مسند ریاست قوه قضائیه نشسته بود، درباره محاکمه و قصاص ترامپ شعار داد و تأکید کرد: «در این جنایت هولناک که بر تمام امت اسلامی بسیار سخت و گران آمد، باید متجاوز، قاتل و جنایتکار اصلی یعنی رئیس جمهور وقت آمریکا محاکمه و قصاص شود و حکم خدا در مورد او جاری شود. اگر ساز و کار محاکمه عادلانه ترامپ، پمپئو و دیگر جنایتکاران آنها رسیدگی شد و آنها به مجازات اعمال ننگین خود رسیدند فی‌ها! اگر نشد شک نکنید دست انتقام از آستین امت بیرون خواهد آمد!»

بیانیه شهبانو فرح پهلوی به مناسبت سالروز ۱۷ دی ۱۳۱۴؛

امروز مردم جهان بیشتر از همیشه در کنار ایران و زنان ایرانی ایستاده‌اند

امروز روز ۱۷ دی‌ماه است؛ روزی که مبارزه برای آزادی زنان ایران که پیش از انقلاب مشروطیت آغاز شده بود به ثمر رسید، زن ایرانی به برکت درایت و دوراندیشی رضاشاه بزرگ به صحنه اجتماع و تاریخ گام نهاد، و با برخورداری از حقوق برابر سیاسی و اجتماعی در دوران پادشاهی شاهنشاه فقید محمدرضا شاه پهلوی، در پیشرفت و سازندگی و ترقی ایران سهمی بزرگ و سزاوار به عهده گرفت. روز هفدهم

امروز روز ۱۷ دی‌ماه است؛ روزی که مبارزه برای آزادی زنان ایران که پیش از انقلاب مشروطیت آغاز شده بود به ثمر رسید، زن ایرانی به برکت درایت و دوراندیشی رضاشاه بزرگ به صحنه اجتماع و تاریخ گام نهاد، و با برخورداری از حقوق برابر سیاسی و اجتماعی در دوران پادشاهی شاهنشاه فقید محمدرضا شاه پهلوی، در پیشرفت و سازندگی و ترقی ایران سهمی بزرگ و سزاوار به عهده گرفت. روز هفدهم

● در دومین سالگرد کشته شدن فرمانده پیشین «سپاه قدس» علی خامنه‌ای در دیدار با اعضای خانواده قاسم سلیمانی «مکتب سلیمانی» را ستود و گفت «سلیمانی در آن واحد ملّی‌ترین و امتی‌ترین» چهره بود. ● اسماعیل قائانی‌جانشین سلیمانی در سخنانی گفت «خلاصه راه و مکتب شهید سلیمانی این است که آقا [خامنه‌ای] را امام خود را بدانیم و سرباز امام باشیم!» ● ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ»؛ باید متجاوز، قاتل و جنایتکار اصلی یعنی رئیس جمهور وقت آمریکا محاکمه و قصاص شود و حکم خدا در مورد او جاری شود. اگر ساز و کار محاکمه عادلانه ترامپ، پمپئو و دیگر جنایتکاران در یک دادگاه عادلانه فراهم و به جنایت آنها رسیدگی شد و آنها به مجازات اعمال ننگین خود رسیدند فی‌ها! اگر نشد شک نکنید دست انتقام از آستین امت بیرون خواهد آمد!

قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» شاخه برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ در اطراف فرودگاه بغداد توسط پهبادهای آمریکایی به دستور دونالد ترامپ رئیس جمهوری پیشین آمریکا کشته شد.

برخی تحلیلگران معتقدند کشته شدن سلیمانی شاید سنگین‌ترین ضربه‌ای است که تا کنون جمهوری اسلامی ایران و لایبرگانش از روزنفای که فکرش را نمی‌کردند متحمل شده‌اند. برگزاری مراسم دومین سالگرد کشته شدن سلیمانی دو سه روز قبل از تاریخ ترور او با سخنرانی‌ها و ویژه برنامه‌هایی در نهادهای حکومتی و سازمان‌های وابسته تقریباً در سراسر ایران آغاز شد. از مقامات بلندپایه و مدیران میانی رژیم و انجمن‌های اسلامی و بسیج تا صدوسیمای حکومت و روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا و وبسایت‌ها و خبرگزاری‌ها هرچه در چنته داشتند ریختند بیرون تا در دروغی بزرگ به گفته‌ی رهبر جمهوری اسلامی به دنیا بگویند «سلیمانی در آن واحد ملّی‌ترین و امتی‌ترین» چهره بود!

با اینهمه علی خامنه‌ای ۱۱ دی‌ماه در دیدار با اعضای خانواده سلیمانی درباره «مکتب سلیمانی» که اسلامی و انقلابی است سخن‌پردازی کرد و گفت که او «با همه‌ی وجود به اسلام و انقلاب و خدا و با امام بسته بود وفادار ماند.»

رهبر جمهوری اسلامی با تکرار

آذر نفیسی نویسنده خواستار آزادی بکتاش آبتین شد



آذر نفیسی نویسنده که با کتاب «لولیتاخوانی در تهران» در عرصه بین‌المللی به شهرت رسید

بر اساس آخرین گزارش‌هایی که اکبر معصوم‌بیگی عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان منتشر کرده، طبق تشخیص پزشک، آبتین به مدت ۳ روز در کمای مصنوعی قرار گرفته ولی تا کنون تغییرات محسوس و چشمگیری در وضعیت او رخ نداده است. بکتاش آبتین شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران که به شش سال زندان محکوم شده، در پی ابتلا به کرونا اکنون در کمای مصنوعی است و انجمن قلم آمریکا برای آزادی او عریضه‌ای را خطاب به ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی تنظیم کرده است.

کانون نویسندگان ایران روز چهارشنبه ۱۵ دی‌ماه با صدور بیانیه‌ای اعتراضی با عنوان «به قتل نویسندگان آزادیخواه پایان دهید»، بار دیگر مسئولیت جان این نویسنده و دیگر نویسندگان زندانی را متوجه جمهوری اسلامی و نهادهای وابسته به آن دانست.

در این بیانیه از جمله آمده است وضعیت جسمانی بکتاش آبتین به دلیل عدم رسیدگی و دسترسی به‌موقع به مراقبت‌های پزشکی و همچنین اعزام دیرنگام به بیمارستان توسط مسئولان زندان، به این مرحله «سخت نگران‌کننده» رسیده است.

بکتاش آبتین از اعضای کانون نویسندگان به اتهام انتشار نشریه داخلی کانون نویسندگان، مشارکت در تدوین تاریخچه کانون نویسندگان، و شرکت در بزرگداشت محمد مختاری و جعفر پوینده از جانب‌خستگان قتل‌های زنجیره‌ای به ۳ سال و شش ماه زندان محکوم شده است.

دوران محکومیت او از مهرماه ۱۳۹۹ در زندان اوین آغاز شد ولی در طول این مدت به دلیل شیوع گسترده کرونا در زندان‌های ایران، دو بار که یکبار فروردین امسال بود، به کرونا مبتلا شد و بار آخر با وضعیت جسمانی وخیم به بیمارستان منتقل گشت و اکنون برای درمان در کمای مصنوعی قرار داده شده است.

● آذر نفیسی نویسنده مشهور ایرانی در عرصه جهانی، با انتشار یک پیام توئیتری خواستار آزادی فوری بکتاش آبتین نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران شد که به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان در شرایط نامناسبی قرار دارد.

● بر اساس آخرین گزارش‌هایی که اکبر معصوم‌بیگی عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان منتشر کرده، طبق تشخیص پزشک، آبتین به مدت ۳ روز در کمای مصنوعی قرار گرفته ولی تا کنون تغییرات محسوس و چشمگیری در وضعیت او رخ نداده است.

آذر نفیسی نویسنده بین‌المللی ایران در پیام توئیتری خواستار آزادی فوری بکتاش آبتین نویسنده و برنده جایزه انجمن قلم آمریکا شد که اکنون به دلیل وخامت حال جسمانی در کمای مصنوعی قرار گرفته است.

آذر نفیسی نویسنده ایرانی که با کتاب «لولیتاخوانی در تهران» در عرصه جهانی معرفی شد، با انتشار یک پیام توئیتری خواستار آزادی فوری بکتاش آبتین نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران شده که به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان شرایط نامناسبی قرار دارد.

نفیسی نوشت که به جمع کمپین درخواست آزادی بی‌قید و شرط آبتین برنده جایزه انجمن قلم آمریکا می‌پیوندد.

آذر نفیسی استاد دانشگاه و نویسنده کتاب «لولیتاخوانی در تهران» است. همین کتاب سبب معرفی وی در عرصه بین‌المللی شد.

پیام همدلی شاهرزاده رضا پهلوی به مناسبت درگذشت صدرالدین الهی



با تأسف فراوان مطلع شدم آقای صدرالدین الهی، روزنامه‌نگار برجسته درگذشته‌اند. وی یکی از پیشگامان و آموزگاران روزنامه‌نگاری نوین ایران بود و تا پایان عمر گرانبهایش دل در گرو آزادی ایران داشت. فقدان شادروان الهی را به خانواده و دوستان ایشان و جامعه روزنامه‌نگاری ایران تسلیت می‌گویم.

رضا پهلوی
۹ دی ۲۵۸۰ / ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

پیام همدلی شهبانو فرح پهلوی به مناسبت درگذشت صدرالدین الهی



با اندوه فراوان از درگذشت شادروان دکتر صدرالدین الهی استاد پیشین دانشکده علوم ارتباطات، نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته آگاه شدم. فقدان این نویسنده و روزنامه‌نگار نامدار را ازصمیم قلب به همسر گرامیش عترت الهی، فرزندان برومندش تسلیت می‌گویم.

روانش شاد و یادش پایدار
فرح پهلوی
۱۰ دی ۲۵۸۰ / ۳۱ دسامبر ۲۰۲۱

بازنشر؛ اصلاح انقلابی؛ پروین اعتصامی از ۱۷ دی، کشف حجاب و آزادی زنان می‌گوید: مهر رخشان را شاید گفت که نورانی نبود!



رضاشاه و همسر و دخترانش، ۱۷ دی ۱۳۱۴

در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان
در گلستان نام ازین مرغ گلستانی نبود

بهر زن تقلید تیه فتنه و چاه بلاست
زیرک آن زن، کو رهش این راه ظلمانی نبود

آب و رنگ از علم می‌بایست، شرط برتری
با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود

جلوه‌ی صد پرنیان، چون یک قباب ساده نیست
عزت از شایستگی بود از هوسرانی نبود

ارزش پوشانده کفش و جامه را ارزنده کرد
قدر و پستی، با گرانی و به ارزانی نبود

سادگی و پاکی و پرهیز یک یک گوهرند
گوهر تابنده تنها گوهر کانی نبود

از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن
زیور و زر، پرده‌پوش عیب نادانی نبود

عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده‌ست و بس
جامه‌ی حجب و حیا بهتر ز عریانی نبود

زن، سبکساری نبیند تا گرانشنگ است و بس
پاک را آسیبی از آلوده‌دامانی نبود

زن چون گنجور است و عفت گنج و حرص و آزار
دزد
وای اگر آگه ز آیین نگهبانی نبود

اهرمن بر سفره‌ی تقوی نمی‌شد میهمان
ز آنکه می‌دانست کانتاجا جای مهمانی نبود

پا به راه راست باید داشت، کاندرا راه کج
توشه‌ای و رهنوردی، جز پشیمانی نبود

چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود

خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار
ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود

شه نمی‌شد گرد در این گمگشته کشتی ناخدا
ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود

باید این انوار را پروین به چشم عقل دید
مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود

✽بازنشر از ۱۷ دی ۱۳۹۴؛ کیهان لندن



پروین اعتصامی و محمدرضاشاه پهلوی (ولیعهد)، کتابخانه دانشسرای عالی ۱۳۱۶

و روشنفکران دوران انقلاب ۵۷ آمادگی خود را برای پذیرش حجاب تحمیلی اعلام کرده و در برابر اقلیتی آگاه که علیه حجاب در روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹) تظاهرات کردند، تمام قد ایستادند و آنها را «ضدانقلاب» نامیدند. اینان در تمام سال‌های بعد نیز، حتا تا به امروز، به توجیه «حجاب» پرداخته می‌پردازند، فقط با این تفاوت که در برابر کشف حجاب که به نظر آنان از «بالا» تحمیل شد، به تبلیغ «حجاب اختیاری» از «پایین» ارتقاء تفکر یافته‌اند!

در این میان در برابر همه تحریقاتی که صورت می‌گیرد و همه توجیهات علیل که متأسفانه از سوی برخی زنان نیز علیه تاریخ و به در آمدن زنان از زیر حجاب سیاه انجام می‌شود، چه شاهدی گویاتر از زبان شاعرانه‌ی زنی آگاه درباره کشف حجاب، که خود در همان دوران بسر می‌برد و از نزدیک با مسئله حجاب و موقعیت زنان در آن تاریخ درگیر بود: پروین اعتصامی...

(در ستایش ۱۷ دی ۱۳۱۴ روز آزادی زنان ایران از قید حجاب و چادر و چاقچور)

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود
پیشه‌اش، جز تیره‌روزی و پریشانی نبود

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
زن چه بود آن روزها، گر زآنکه زندانی نبود

کس چو زن اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد
کس چو زن در معبد سالوس، قربانی نبود

در عدالتخانه‌ی انصاف زن شاهد نداشت
در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود

دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب
آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود

بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک
در نهاد جمله گرگی بود، چوپانی نبود

از برای زن به میدان فراخ زندگی
سرنوشت و قسمتی جز تنگ‌میدانی نبود

نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند
این ندانستن، ز پستی و گرانبجانی نبود

زن کجا بافنده می‌شد، بی نخ و دوک هنر
خرمن و حاصل نبود، آنجا که دهقانی نبود

میوه‌های ده‌کمی دانش فراوان بود، لیک
بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود

● برعکس هدف و تفکر خواستاران و مدافعان حجاب در جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» و به در آمدن زن ایرانی از زیر چادر و چاقچور سیاه قرون، بر بستر جنبش و درخواست زنان پیشرو و آگاهی انجام شد که از دوران قاجار به حرکت در آمده بود و رضاشاه کاری جز همراهی با آنها و پاسخ به مطالبه‌ی آنان نکرد. همان مطالبه‌ای که جمهوری اسلامی پس از یک «انقلاب» همچنان به آن بی‌اعتنایی می‌کند!

● زنان آگاه و روشنفکران آن دوران به همان اندازه در سال ۱۳۱۴ آماده‌ی پذیرش کنار نهادن حجاب سنتی و مذهبی بودند که زنان ناآگاه و روشنفکران دوران انقلاب ۵۷ آمادگی خود را برای پذیرش حجاب تحمیلی اعلام کرده و در برابر اقلیتی آگاه که علیه حجاب در روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹) تظاهرات کردند، تمام قد ایستادند و آنها را «ضدانقلاب» نامیدند. اینان در تمام سال‌های بعد نیز به توجیه «حجاب» پرداخته و می‌پردازند، فقط با این تفاوت که در برابر کشف حجاب که به نظر آنان از «بالا» تحمیل شد، به تبلیغ «حجاب اختیاری» از «پایین» ارتقاء تفکر یافته‌اند!

الاهه بقراط - درباره «کشف حجاب» سخن بسیار رفته است. و البته هیچ تحریفگر سازمانیافته‌ای به ویژه درباره تاریخ معاصر ایران به اندازه دم و دستگاه عریض و طویل جمهوری اسلامی فعال نبوده است. تحریفی که گاه با پای چوبین استدلال برخی «روشنفکران» و سیاسیون نیز همگام شده. مانند این «استدلال»: «کشف حجاب» از «بالا» بود! تو گویی اساسا هیچ اصلاحی از «پایین» هم امکان‌پذیر است! «پایین» فقط می‌تواند انقلاب بکند که کرد تا این بار نه تأمین حقوق زنان بلکه زیر پا نهادن آن و «تحمیل حجاب» از «بالا» انجام شود! با این تفاوت که برعکس هدف و تفکر خواستاران و مدافعان حجاب در جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» و به در آمدن زن ایرانی از زیر چادر و چاقچور سیاه قرون، بر بستر جنبش و درخواست زنان پیشرو و آگاهی انجام شد که از دوران قاجار به حرکت در آمده بود و در خود دربار با زنانی چون تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه و در جامعه با چهره‌هایی مانند قره‌العین و همه زنانی که برای آموزش و پرورش زنان و تأسیس مدارس دخترانه تلاش می‌کردند بازتاب می‌یافت. زنانی که چادر و چاقچور و روبنده را درست مانند ایرج میرزا مانعی در راه رشد نیمی از جامعه می‌دانستند و رضاشاه نیز کاری جز همراهی با آنها و پاسخ به مطالبه‌ی آنان نکرد. همان مطالبه‌ای که جمهوری اسلامی پس از یک «انقلاب» همچنان به آن بی‌اعتنایی می‌کند!

کشف حجاب یک اقدام و اصلاح انقلابی در یک جامعه سنتی و به شدت خرافی و مذهبی بود که از استبداد قاجاری و مناسبات ارباب و رعیتی به ارث مانده بود. زنان آگاه و روشنفکران آن دوران به همان اندازه در سال ۱۳۱۴ آماده‌ی پذیرش کنار نهادن حجاب سنتی و مذهبی بودند که زنان ناآگاه

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اثر خیال) برای نخستین بار ایعلا گسترده حضور نظامی و تاکتیک‌های رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. اطلاعاتی می‌توانند این کتاب را مستند از طریق اس‌ا‌س با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساراپ و سور هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 6AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سیدنی پواتیه اولین بازیگر سیاه پوست برنده اسکار در گذشت



سیدنی پواتیه

● **سیدنی پواتیه اولین رنگین پوست برنده اسکار برای بهترین بازیگر مرد، در سن ۹۴ سالگی در باهاما درگذشت.**

● **او در سال ۱۹۶۷ سه فیلم پر فروش داشت که هنوز مورد توجه تماشاگران سینماست: «با عشق به آقا»، «در گرمای شب» و «حس بزن چه کسی برای شام می آید». این فیلم ها هر کدام به موضوع تبعیض نژادی از زوایای متفاوت می پردازند.**

سیدنی پواتیه اولین بازیگر سیاه پوست برنده اسکار برای بهترین بازیگر مرد، در سن ۹۴ سالگی در باهاما درگذشت.

کلینت واتسون دبیر رسانه‌ای نخست وزیر باهاما روز جمعه ۷ ژانویه ۲۰۲۲ تایید کرد که پواتیه عصر دیروز پنجشنبه ۶ ژانویه درگذشته است.

پواتیه فهرستی خیره کننده از افتخارات، از جمله جایزه اسکار، مدال آزادی ریاست جمهوری، نشان شوالیه و نقش‌های به یادماندنی در سینما را به عنوان میراث خود برجای گذاشته است.

پواتیه در سال ۱۹۲۷ در میامی از پدر و مادری کشاورز و باهامایی به دنیا آمد و در خانه‌ای روستایی بدون آب و برق و امکانات تا جوانی رشد یافت. در ۱۵ سالگی به فلوریدا نقل مکان کرد تا با برادرش زندگی کند. او که در تئاتر سیاه‌پوستان بازی می‌کرد خیلی زود مورد توجه قرار گرفت. حضورش در سینما اما روندی کند داشت. وی در یک درام ضدنژادپرستی به کارگردانی جوزف‌ال. مانکویچ به اسم «راه خروجی نیست» در سال ۱۹۵۰ در نقش یک آمریکایی، آفریقایی‌تبار همزمان علیه تعصبات نژادپرستانه موضع گرفت.

مژده به هم‌میثاقی که خواستار کتاب سقوط بهشت بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیمیا خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود



● **میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات وین: «دور هشتم مذاکرات وین در قالب دیدارهای غیررسمی ادامه می‌یابد».**

● **در ایران برخی تحلیلگران می‌گویند «بعید است بدون مذاکره مستقیم تهران و واشنگتن توافقی حاصل شود».**

مرحله دوم دور هشتم مذاکرات در هتل کوپورگ وین آغاز شده که به نظر می‌رسد بحث و جدل‌های اصلی پشت درهای بسته در جریان است. خبرگزاری «ایرنا» در گزارشی اشاره می‌کند که «دور اطلاعات به رسانه‌ها دوباره کاهش یافته است.» انریکه مورا هم‌هنگ کننده مذاکرات وین پس از نشست با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و سه کشور اروپایی عضو برجام در هتل «کوپورگ» راهی هتل «ماربوت» شد. جایی که تیم مذاکره کننده آمریکا

سپردن استان‌ها به فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادامه دارد؛ سردار پاسدار بهمن امیری مقدم استاندار کرمانشاه شد

● **بیش از ۲۰ فرمانده و سردار سپاه پاسداران در کابینه و دیگر بخش‌های دولت از جمله مناطق آزاد تجاری و استانداری‌ها منصوب شده‌اند.**

هیئت دولت ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۰ سردار بهمن امیری مقدم فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان استاندار کرمانشاه منصوب کرد.

سرداران و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سهم قابل توجهی در دولت ابراهیم رئیسی دارند بطوری که بسیاری از تحلیلگران این روند را افتادن بی‌سر و صدای قوه مجریه به دست این نهاد نظامی غیرمتعارف می‌دانند. بیش از ۲۰ فرمانده و سردار سپاه پاسداران در کابینه و دیگر بخش‌های دولت از جمله مناطق آزاد تجاری و استانداری‌ها منصوب شده‌اند.

هیئت دولت ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) روز چهارشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۰ سردار بهمن امیری مقدم از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان هفدهمین استاندار استان

مذاکرات وین «غیررسمی» دنبال می‌شود؟!

«نرمش قهرمانانه» بر سر «مسائل ناموسی» جمهوری اسلامی پشت درهای بسته؟!



مستقر است و درست مقابل هتل کوپورگ قرار دارد. به گزارش ایرنا، نمایندگان رسانه‌هایی که مقابل هتل کوپورگ رفت و آمد هیات‌ها را زیر نظر دارند احتمال می‌دهند که انریکه مورا پیام‌هایی را میان جمهوری اسلامی و آمریکا رد و بدل کرده‌است. سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی پیش از این به خبرنگاران گفته بود با نمایندگان آمریکا به صورت «مکتوب اما غیررسمی از طریق انریکه مورا» گفتگو می‌شود. میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات وین که این‌روزها گفته می‌شود اوست که در عمل بجای نمایندگان جمهوری اسلامی در وین مشغول مذاکره با طرفین دیگر است تاکید می‌کند «دور هشتم مذاکرات وین در قالب دیدارهای غیررسمی ادامه می‌یابد.» در ایران برخی تحلیلگران می‌گویند «بعید است بدون مذاکره مستقیم تهران و واشنگتن توافقی حاصل شود.» همچنین این موضوع در رسانه‌های جمهوری اسلامی مطرح می‌شود که اسرائیل تلاش می‌کند با استفاده از ابزارهای مختلف بر روند گفتگوها تأثیر بگذارد و اروپایی‌ها مواضع اسرائیل را دنبال می‌کنند. در همین ارتباط ایرنا می‌نویسد «اروپا به دنبال امتیازگیری مستقل از ایران است. خبرها از هماهنگی سه کشور اروپایی عضو برجام با اسرائیل حکایت دارد و گفته می‌شود که سفرها و



امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه نیز از نیروهای نزدیک به سردار قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه پاسداران است. محمد مخبر دزفولی که اکنون معاون اول ابراهیم رئیسی است از مدیران بهداری سپاه پاسداران بوده. مسعود میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. محسن رضایی معاون اقتصادی ابراهیم رئیسی و سعید محمد مشاور رئیس‌جمهور در امور مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی و دبیر شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی از دیگر فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. حسن کاظمی قمی از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به عنوان نماینده ویژه ابراهیم رئیسی در امور افغانستان تعیین شده است.

انتصاب سپاهیان پاسدار در مقام‌های استانی نیز بسیار چشمگیر است. بجز سردار پاسدار بهمن امیری مقدم که روز چهارشنبه به عنوان استاندار کرمانشاه منصوب شد، پیش از این زین‌العابدین رضوی‌خرم از فرماندهان سپاه‌استان‌های آذربایجان غربی و شرقی به استانداری آذربایجان شرقی منصوب شد.

نمی‌کند که نقض تمامی توافقی‌هایی که امضا کرده، از جمله برجام باید عواقبی برای رژیم ایران داشته باشد.» ناگل هشدار داد که «ایالات متحده می‌خواهد به هر قیمتی از یک تصویر ساختگی پیشرفت در توافق دیپلماتیک محافظت کند.» او افزود: «اگر توافقی حاصل شود احتمالاً بسیار بد خواهد بود.»

از اصلی‌ترین موانع برای معامله در وین میان جمهوری اسلامی و غربی‌ها مسائل موشکی و منطقه‌ای و به قول علی خامنه‌ای «مسائل ناموسی انقلاب» است که نمایندگان جمهوری اسلامی در مذاکرات مجوز چانه‌زنی بر سر آنها را هنوز از تهران نگرفته‌اند.

از اواسط سال ۱۳۹۷ پس از خروج آمریکا از برجام آن زمان که دولت حسن روحانی روی کار بود و بحث «برجام پلاس» یا «احیای برجام» مطرح شد، قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» در یک سخنرانی هشدار داد «برجام ۲ و ۳ برای خشکاندن جریان‌های ناب اسلامی است، دشمن معتقد است چشمه باید خشکانده شود.»

جریان «ولایت‌مدار» با متهم کردن تیم محمدجواد ظریف و عباس عراقچی به «سازشکاری» و «تسلیم» در مذاکرات وین امیدوار بودند تیم حسین امیرعبداللهیان و علی باقری کنی که به «دیپلمات‌های مقاومت» مشهورند «انقلابی» عمل کرده و آمریکا را مجبور کنند که همه تحریم‌ها لغو شود و آنها دست پُر به تهران برگردند! اما در عمل بعد از دو دور مذاکره تیم دولت «قاضی مرگ» نیز به همان نقطه‌ای رسید که تیم دولت «تدبیر و امید» رسیده بود! دولت سیزدهم و وزارت خارجه‌ی هیچ‌کاره‌اش نیز که مانند روحانی و ظریف فقط مجری اوامر رهبری جمهوری اسلامی هستند ناچارند برای گفتگو درباره فعالیت‌های موشکی و خرابکاری‌های منطقه‌ای رژیم و شبه‌نظامیان‌ش از تهران تعیین تکلیف بخواهند و ببینند تا کجا می‌توانند در «میدان» عقب‌نشینی کرده و با ادعای «دیپلماسی انقلابی» تن به «نرمش قهرمانانه» بدهند.

یعقوب‌علی نظری فرمانده «سپاه امام رضا» به عنوان استاندار خراسان رضوی و غلامرضا حیدری سودجانی نیز از سوی هیئت دولت به عنوان استاندار چهار محال و بختیاری منصوب شدند. سودجانی فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری و معاون امور استان‌های سازمان پدافند بوده است. احمد محمدی‌زاده استاندار بوشهر، صادق خلیلیان استاندار خوزستان، مهدی دوستی استاندار هرمزگان و فرهاد زویبار استاندار لرستان نیز از جمله نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند.

کیهان لندن پیش از این در گزارشی به حضور نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دولت «قاضی مرگ» پرداخته و نوشته بود که «سهم ویژه و گسترده‌ی سپاهیان پاسدار در دولت سیزدهم بیانگر این است که این نهاد نامتعارف و موازی ایدئولوژیک بدون «کودتا»یی که درباره آن هشدار داده می‌شد، دولت را نیز به دست گرفته است. چنین آرایشی در کنار حضور محمدباقر قالیباف سردار سپاه در ریاست مجلس شورای اسلامی و غلامحسین محسن اژه‌ای یکی از سرکوبگرترین مهره‌های قضایی، به عنوان رئیس قوه قضاییه نشانگر «تدبیر» کنونی علی خامنه‌ای در آرایش نیروهاست.»

در این گزارش تأکید شده بود که «علی خامنه‌ای می‌خواهد از سه گنجی که تحریم‌ها نظام را در آن قرار داده خارج شود اما بدون ظاهرا عقب‌نشینی در پشت میز مذاکره که استیصال و ناچاری ارزیابی شود. در نتیجه از یکسو ادعای «عجله نداشتن برای مذاکره» را تبلیغ می‌کند و از سوی دیگر نیاز دارد فضای کشور را آرام و بدون بحران نشان دهد. به گمان وی، یکدست شدن قوا با نیروهایی که از او بیشترین حرف‌شنوی را دارند، مدیریت داخلی کشور را برای رسیدن به این هدف آسان می‌کند.»



پرواز «بی‌اس ۷۵۲» هواپیمایی اوکراین اینترنتشнал بامداد ۱۸ دی ۱۳۹۸ به فاصله کوتاهی پس از پرواز از فرودگاه بین‌المللی تهران با شلیک دو موشک پدافند سپاه پاسداران سرنگون شد و تمامی ۱۷۶ مسافر و خدمه آن کشته شدند

جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند و پایگاه عین‌الاسد نیز تخلیه شده بود، اما چهار ساعت بعد از موشک‌پرانی به عین‌الاسد، پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با دو موشک یک هواپیمای مسافربری اوکراینی را با ۱۷۶ مسافر و خدمه هدف قرار داد که همه آنها کشته شدند.

ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بعد از سه روز لاپوشانی و دروغ سرانجام در بیانیه‌ای اعتراف کرد که پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیما شلیک کرده است. این بیانیه فاجعه‌ای را که بر فراز پایتخت ایران روی داد، معلول «خطای انسانی» و «غیرعمد» قلمداد کرد. اما جمهوری اسلامی پس از آن حاضر نشد جعبه‌های سیاه را به اوکراین (کشور هواپیمای ساقط شده) یا کانادا (که بیشتر جانباختگان تبعه آن بوده‌اند) یا آمریکا (کشور سازنده‌ی بوئینگ) و یا کشور ثالث مانند فرانسه که امکانات بازخوانی اطلاعات جعبه سیاه را دارند، تحویل بدهند. خود ایران تجهیزات مربوط به بررسی اطلاعات جعبه سیاه را ندارد.

اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسئولیت شلیک به این هواپیما را به عهده گرفته اما چرا جمهوری اسلامی از تحویل جعبه‌های سیاه خودداری می‌کند، پرسشی است که تلاش برای یافتن پاسخ آن به اثبات ادعای «غیرعمد» یا «عمدی» بودن آن کمک خواهد کرد. شواهد عینی و اعترافات مقامات جمهوری اسلامی پس از شلیک موشک به هواپیمای مسافربری که کیهان لندن در گزارش‌های مختلف به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است، نشان می‌دهد که این فاجعه را می‌توان یک «جنایت جنگی» دانست. مقامات رژیم ایران برای توجیه «خطای انسانی» و «غیرعمدی» بودن شلیک موشکی به تکرار گفته‌اند در آن ساعات «شرایط جنگی» بوده است؛ با اینهمه پروازهای عادی و غیرنظامی بر فراز کشور را ممنوع اعلام نکرده بودند!

مراکش بار دیگر روابط خود را با رژیم ایران قطع کرد



پس از مذاکره میان وزیر خارجه رژیم ایران، محمدجواد ظریف و همتای مراکشی وی، صلاح‌الدین مزوار و تأکید دو طرف بر «همکاری‌های دیرینه دو کشور» مناسبات دیپلماتیک میان ایران و مراکش بار دیگر برقرار شد.

در یکی از موارد، جدال کلامی میان مقامات دو کشور در بهار ۱۴۰۰ نیز بار دیگر بالا گرفت. تا جایی که سعید خطیب زاده سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفته بود که وزیر خارجه مراکش «به دلیل ناتوانی در حل مسائل منطقه‌ای» و حمایت از اسرائیل، اتهامات واهی و بی‌اساس خود کرده است.

سخنان وی واکنشی به اظهارات ناصر بوریهطه بود که یکروز پیش از آن در جریان نشست آنلاین کمیته روابط عمومی آمریکا– اسرائیل (آیپک) از جمهوری اسلامی…

«جبهه پولیساریو» مبارزات خود را

از سال ۱۹۷۳ میلادی به عنوان یک گروه مقاومت علیه استعمار اسپانیا و برای استقلال صحرای غربی آغاز کرد. پولیساریو پس از خروج اسپانیا در سال ۱۹۷۶ با تقسیم صحرای غربی میان دو کشور موریتانی و مراکش مخالفت کرد. قرارداد صلح میان موریتانی و پولیساریو در سال ۱۹۷۹ به جنگ میان این دو خاتمه داد. در این میان پس از آنکه مراکش بخش بزرگی از صحرای غربی را ضمیمه خاک خود کرد، «جبهه پولیساریو» به مبارزه علیه مراکش ادامه داد.

روابط میان جمهوری اسلامی ایران و مراکش طی سال‌های اخیر دستخوش فراز و نشیب‌های دیگری نیز بوده است. دولت مراکش یکبار نیز در سال ۱۳۸۷ به دلیل آنچه «دخالت ایران در امور بحرین» خواند روابط خود را با ایران قطع کرده بود. در سال ۱۳۹۲

محکومیت جمهوری اسلامی به پرداخت ۱۰۷ میلیون دلار غرامت به خانواده شش تن از قربانیان هواپیمای اوکراینی

- مارک آرنولد وکیل

شماری از خانواده‌های قربانیان پرواز بی‌اس ۷۵۲ در بیانیه‌ای اعلام کرد که دادگاه برای اجرای این حکم به دنبال توقیف دارایی‌های جمهوری اسلامی ایران در کانادا و سایر نقاط است.

- این پرونده توسط

شاهین مقدم، مهرزاد زارعی و علی گرجی تشکیل شده است. گفته شده برخی دیگر از شاکیان این پرونده به دلیل نگرانی از انتقامجویی از سوی رژیم ایران نام خود را فاش نکرده‌اند.

در آستانه دومین سالگرد سرنگونی هواپیمای مسافری «اوکراین اینترنتشنال» توسط موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دادگاهی در انتاریو کانادا جمهوری اسلامی را به دلیل ارتکاب این جنایت به پرداخت ۱۰۷ میلیون دلار غرامت محکوم کرد. این حکم به دنبال شکایت خانواده شش تن از قربانیان «پرواز ۷۵۲» در دادگاه صادر شده است.

به گزارش «گاردین» مارک آرنولد وکیل شماری از خانواده‌های قربانیان این پرواز در بیانیه‌ای اعلام کرد که «عضای خانواده شش تن از جانباختگان که دادگاه انتاریو برای آنان حکم دریافت غرامت صادره کرده، همسر، خواهر و برادر، فرزندان، خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌هایشان را در پرواز ۷۵۲ از دست داده‌اند. آنها یک دادخواهی مدنی علیه جمهوری اسلامی ایران و سایر مقاماتی که به باور آنها در این رویداد مقصر بوده‌اند، تنظیم کرده بودند.»

به گفته‌ی مارک آرنولد، دادگاه برای اجرای این حکم به دنبال توقیف دارایی‌های جمهوری اسلامی ایران در کانادا و سایر نقاط است. او همچنین

مذاکرات در وین بر سر «دشوارترین مسائل مذاکرات» بدون حضور نمایندگان جمهوری اسلامی!



هتل کوبورگ یکی از محل اصلی مذاکرات اتمی در وین

کند با این حال نتیجه این گفتگو هنوز مشخص نیست و مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های حکومتی در مورد آن به تناقض‌گویی مشغول هستند. خبرگزاری ایسنا در گزارشی خبر از «موافقت کره جنوبی با آزادسازی فوری پول‌های بلوکه‌شده ایران» داده اما در متن گزارش آمده معاون وزیر خارجه کره جنوبی ابراز امیدواری کرد که مذاکرات احیای برجام به زودی به نتیجه برسند و «دو طرف موافق بودند آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران ادر بانک‌های کره جنوبی ا باید فوراً انجام شود.»

از سوی دیگر، باقری کنی به کره‌ای‌ها گفته «فارغ از نتایج گفتگوها در وین، دولت کره جنوبی موظف به آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران است و تحریم‌های یکجانبه آمریکا نمی‌تواند توجیهی برای عدم پرداخت بدهی‌ها به ایران باشد.»و همچنین تأکید کرده «خودداری غیرقانونی و غیرقابل توجیه کره جنوبی از بازپرداخت بدهی‌های خود به ایران، نقطه‌ای تیره در تاریخ روابط دو کشور خواهد بود و سئول باید هرچه سریع‌تر نسبت به آزادسازی منابع ایران اقدام نماید.»

اینهمه در حالییست که سئول بدون موافقت آمریکا نمی‌تواند پول‌های بلوکه شده ایران را آزاد کند مگر برای مصارف انساندوستانه و خرید کالا و مواد غذایی و دارویی تا پول نقد به دست رژیم ایران نرسد که آن را برای پر کردن جیب خود و برنامه‌های تسلیحاتی و خرابکارانه مصرف کند.در وین نمایندگان آمریکا، روسیه،

گزارش «واشنگتن پست» درباره شبکه مخفی قاچاق محموله‌های سوخت توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

گاهی بین ۱۰ هزار تا ۵۰ هزار دلار رشوه می‌گیرند.

سوخت قاچاق از ایران به بازارهای بین‌المللی با مبدأ جعلی صادر می‌شود تا وانمود کنند محموله‌ها از عراق یا امارات آمده است.

قاچاق سوخت توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حدی است که در بعضی مواقع حتا فعالیت «قاچاقچیان مستقل» و غیروابسته به حکومت‌ها را مختل می‌کند! آندریاس کریگ استاد دانشکده مطالعات امنیتی در کینگزکالج لندن می‌گوید «سپاه پاسداران نهادهی بسیار فاسد است و اگر به میزان قاچاق سالانه از ایران نگاه کنیم متوجه می‌شویم که درباره میلیون‌ها بشکه صحبت می‌کنیم»

ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در دی‌ماه ۱۳۹۸ از بازداشت فردی در رابطه با پرونده قاچاق سوخت خبر داد و او را «سرپاند اصلی قاچاق سوخت» خواند. این فرد هومن پروین مدیر شرکت «پرنده آبی جهان» بود که امرداد سال ۱۳۸۹ به عنوان «کارآفرین نمونه کشور» گزینش شد و از دست محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور وقت تقدیرنامه دریافت کرد. اظهارات محموداحمدی‌نژاد در تیرماه ۱۳۹۰ در مورد «برادران قاچاقچی» در «همایش راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالاو ارز» اشاره به فعالیت‌های غیرقانونی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اسکله‌های غیرمجاز داشت که با واکنش تندی از سوی فرماندهان این نهاد نظامی موازی و نامتعارف روبرو شد.



میشل باکمن کارشناس شرکت اطلاعات امنیت دریایی «لوید لیست» واسط شهرپور ۱۴۰۰ در یک مصاحبه گفته بود جمهوری اسلامی ناوگان مخفی دریایی دارد و تانکرها با خاموش کردن «سیستم موقعیت‌یاب» نفت را به نفتکش‌های کوچکتر منتقل می‌کنند

با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری دارند.

واشنگتن پست می‌نویسد نقل و انتقالات محموله‌های نفتی قاچاق برای فرار از شناسایی آنها توسط گشت‌های دریایی یا گارد‌های ساحلی معمولاً در شب انجام می‌شود. به گفته دریانوردانی که شاهد قاچاق سوخت از ایران در خلیج فارس بودند نفتکش‌های حامل سوخت خارج از آب‌های سرزمینی امارات متحده عربی لنگر می‌اندازند و سپس به صورت جداگانه، کشتی‌ها و قایق‌های کوچکتر به نفتکش نزدیک می‌شوند و مخازن‌شان را پر می‌کنند. این روش انتقال محموله‌های نفتی گاهی از یک نفتکش ۴ تا ۵ روز زمان می‌برد.

ملوانان یا ناخدای این کشتی‌های کوچک برای قاچاق این محموله‌ها

● بعدازبربوک وزیر خارجه آلمان و چند مقام غربی، ژان ایو لودریان وزیر خارجه فرانسه نیز هشدار داد که فرصت‌برای جمهوری اسلامی رو به پایان است.

● میخائیل اولیانوف: مذاکرات هدفمندی درباره یکی از دشوارترین مسائل در دستور کار مذاکرات وین (بدون ایران) داشتیم.

● در ایران ائمه جمعه در خطبه‌های نماز نسبت به عقب‌نشینی نمایندگان جمهوری اسلامی در وین که به «دیپلمات‌های مقاومت» مشهور بودند هشدار داده‌اند.

● امام جمعه سمنان: «حفظ اقتدار کشور مهم‌ترین موضوع در مذاکرات است و انتظار می‌رود مذاکره‌کنندگان ارشد از یادداشت‌ها و روند موجود مطلع و نباید همه‌چیز محرمانه باشد».

ژان ایو لودریان وزیر خارجه فرانسه با اشاره به اینکه «پیشرفت‌هایی در مذاکرات اتمی حاصل شده است» می‌گوید امکان رسیدن به توافق اتمی با جمهوری اسلامی وجود دارد اما در عین حال هشدار داد که «فرصت رو به پایان است».

پیش از این آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان نیز با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات اتمی «عتمادهای زیادی را از بین برده است» هشدار داد «مذاکرات وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده شده است».

در دور هشتم مذاکرات اتمی چوی جانگ کان معاون وزیر خارجه کره جنوبی که به شهر وین سفر کرده با علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو کرد. پیش از این دیدار عنوان شده بود او قرار است در این سفر در مورد آزاد ساختن پول‌های بلوکه شده ایران در بانک‌های کره‌ای صحبت

گزارش «واشنگتن پست» درباره شبکه مخفی قاچاق محموله‌های سوخت توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● تعدادی از شرکت‌های کشتیرانی ایران که در فهرست شرکت‌های خصوصی ثبت‌شده‌اند در عملیات قاچاق سوخت با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری دارند.

● دریانوردانی که شاهد قاچاق سوخت از ایران در خلیج فارس بودند می‌گویند نفتکش‌های حامل سوخت خارج از آب‌های سرزمینی امارات متحده عربی لنگر می‌اندازند و سپس به صورت جداگانه، کشتی‌ها و قایق‌های کوچکتر به نفتکش نزدیک می‌شوند و مخازن‌شان را پر می‌کنند.

● سوخت قاچاق از ایران به بازارهای بین‌المللی با مبدأ جعلی صادر می‌شود تا وانمود کنند محموله‌ها از عراق یا امارات آمده است.

روزنامه «واشنگتن پست» سوم ژانویه (۱۳ دی‌ماه) به قاچاق عظیم انواع سوخت و محموله‌های نفتی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عوامل وابسته به این نهاد نظامی از ایران به کشورهای چین، سومالی و یمن پرداخته است.

در این گزارش تأکید شده تعدادی از شرکت‌های کشتیرانی ایران که در فهرست شرکت‌های خصوصی ثبت‌شده‌اند در عملیات قاچاق سوخت

زنان شاخص

نجمی فروهی

نجمی فروهی (نجم‌الملوک وثوقی) زاده ۱۳۱۴،گوینده و صداپیشه اهل ایران است،وی شخصیت برجسته فرهنگی و مدیر «مؤسسه آموزشی شهپانو فرح پهلوی» در یاخچی‌آباد تهران بود.نجمی فروهی در تئاترهای دانشکده ادبیات (دانشگاه تهران) و نمایش‌های برنامه دوم رادیو بازی می‌کرد. وی فعالیت در زمینه دوبلاژ را از سال ۱۳۳۵ آغاز کرد و گوینده بسیاری از نقش‌های اول و دوم به‌جای رومی اشنایدر، بریژیت باردو، شرلی مک‌لین، هوپ لانگ، دایانا دورس، ریتا مورنو، کارول بیکر، کارول لینی، آن مارگرت، لی رمیک، دپورا کر، مرلین مونرو، تیبی هدرن، ناتالی وود، کیم نوک، نرگس، آذر حکمت شعار، فرانک میرقهاری، شهره آغداشلو، پروانه معصومی، قدسی کاشانی، نیلوفر، زری خوشکام، ویکتوریا، و… بوده است.صدای نجمی فروهی به خوبی روی رومی اشنایدر به‌کار گرفته شده بود، بطوری که به عنوان گوینده ثابت این هنرپیشه شناخته می‌شود. وی که لیسانسه زبان و ادبیات فارسی



است، در ضمن فعالیت در دوبلاژ، به خدمات فرهنگی نیز اشتغال داشت و دبیر و مدیر مدارس تهران بود. وی «مؤسسه آموزشی فرح پهلوی» را در محله یاخچی‌آباد تهران تأسیس کرد و مدیریت این مجتمع را بر عهده داشت. این مؤسسه که در سال ۱۳۵۱ با حضور محمدرضا شاه پهلوی و امیرعباس هویدا افتتاح شد، شامل کلیه مقاطع تحصیلی از کودکستان، آمادگی، دبستان،متوسطه(راهنمایی) و دبیرستان بود. هوشنگ سیحون طراح بنای این مجتمع بوده است.

جراحی انحراف بینی یا سپتوپلاستی

سپتوپلاستی یک جراحی است که با هدف اصلاح انحراف بینی انجام می‌شود.در واقع یک جراحی مورد نیاز برای از بین بردن هرگونه نا تعادلی در بینی است که باعث ایجاد مشکلاتی در سلامتی نیز خواهد شد. جراحی سپتوپلاستی برای بازسازی راه بینی و تنفس راحت‌تر است. این جراحی روی افرادی انجام می‌شود که دچار انحراف بینی یا مشکلات سینوسی شده‌اند. سپتوپلاستی به بازسازی دوباره جداره بینی می‌پردازد. البته‌این عمل جراحی،مربوط به زیبایی نیست و نمی‌تواند تغییراتی را در شکل بینی به وجود بیاورد و در بهبود ظاهر فرد تفاوتی ایجاد نمی‌کند اما مشکلات مربوط به تنفس او را از بین خواهد برد و این خود امر بسیار مهمی است.
سپتوپلاستی چیست و چرا باید حتما انجام شود؟

سپتوپلاستی یک جراحی اصلاحی برای صاف کردن جداره بینی انحراف بینی است. غشا یا همان پره بینی باید دقیقاً در مرکز بینی قرار گرفته باشد. اگر شکل صحیحی نداشته باشد، باعث باریک شدن راه بینی می‌شود و در نتیجه از ورود جریان هوای مستقیم به داخل آن جلوگیری می‌شود و مشکلات تنفسی را به وجود خواهد آورد. انحراف این ناحیه می‌تواند عاملی برای مشکلات تنفسی باشد که معمولاً به دلیل آسیب دیدگی یا مشکلاتی حین رشد فرد ایجاد می‌گردد.

انحراف بینی عاملی برای ایجاد مشکلاتی مثل مسدودیت راه تنفس، آپنه خواب، خونریزی مکرر از بینی، خرخرشانه، سینوزیت مزمن، انحراف ظاهر بینی، سردرد و خشکی دهان است. گاهی اوقات نیز این مشکلات به دلیل وجود آلرژی‌ها و یا باریک بودن راه بینی به وجود می‌آید. در واقع در چنین حالتی فرد نمی‌تواند به صورت معمولی نفس بکشد.

عوامل ایجادسپتوم‌بینی و ضرورت جراحی انحراف

۱-آسیب‌های ناشی از ضربات وارده به بینی مانند:آصابةتوپ با بینی، زمین خوردن با صورت، در حین مسابقه ورزشی و …

۲-وارد شدن آسیب به بینی نوزاد در حین عبور از کانال زایمان

۳-در طی فرآیند رشد

جراحی سپتوپلاستی بینی چگونه انجام می‌شود؟

در اکثر موارد جراحی سپتوپلاستی یک بی‌هوشی عمومی دارد و به بستری شدن نیازی ندارد. هنگام جراحی فرد روی کمر دراز می‌کشد و زاویه بدن او ۳۰ درجه است. تراوشات و مخاط بینی در طول این جراحی خارج می‌شود و باعث می‌شود که محل صحیح غضروف و استخوان مشخص گردد.

سپس جراح غشای مخاطی را بالا می‌دهد که خط داخلی بینی محسوب می‌شود. بافت بینی که نیاز به تغییر



جعبه سیاه زمین ساخته‌می‌شود

قرار است طبق پروژه‌ای که جعبه سیاه زمین نام دارد و در ۲۰۲۲ میلادی اجرا می‌شود داده‌های تغییرات آب و هوایی، بلایای طبیعی و غیره زمین ذخیره شود.به گزارش لایو ساینس، پروژه‌های تجاری معمولاً ثبت می‌شوند. هر حرکت هواپیما به وسیله یک دستگاه ضبط مخصوص که در دم هواپیما وجود دارد، ثبت می‌شود. پس از سقوط هواپیما، تیم‌های جستجو و نجات محل حادثه هوایی را بررسی می‌کنند تا سوابق ثبت شده در آن نشان دهد سقوط هواپیما چگونه اتفاق افتاده است.اکنون قرار است سال آینده یک جعبه سیاه برای ثبت بلایای طبیعی زمین ساخته شود. این ابزار که در واقع همان «جعبه سیاه زمین» نام دارد،

هر رویدادی را در جهان ثبت می‌کند.این صندوق که با انرژی خورشیدی کار می‌کند به اندازه یک اتوبوس مدرسه است و ظاهری شبیه یک ایستگاه اتوبوس معکوس دارد.کل این ابزار با فولادی به ضخامت ۷.۵ سانتیمتر پوشیده شده تا درمقابل بلایای طبیعی دوام بیاورد و مانند جعبه سیاه هواپیما در ایمن‌ترین نقطه سیاره قرار گیرد که از قرار معلوم تاسمانی است. هنگامیکه این صندوق فعال شود، هارد درایوهایی در آن پر می‌شود که داده‌های مربوط به آب و هوا را ذخیره می‌کنند.این پروژه نتیجه همکاری دانشگاه تاسمانی و یک شرکت مخابراتی به نام «کلمنگر بی بی دی او» و یک مجموعه هنری به نام «گلو سوسایتی» است که ساخت آن از اوایل ۲۰۲۲ میلادی آغاز می‌شود.در این جعبه دمای هوا، داده های اسیدی شدن اقیانوس ها، داده‌های استفاده از زمین، بودجه نظامی، مصرف انرژی

سیگار نکشید.

۷-از چند روز قبل نباید

پرخوری کنید یا نوشیدنی الکلی مصرف کنید.

بعد از جراحی هم باید موارد زیر را در پیش بگیرید:

۱-هنگام استراحت سر خود را بالا نگهدارید.

۲-به مدت چند هفته چیزی را بنویسند.

۳-لباس‌هایی بپوشید که از جلو و عقب باز می‌شود و مجبور نیستید آن را از سرتان در بیاورید.

۴-از مصرف غذای داغ همچنین الکل خودداری کنید.

۵-در ماه های اولیه سیگار نکشید.

۶-ریکوری سپتوپلاستی متغیر است



عملکرد بینی هم کمک کند اما هدف مشخص سپتوپلاستی، اصلاح مشکلات عملکردی بینی است. تفاوت اصلی این است که سپتوپلاستی یک عمل درمانی و رینوپلاستی یک عمل زیبایی است.
قبل و بعد از جراحی چه کار کنیم؟

۱-برای انجام عمل سپتوپلاستی اول باید با پزشک خود در مورد آماده سازی خودتان و خطراتی که شما را تهدید می‌کند، صحبت کنید.

۲-همچنین باید تاریخچه پزشکی‌تان را در دسترس قرار دهید تا هرگونه سوالات شما در این مورد پاسخ داده شود.

۳-پزشک می‌تواند یک معاینه فیزیکی روی شما انجام دهد و ببیند که وضعیت داخل و خارج از بینی‌تان چگونه است.

۴-متخصص همچنین عکس‌های فتوگرافی شما را مشاهده می‌کند تا وضعیت را بهتر متوجه شود.

۵-قبل از جراحی بهتر است هیچ دارویی مثل ایبوپروفن و اسپرین مصرف نشود زیرا خونریزی را افزایش می‌دهد.

۶-اگر سیگاری هستید، حتماً پزشک به شما می‌گوید که چند روز قبل از جراحی



زن روز



سیمین بهبهانی

چيست اين ، اختری ست عالمتاب چيست اين ؟ اخگری ست محنت سوز بر لبان درشت وحشی ی تو گرچه نقشی ز خنده پیدا نیست لیک در دیده تو لیخندی ست که چو او ، هیچ خنده زیبا نیست شوق دارد ، چو خواهش عاشق از لب یار شوخ دلبنشد شور دارد ، چو بوسه مادر به رخ نازدانه فرزندش آه ، ای ناشناسی ناهمرنگ نگاهی سخت آشنا داری دل ما با هم است پیوسته گرچه منزل زما جدا داری

تست سلامت بدن فقط در ۳۰ ثانیه!

آب بگذارید.اگر انگشت‌ها سفید یا آبی شدند مشکلاتی در جریان گردش خون دارید.

۶. کبریت روشن را با تنفس از بینی خاموش کنید: اگر می‌خواهید بدانید عملکرد دستگاه تنفسی شما نرمال است:یک عدد کبریت را روشن کنید و در مقابل خود با دست نگه دارید.از بینی نفس بکشید و از دهان بیرون دهید تا کبریت را خاموش کنید.اگر چندین مرتبه تلاش کرده‌اید تا کبریت خاموش شود، پس دستگاه تنفسی ضعیفی دارید.سیگار کشیدن، ورزش نکردن و بیماری‌های تنفسی مزمن سبب کاهش عملکرد دستگاه تنفسی می‌شود.

۷. بالا نگه داشتن ساق پا به مدت ۳۰ ثانیه: دمر دراز بکشید و صورتتان باید رو به زمین باشد و دستانتان را صاف کنار بدن نگه دارید.هر دو پای خود را بالا بیاورید، به طوری که بدنتان روی زمین ثابت باقی بماند. ۳۰ الی ۳۵ ثانیه در همین حالت باقی بمانید.اگر توانستید بدون صاف کردن و یا تکان دادن پاها در همین حالت بمانید، یعنی بدن شما سالم است اما اگر این کار برایتان سخت بود، احتمالاً مشکلی وجود دارد که این مشکل در قسمت شکم و در قسمت پایین ستون فقرات است.

۸. روی دستانتان کاغذ بگذارید: برای انجام این تست چشم‌ها را ببندید.چشم بسته دست‌ها را به رو به رو دراز کنید و انگشت‌ها را باز بگذارید. از فردی بخواهید کاغذی روی دست شما بگذارد.لرزش کاغذ روی دست یعنی اینکه باید به یک متخصص درون ریزشناسی مراجعه کنید.

۹. ضربان نبض را بشمارید: برای اینکه بدانید مشکلات فشار خون دارید

یا خیر:۵ دقیقه آرام بنشینید.روی قسمت داخلی مچ دست ۲ انگشت خود را بگذارید و نبض‌تان را پیدا کنید. را بشمارید.اگر تعداد ضربان ۶۰ الی ۱۰۰ نبض در دقیقه بود، نرمال است. بیشتر یا کم‌تر بودن نبض نشان‌دهنده مشکلاتی در فشار خون شماست.

۱۰. با انگشت شست بالا یا پایین پاها را فشار دهید: بعد از چند ثانیه نباید گودی روی پا باقی بماند اما اگر گودی بدن یعنی پائتان مانده یعنی بدن‌تان مشکل نگهداری مایعات دارد ، پس کمتر نمک و غذاهای فراوری شده مصرف کنید.

۱۱.بالا ننه خود را بالا نگه دارید و در همان حالت باقی بمانید: دمر روی زمین دراز بکشید و سپس سعی کنید قسمت بالای بدن یعنی شانه‌ها و سر و دستانتان را بالا نگه دارید. ۳۰ الی ۳۵ ثانیه در همین پوزیشن باقی بمانید و اگر بدون هیچ سختی توانستید این کار را انجام دهید، یعنی بدنتان سالم است.درغیر اینصورت احتمالاً ستون فقرات شما ضعیف است.

انگشت وسط نشانه بیماری قلبی است.
انگشت حلقه:درد انگشت حلقه به قلب مرتبط است و ممکن است نشانه مشکلات قلبی باشد.**انگشت کوچک:**درد انگشت کوچک نشان‌دهنده مشکلاتی در روده کوچک است.

۲. دست خود را مشت کنید : برای این آزمایش دست خود را مشت کنید و هر دو دست را در یک موقعیت یکسان قرار دهید. بعد از ۳۰ ثانیه مشت دست را باز کنید سپس متوجه خواهید شد کف دستتان سفید شده است. زمانی که دست را مشت می‌کنید، رگ های خونی فشرده می‌شوند و جریان خون به دست محدود می‌گردد.اگر بعد از این که دست‌تان را باز کردید، این جریان خون برگشت، یعنی رگ های خونی درست کار می‌کنند و سالم هستند اما اگر طول کشید یعنی نشانه مشکلاتی در رگ‌های خونی است.

۳. با سر انگشت‌ها پاها را لمس کنید : برای اینکه بدانید انعطاف بدنتان خوب

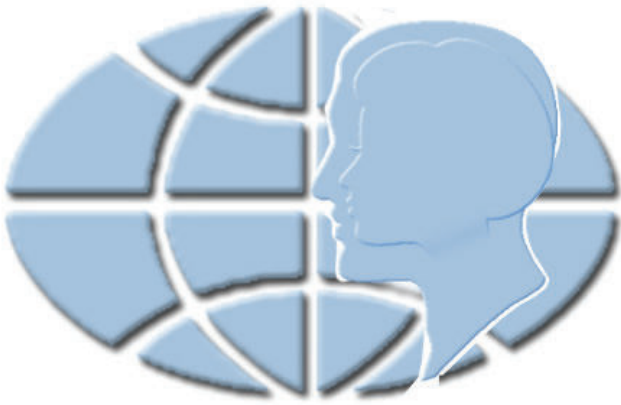


است و وضعیت جسمانی نرمالی دارید روی زمین بنشینید.پاها را در مقابل خود بکشید.با سر انگشت‌ها پاها را لمس کنید.اگر توانستید این کار را انجام دهید، وضعیت جسمانی نرمالی دارید. اما اگر نتوانستید، برای تقویت انعطاف بدن و جلوگیری از ضعف مفاصل باید ورزش یوگا، پیلاتس، یا شنا انجام دهید.
۴. کشش عضلات باسن: به راحتی روی زمین دراز بکشید. صورت شما باید مقابل زمین باشد و دستانتان را صاف کنار بدن نگه دارید. ساق پایتان را نیز صاف نگه دارید و به آرامی ساق پای راست را به سمت بالا بیاورید.پای راست را از زانو خم کنید و به مدت ۳۰ ثانیه در همین حالت باقی بمانید.اگر در انجام این حرکت موفق بودید، یعنی بدن شما سالم است اما اگر این تست برای شما با درد همراه بود، احتمالاً مشکلی در این عضلات وجود دارد.

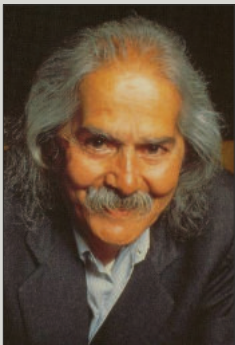
۵. تست سلامت در ۳۰ ثانیه با قرار دادن انگشت‌ها درون آب: برای اینکه بدانید مشکلاتی در جریان گردش خون ندارید، ابتدا: یک لیوان پر از آب سرد کنید.اکنون انگشت‌ها را ۳۰ ثانیه درون

آموزش تست‌های سلامت خانگی با ساده‌ترین روش‌ها

۱. ریشه ناخن‌های خود را فشار دهید: انگشت شست و انگشت اشاره به قسمت بالای ناخن در دست چپ فشار وارد کنید و ریشه ناخن را فشار دهید. شست خود را به مدت ۳ تا ۵ ثانیه روی ناخن نگه دارید و بعد از آن برای انگشتان دیگر این کار را تکرار کنید.بعد از این که فشار را برداشتید، باید خون بعد از ۲ ثانیه به آن برگردد. اگر این اتفاق افتاد، یعنی جریان خون شما کافی است زیرا انگشتان به ارگان‌های دیگر بدن نزدیک هستند.اگر تست بالا برایتان دردناک بود، احتمالاً یک جای کار مشکل دارد که برای انگشت‌های مختلف متفاوت است:
انگشت شست: اگر فشار انگشت شست برایتان دردناک بود، احتمالاً مشکل ریه دارید.**انگشت اشاره:** انگشت اشاره مربوط به روده بزرگ است و احساس درد در این قسمت نشان‌دهنده مشکلات روده و یبوست است.**انگشت وسط:** درد



مرد روز



مهدی اخوان ثالث

نذر کرده ام
یک روزی که خوشحال تر بودم
بیایم و بنویسم که
زندگی را باید با لذت خورد
که ضربه های روی سر را باید آرام بوسید
و بعد لبخند زد و دوباره با شوق راه افتاد
یک روزی که خوشحال تر بودم
می آیم و می نویسم که
این نیز بگذرد
مثل همیشه که همه چیز گذشته است و
آب از آسیاب و طبل طوفان از نوا افتاده است
یک روزی که خوشحال تر بودم
یک نقاشی از پاییز میگذارم ، که یادم بیاید
زمستان تنها فصل زندگی نیست

علائم هشدار دهنده حمله قلبی

باشید اما اگر ناگهان استقامت خود را از دست دادید ، تنگی نفس گرفتید یا در قفسه سینه خود درد داشتید ، حتماً سریعاً به پزشک مراجعه کنید. این علائم به این معنا است که فشار خون شما افت کرده، چون قلبتان آن طور که باید نمی‌تواند پمپاژ کند.

۵. چانه درد یا گلودرد

معمولاً چانه یا گلودرد به خودی خود به قلب ربطی ندارد اما می‌تواند به دلیل مشکلات ماهیچه قلب ، سرماخوردگی یا مشکلات سینوسی رخ دهد.

۶. به راحتی خسته شدن و خستگی

پیش از حد

اگر ناگهان احساس خستگی کردید و نتوانستید مثل گذشته کارهایتان را انجام دهید ، مثلاً به سختی از پله‌ها بالا رفتید یا به سختی خریدهای خود را از داخل ماشین بیرون آوردید ؛ حتماً به پزشک مراجعه کنید. این تغییرات مهم‌تر از علائمی مثل درد می‌باشند.

خستگی بیش از حد و ضعف بی دلیل



بدن می‌تواند نشانه حملات قلبی مخصوصاً در خانم‌ها باشد.

۷. خروپف کردن

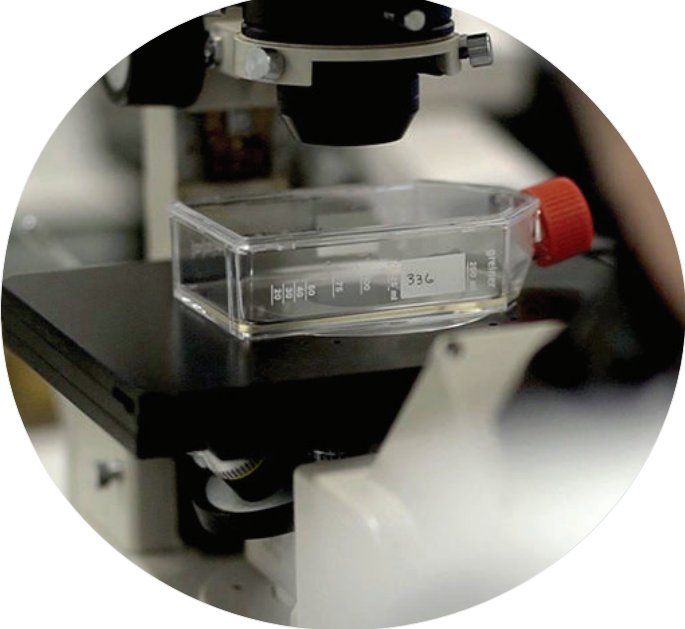
کاملاً طبیعی است که هنگام خواب خروپف کنید اما گاهی اوقات میزان این خروپف به قدری زیاد می‌شود که خواب شما را آشفته می‌کند و ممکن است که به تنگی نفس هم منجر شد. این اتفاق فشار زیادی را به قلب وارد می‌کند و در نتیجه در اسرع وقت باید به پزشک مراجعه کرد.

۸. عرق کردن

عرق سرد نمی‌تواند هیچ دلیل دیگری به جز سیگنال حمله قلبی داشته باشد که البته با علائم دیگری نیز همراه خواهد بود.

۹. سرفه‌ای که متوقف نمی‌شود.

در بیشتر موارد ، سرفه نشانه حمله قلبی نیست اما اگر بیماری قلبی داشته باشید و یا در معرض خطر باشید، باید توجه بیشتری به این سرفه‌ها کنید. اگر این سرفه‌های بیش از حد طولانی شد و یا با ترشحات صورتی و سفید همراه بود ، می‌تواند نشانه نارسایی قلب باشد. این مشکل زمانی رخ می‌دهد که قلب نتواند



ماهیچه‌های انسان برای تحقیقات درباره پیری به فضا ارسال می‌شوند

قرار است با ارسال سلول‌های کوچک ماهیچه انسان به فضا، آزمایشی برای کمک به طولانی ترشدن عمر انسان در فضا انجام شود.به گزارش پرس اسوسیشن، این پروژه حاوی سلولهای انسانی که «میکرو ایج»(MicroAge) نام دارد قرار است امروز به ایستگاه فضایی بین المللی ارسال شود. سلول های ارسالی به اندازه یک دانه برنج هستند و داخل دستگاه های نگهدارنده ای به اندازه یک مداد تراش قرار می گیرند.

هنگامیکه سلول ها به فضا برسند با تحریک الکتریکی در بافت ماهیچه انقباض ایجاد می شود و به این ترتیب محققان از نزدیک این رویداد را بررسی می‌کنند.

مدت زمان ارسال بدون تاثیر گرانش ممکن است به ضعیف شدن ماهیچه‌های فضانوردان منجر شود. این روند در فرایند سالمندی نیز اتفاق می افتد. البته وقتی

فضانوردان به زمین بر می گردند ماهیچه هایشان بهبود می یابند. محققان دانشگاه لیورپول با بودجه سازمان فضایی انگلیس این تحقیق را انجام می‌دهند و نتایج آن را با آنچه در زمین رخ می‌دهد، مقایسه می‌کنند. آنها مجبور شدند طی ۳ سال اخیر فعالیت های خود را افزایش دهند تا بسیاری از چالش های ارسال آزمایش علمی به فضا را برطرف کنند.

چنین آزمایشی به حل کردن معمای ضعیف شدن ماهیچه‌ها هنگام افزایش سن و کشف راه هایی برای جلوگیری از این فرایند کمک می‌کند. این درحالی است که از فضا برای درک رویدادهایی استفاده می‌شود که هنگام پیر شدن

به درخواست‌های برای ماهیچه های بدن انسان اتفاق دررفتگی، نوعی بدن پاسخ دهد ، در

نتیجه مقداری خون به داخل ریه‌ها نشت می‌کند.

۱۰. ورم قوزک ، ساق و کف پا

این مشکلات می‌تواند نشانه پامپاژ نشدن خون به طور موثر باشد. زمانی که قلب نتواند با سرعت کافی پمپاژ خون داشته باشد ، خون در رگ‌ها می‌ماند و ورم اتفاق می‌افتد. نارسایی قلب در این شرایط ، وضعیت را برای دفع آب از کلیه‌ها و سدیم از بدن سخت‌تر می‌کند که همگی عاملی برای ورم می‌باشند.

۱۱. ضریان نامنظم قلب

اگر حس کردید که ضربان قلب شما

اصغر افضلی

(۱۳۹۲–۱۳۱۷)

اصغر افضلی دوبلور و مدیر دوبلاژ ایرانی و از برجسته‌ترین کمدی گوهای دوبله ایران محسوب می‌شود که از سال ۱۳۳۹ شروع به فعالیت دوبله نمود و به جای بازیگران مهمی همچون وودی آلن و استن لورل صحبت کرده‌است.

او در آثار مختلف و تیپ‌های گوناگونی به جای شخصیت‌های مهم کمدی و کارتون‌ی صحبت کرده‌است. ویژگی صدای او تیپ سازی‌های متفاوت کمدی در فیلمها و کارتونها است. از نقش‌های شاخص او می‌توان به خلق تیپ در فیلمهای کمدی مثل فرانکو فرانچی، وودی آلن، بود ابوت، استن لورل، غلامحسین بهمنیار، داریوش اسمدزاده، عزت‌الله وثوق و توتو اشاره کرد.

از تیپ‌های کارتون‌ی ماندگار او، می‌توان به وروجک و آقای نجار (وروجک)، گوریل انگوری (بیگلی بیگلی)، کاراگاه گجت، قلعه هزار اردک، رابین‌هود (پادشاه / پرنس جان)، گربه‌های اشرافی (خدمتکار

اصول و باید نبایدهای کمک های اولیه در رفتگی

۲-تشخیص یک آسیب‌دیدگی از شکستگی، دررفتگی، پیچ‌خوردگی یا کشیدگی برای شخصی که کمک‌های اولیه را انجام می‌دهد، کمی دشوار است.

۳-اگر شک دارید، همیشه آسیب‌دیدگی را به عنوان شکستگی درمان کنید.

۴-اگر دچار دررفتگی مفصل هستید، استراحت کنید و یخ را روی مفصل‌تان قرار دهید.

۵-درصورت دررفتگی مفل لگن، ران یا زانو، مصدوم را حرکت ندهید و اگر در تنه‌ایی مجبور به جابجایی مصدوم هستید، او را روی لباس گذاشته و با استفاده از لباس، او را روی زمین بکشید

۶-احتمال شکستگی برای افرادی که برای اولین بار دچار دررفتگی می‌شوند بالاتر است بنابراین بهتر است درمان شکستگی انجام داده شود.

۷-به یاد داشته باشید که بیمار ممکن است سطح بالایی از درد را تجربه کند، بنابراین تسکین درد یکی از موارد مهم خصوصاً قبل از انتقال او است.

۸-آتل زدن به ناحیه آسیب دیده نیز بسیار ضروری است.

۹-شرح اتفاق، دررفتگی و وجود نبض، حرکت، حالت و رنگ قبل و بعد از آتل زدن ناحیه آسیب دیده باید به کادر پزشکی اطلاع داده شود و در مدارک ثبت شود.

۱۰-تشخیص استخوان در رفته از شکستگی استخوان دشوارتر است. هر دو وضعیت اورژانسی هستند و نیاز به همان درمان‌های اولیه دارند. ۱۱-به طور کلی آسیب‌های رباطی به ۳ تا ۶ هفته زمان برای بهبودی نیاز دارند.

۱۲-دررفتگی معمولاً در کودکان کوچکتر غیر معمول است زیرا ناحیه رشد استخوان‌ها از عضلات یا تاندون‌ها ضعیف‌تر است و در نتیجه نسبت به دررفتگی، بیشتر مستعد شکستگی‌هستند.

۱۳-در زمان دررفتگی باید بی‌حرکت بودوبیمارباتسکین‌دردمنتقل شود.

۱۴-باید از دادن هرچیزی برای خوردن به مصدوم خودداری کرد. ۱۵در اکثر موارد، دررفتگی‌ها برای ۱۵-۲۰ روز، به اشعه ایکس نیاز دارند.

فکته

با رخ دادن دررفتگی مفصل، احتمال تکرار آن زیاد است، پس به یک پزشک مراجعه کنید.

۶ تا ۱۲ ماه بهبود آسیب بافت اطراف مفصل، طول می‌کشد.

گاهی برای جان‌آداختن دررفتگی نیاز به بی‌حس کردن ناحیه یا بی‌هوش کردن مصدوم نیاز است.

گاهی برای ترمیم رباط های پاره شده نیاز به انجام جراحی است.

آسیب به اعصاب و عروق اطراف مفصل گاهی موجب ایجاد مشکلات طولانی مدت و یا دائمی می گردد.

بدون شمارهٔ صفحه - شماره ۱۸۱۰

جمعه ۷ تا پنجشنبه ۱۳ زانویه ۲۰۲۲

مردان شاخص



/ ادگار)، شلمان (کارتون بامزی) و نمایش عروسکی چاق و لاغر (چاق) اشاره کرد.

او همچنین سالها در برنامهٔ رادیویی صبح جمعه با شما به فعالیت مشغول بود.

وی در سریال هزارستان نیز به جای منوچهر آذری و چند شخصیت دیگر به گویندگی پرداخته است.

در سریال دایی جان ناپلئون، نقش مادر اسپیران غیاث آبادی با بازی پروین سلیمانی را گویندگی کرده‌است.

فعالیت زنان در رشته‌های بدنسازی

ممنوع اعلام شد



●وزارت ورزش دلایل ممنوعیت فعالیت بانوان ورزشکار در این رشته‌ها را اعلام نکرده است. این ممنوعیت‌ها در حالِیست که امردادماه امسال با مجوز شورای برون‌مرزی وزارت ورزش، نخستین اعزام تیم ملی دختران ایران به رقابت‌های آسیایی میچاندازی انجام شد و آنها موفق به کسب عنوان سوم قاره آسیا شدند.

بانوان ایران در امردادماه سال ۱۴۰۰ در مسابقات میچاندازی قاره آسیا شرکت کرده و موفق به کسب مقام سوم قاره آسیا شدند. اخیرا نامه‌ای از سوی وزارت ورزش ایران به ادارات کل ورزش استان‌ها ارسال شده و در آن هرگونه فعالیت زنان در رشته‌های زیرمجموعه فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام تا اطلاع ثانوی ممنوع اعلام شده است. در بخشی از این نامه آمده است: «نظر به اینکه مجوز کتبی در خصوص فعالیت بانوان فدراسیون پرورش اندام در رشته‌های تحت پوشش صادر نگردیده است، لذا هرگونه فعالیت

خانم‌ها از قبیل برگزاری مسابقات، اردوهای تدارکاتی و مجوز برگزاری دوره‌های مربیگری و داوری تا اطلاع ثانوی غیرقانونی است.» طی سال‌های اخیر مجوز رسمی فعالیت بانوان در رشته‌های وزنه‌برداری، تناسب اندام و میچاندازی از سوی وزارت ورزش و جوانان صادر شده بود.وزارت ورزش دلایل ممنوعیت فعالیت بانوان ورزشکار در این رشته‌ها را اعلام نکرده است. این ممنوعیت‌ها در حالِیست که امردادماه امسال با مجوز شورای برون‌مرزی وزارت ورزش، نخستین اعزام تیم ملی دختران ایران به رقابت‌های آسیایی

●تجمعات دو هفته گذشته آموزگاران که با حضور ده‌ها هزار آموزگار در بیش از ۱۰۰ شهر ایران برگزار شد بزرگ‌ترین تجمع سراسری آموزگاران در تاریخ کشور بوده است. ●مطالبات و اعتراضات آموزگاران انگیزه‌های صنفی داشته و آموزگاران به دلیل مشکلات صنفی، ناراضی و عصبانی و منتقد هستند. ●اگر آموزگاران پس از سال‌ها تجمع و اعتصاب و اعتراض، شعارهایی می‌دهند که از جمله شعارهای «سیاسی» ارزیابی شده و جمهوری اسلامی ومقاماتش را هدف قرار می‌دهند به این دلیل است که انواع دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا نشان داده‌اند اراده، انگیزه و کارآمدی لازم برای حل مشکلات آموزگاران را ندارند؛ همانطور که نسبت به خواسته‌های دیگر اصناف هم بی‌اعتنا بوده

ممنوعیت واردات واکسن تکذیب شد؛ رئیس سازمان غذا و دارو

خودش گفت و خودش هم تکذیب کرد: سوء تفاهم بود!



تکرار کرد ولی در عین حال گفت: «اما به هیچ عنوان این مسئله به معنی ممنوعیت ورود واکسن‌های خارجی نیست. برخی کشورها واکسن‌هایشان را به ما اهدا می‌کنند. در سبد کوواکس هم میلیاردها دلار پول از سوی ایران پرداخت شده، اما در زمان لزوم، واکسن کمتری را دریافت کرده‌ایم و واردات این واکسن‌ها هم ادامه خواهد داشت. ما ۲ مسیر واردات واکسن داریم و هیچ ممنوعیتی در اینباره وجود نخواهد داشت.»

او گفته که «در وضعیت کنونی هیچ اضطراری به تامین واکسن از خارجی‌ها وجود ندارد و ظرفیت تولید واکسن‌های داخلی در کشور مطلوب است.» آنگونه که رئیس سازمان غذا و دارو توضیح داده، «در آینده هر تصمیمی برای واردات واکسن وجود داشته باشد از جمله نیاز به واکسن خاص برای گروه‌های سنی جدید و تغییر نیاز کشور برای دسترسی به واکسنی غیر از واکسن‌های داخلی، قطعا خرید و واردات انجام خواهد شد. درباره واکسن و دارو هیچ زمانی کلمه ممنوعیت معنا ندارد. تمام تصمیم‌گیری‌ها در اینباره منوط به اتفاقات آینده است چرا که کرونا و ویروس آن رفتار قابل پیش‌بینی ندارد.»

او درباره آمار تولید واکسن‌های داخلی هم می‌گوید: «تا کنون ۱۸۰ میلیون دوز واکسن تامین شده است که ۲۵میلیون دوز آن تولید داخل است. واکسن‌سازهای داخلی هم اکنون ظرفیت و توان تولید ۱۵میلیون دوز واکسن را دارند و درصورت نیاز و سیاست‌گذاری‌های آینده ظرفیت افزایش تولید هم وجود دارد.»

به گفته این مسئول، موجودی واکسن کرونا در کشور حدود ۴۰میلیون دوز

معاون قرارگاه پدافند زیستی به عنوان یکی از عوامل اجرایی تولید واکسن «فخرا» به سیاست واردات بی‌رویه و حذف بی‌رویه اشاره می‌کند و درباره اهمیت واردات واکسن یا حمایت از تولید داخل می‌گوید: «اگر در اینباره به درستی برنامه‌ریزی شده باشد، حتا با تأکید بر تولید داخل، هر زمانی که نیاز به واردات پیش بیاید، به همان سمت می‌رویم.»

به گفته کریمی‌نیا، مشکل اینجاست که بر اساس برآوردهای بین‌المللی سازمان بهداشت جهانی قبل از دلتا باید ۷۵درصد جامعه هدف به صورت کامل (تزریق ۲ دوز) واکسیناسیون می‌شدند اما بعد از دلتا این عدد به ۸۵درصد رسید یعنی ۱۵۰میلیون دوز واکسن باید تزریق می‌شد اما اکنون هنوز ۳۰میلیون دوز واکسن تزریق نشده و حدود ۱۵میلیون نفر یا ناقص واکسینه شده‌اند یا اصلا واکسن دریافت نکرده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت که سیاست ممنوعیت واردات یا حمایت ناکافی از تولید داخلی می‌تواند منجر به آسیب شود. کریمی‌نیا تأکید می‌کند که اعلام ممنوعیت واردات واکسن تحت هر شرایطی اشتباه است و منجر به نگرانی مردم می‌شود. حتا اگر فرض را بر این بگذاریم که نیاز به خرید و واردات نیست اما در ماه‌های گذشته همواره واکسن‌هایی به ایران اهدا شده که اکنون اشکالی ندارد این واکسن‌ها را دریافت و به کشورهای واگذار کرد در هنوز نتوانسته واکسیناسیون خود را کامل کنند.

او در ادامه درباره تأکید بر تزریق واکسن خاص برای دوز سوم توضیح می‌دهد: «استرازنکا تزریق گسترده‌ای نداشته و اینطور نبوده که در ایران ده‌ها میلیون نفر با آن واکسینه شده باشند که اکنون به‌دلیل در دسترس نبودن دچار چالش شوند. اما هیچ تأکید ۱۰۰درصدی برای تزریق استرازنکا در دوز سوم نیست و واکسن‌های پاستور و رازی هم می‌توانند جانشین آن شوند. حتا مبحث مطرح شده از سوی سازمان بهداشت جهانی مبنی بر تغییر دوز سوم از ویروس کشته شده به واکسن وکتوریس (غیرفعال‌شده ویروس) هم یک پیشنهاد بود و الزامی نیست.»

این مسئول تأکید کرد که نباید با تصور نبود یک واکسن تزریق دوز سوم را به تعویق انداخت چرا که واکسن‌های جایگزین در کشور موجود است.

و با بی‌تفاوتی نسبت به حل مشکلات کشور، بر این مشکلات افزوده‌اند.

آموزش و پرورش شهرستان شادگان در استان خوزستان با صدور یک بخشنامه تهدیدآمیز از آموزگاران خواسته درباره مسائل سیاسی اظهار نظر نکنند و گرنه با آنها برخورد قضایی خواهد شد! محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران در واکنش به این بخشنامه با انتشار توییتی نوشته است: «اینکه بعد از ۴۲ سال آموزش ایدئولوژیک مجبور می‌شوند با دستورالعمل و تهدید، معلمان را از بیان حقایق بترسانند، آیا نشانه‌ای از ناکارآمدی چنین ساختار آموزشی نیست؟ کار معلم آگاهی‌رسانی است و دیگر دستورالعمل و تهدید جواب نمی‌دهد.»

آموزگاران در هفته‌های گذشته چند نوبت اعتصاب در مدارس و تجمع مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مجلس شورای اسلامی برگزار کردند. تجمعات دو هفته گذشته آموزگاران که با حضور ده‌ها هزار آموزگار در بیش از ۱۰۰ شهر ایران برگزار شد بزرگ‌ترین تجمع سراسری آموزگاران در تاریخ کشور بوده است.

آموزگاران در سه روز اعتصاب و اعتراض سه حق اصلی خود یعنی «تصویب و اجرای صحیح رتبه‌بندی معلمان»، «اجرای قانون همسان‌سازی حقوق آموزگاران بازنشسته» و «آزادی معلمان زندانی» را پیگیری کردند. جمعیت آموزگاران که در حدود یکصد شهر کشور در دوشنبه گذشته تجمع اعتراضی برگزار کردند، ده‌ها هزار نفر برآورد شده که بزرگ‌ترین اعتراض سراسری آموزگاران ایران تا کنون به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی از یکسو آموزگاران را در خیابان سرکوب و بازداشت کرد و از سوی دیگر شتابزده لایحه رتبه‌بندی را به شکلی ناقص تصویب نمود تا صدای اعتراض را خاموش کند.

مهمترین حقی که آموزگاران بر آن پافشاری می‌کنند، اجرای قانون «رتبه‌بندی حقوق» است که در صورت اجرا، حقوق و مزایای شغلی آموزگاران افزایش می‌یابد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از تجمع سراسری آموزگاران، لایحه نیمه‌ند رتبه‌بندی را با تبلیغات توخالی در حالی تصویب کردند که منابع مالی

برای اجرای آن وجود ندارد!

آموزگاران اقدام شتابزده «مجلس انقلابی» را که برای ساکت کردن آنها انجام شده، فریبکاری و خود لایحه را «سرهم‌بندی» می‌دانند و می‌گویند «اعتراضات آموزگاران ادامه می‌یابد.» رتبه‌بندی حقوق معلمان در زیرمجموعه «قانون مدیریت خدمات کشوری» قرار دارد که سال ۱۳۸۶ تصویب شد. در بخشی از این قانون آمده که حقوق کارمندان در نهادهای مختلف در صورت داشتن امتیازات برابر با ضریب ریالی برابری محاسبه شده و پرداخت خواهد شد. بر این اساس، آموزگاران که در وزارت آموزش و پرورش شاغل هستند باید مانند استادان دانشگاه که از وزارت علوم حقوق دریافت می‌کنند، رتبه‌بندی شغلی شوند و حقوق آنها رقمی معادل ۸۰ درصد حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها خواهد بود. در حال حاضر به گفته فعالان صنفی، میانگین دریافتی آموزگاران ماهانه

بر خورد قضایی با آموزگاران که در کلاس به نظام و

مقامات انتقاد کنند!



فاطمه بهمنی فعال صنفی آموزگاران که پس از آخرین اعتراضات آموزگاران بازداشت شد

حدود ۵ تا ۶ میلیون تومان است و بخشی از آنها که مدارک فوق لیسانس و دکترا دارند حدود ۷ میلیون تومان دریافت می‌کنند. در صورت اجرای قانون رتبه‌بندی انطور که نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب کرده‌اند میانگین حقوق معلمان به ۱۰ میلیون تومان در ماه خواهد رسید.

این در حالِیست که تازه‌ترین رقم «خط فقر» در ایران ۱۲ میلیون تومان برآورد شده است! مقایسه این اعداد نشان می‌دهد حقوق مود نظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنان معلمان را زیر خط فقر نگه می‌دارد. از سوی دیگر این ارقام برای سال ۱۴۰۱ است که تازه بیش از سه ماه دیگر آغاز خواهد شد. به این ترتیب، با نرخ تورم که در ایران روند افزایشی دارد و در نتیجه بر رقم خط فقر نیز صعودی افزوده خواهد شد، حقوق معلمان در ماه‌های آینده نیز همچنان فاصله بیشتری با خط فقر پیدا کرده و ارزش آن کمتر خواهد شد!

اینهمه نشان می‌دهد که مطالبات و اعتراضات آموزگاران انگیزه‌های صنفی داشته و همچنین آموزگاران به دلیل مشکلات صنفی، ناراضی و عصبانی و منتقد هستند.قاسم احمدی لاشکی معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش نیز پیش از این در ادعایی ناچیز به فعالیت مشغول هستند، زندان نیست: «در حال حاضر هیچ معلمی بابت امور صنفی معلمان بازداشت نیست، اما اگر موضوعات فراتر از صنفی باشد، تفاوت دارد.»

او البته بخشی از مشکلات آموزگاران را که با قراردادهای غیررسمی و دریافت حقوق ناچیز به فعالیت مشغول هستند، در سخنانش نشان داده است: «وضعیت حدود ۷۵ هزار فرهنگی پیمانی است که به دنبال رسمی شدن هستند که اینها از سال‌های ۸۰ جذب شده‌اند. در اینباره در حال پیگیری هستیم دو هفته پیش جلسه‌ای در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس برگزار شد و منظر هستیم که سازمان امور

استخدامی موافقت خود را اعلام و مجلس مصوب کند، که مشکل رفع شود. تبدیل وضعیت نیروهای کار معینی که مشمول قانون جامع ایثارگران می‌شوند، اکنون در حال پیگیری هستیم که سازمان امور استخدامی را فعلاً قانون به ما اجازه نمی‌دهد.»

از سوی دیگر همه اعتراضات آموزگاران صنفی بوده است. همانطور که قاسم احمدی لاشکی اشاره کرده بخشی از آنها که به صورت قرارداد موقت با آموزش و پرورش کار می‌کنند، خواستار تعیین تکلیف وضعیت استخدامی هستند. در همین حال همه آموزگاران خواستار اجرای قانون رتبه‌بندی هستند که بر اساس آن درآمدهای آنها معادل ۸۰ درصد حقوق اساتید دانشگاه خواهد بود.

اگر آموزگاران پس از سال‌ها تجمع و اعتصاب و اعتراض، شعارهایی می‌دهند که از جمله شعارهای «سیاسی» ارزیابی شده و جمهوری اسلامی و مقاماتش را هدف قرار می‌دهند به این دلیل است که انواع دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا نشان داده‌اند اراده، انگیزه و کارآمدی لازم برای حل مشکلات آموزگاران را ندارند؛ همانطور که نسبت به خواسته‌های دیگر اصناف هم بی‌اعتنا بوده و با بی‌تفاوتی نسبت به حل مشکلات کشور، بر این مشکلات افزوده‌اند.

حذف ارز دولتی خوراک دام قطعی شد؛ بازار در انتظار و التهاب قیمت‌های انفجاری!



مرغ گفته که «با حذف ارز دولتی خوراک مرغ قیمت تمام شده این کالا افزایش پیدا می‌کند اما این به معنای آن نیست که مردم هزینه افزایش قیمت را بپردازند. پیش‌بینی کارشناسان این است که برداشته شدن ارز دولتی خوراک مرغ در کوتاه مدت تأثیری در روند قیمت‌ها ندارد و در بلند مدت ممکن است قیمت‌ها نوسان اندکی داشته باشد.» رضا مبصری در حالی به نقل از «کارشناسان» گفته حذف ارز دولتی در کوتاه‌مدت تأثیری در روند قیمت‌ها ندارد که قیمت مرغ و تخم‌مرغ در بازار روندی افزایشی پیدا کرده است. هر شانه تخم مرغ در مغازه‌ها با نرخ ۵۵ تا ۵۸ هزار تومان و هر عدد یک هزار و ۷۰۰ تا ۲ هزار و ۲۰۰ تومان عرضه می‌شود. رئیس هیئت مدیره اتحادیه مرغ تخم‌گذار استان تهران اما مرغ را با نرخ ۳۸ هزار تومان خریداری و با قیمت ۴۳ هزار تومان به مصرف کننده عرضه کنند.

محمد مرادی رئیس اتحادیه مرغداران مرغ تخم‌گذار کشور معتقد است در ماه‌های گذشته هزینه نهاده‌های دامی برای تولیدکنندگان مرغ و تخم‌مرغ با افزایش ۴۰ درصدی روبرو شده است. حذف ارز دولتی برای واردات نهاده‌ها بدون شک این هزینه را افزایش خواهد داد. تولیدکنندگان مرغ و تخم‌مرغ معتقدند که با برداشته شدن ارز ۴۲۰۰ نهاده‌های دامی، قیمت این محصولات تقریباً ۶ برابر می‌شود و به شدت بر روی قیمت تمام شده تخم مرغ تأثیر می‌گذارد.

محمد جواد عسکری رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی نیز گفته است «تا زمانی که تخم ماکیان، انواع گوشت، ارد و نان، شیر، پنیر، ماست، برنج و حبوبات، سویا و انواع روغن‌های خوراکی، همچنین شیر خشک مخصوص تغذیه کودکان از تاریخ ۱۳ دی ماه مشمول ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده شدند.

این در حالیست که مرکز اطلاعات رابرداری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی درباره متوسط قیمت مهم‌ترین اقلام خوراکی در مناطق شهری در آبان امسال اعلام کرده که «برنج ایرانی و خارجی به ترتیب ۵۵.۹ و ۱۸.۷ درصد نسبت به پارسال گران شده‌اند و حتی در عرض یک ماه نیز گران‌تر شده‌اند. قیمت گوشت گوسفند، گوساله و مرغ نیز به ترتیب ۱۶، ۳۶ و ۳۱ درصد رشد کرده‌اند.»

لبنیات از دیگر کالاهایی است که در این گزارش بیش از ۷۰ درصد گرانی را یکسال را تحمل کرده‌اند. شیر، ماست و پنیر پاستوریزه به ترتیب ۶۱، ۷۴ و ۷۹ درصد گران شده‌اند. در گروه‌های خوراکی دیگر نیز افزایش قیمت چشمگیری در عرض یکسال دیده می‌شود؛ کره پاستوریزه ۴۹ درصد، روغن خوراکی ۵۵.۸ درصد، رب گوجه‌فرنگی ۷۵ درصد، قند ۶۷ درصد، لوبیا چیتی ۵۶.۴ درصد، سیب زمینی ۷۱.۳ درصد و شکر ۷۰ درصد گران‌تر شده‌اند. میوه‌ها نیز بین ۳۰ تا ۵۲ درصد گران شده‌اند. این نمودار زیر روند گرانی موز، خیار، پرتقال و سیب را نشان می‌دهد.

اکنون با موج تازه گرانی کالاهای از روزهای گذشته و متأثر از قانون مالیات بر ارزش افزوده آغاز شده، مشخص نیست سفره‌های مردم باز چقدر کوچکتر خواهد شد! به نظر می‌رسد کمبود شدید منابع ارزی در کشور سبب شده دولت اختصاص ارز با نرخ دولتی برای نهاده‌های دامی و دارو را در ابهام نگه دارد تا در صورت توقف و برداشته شدن تحریم‌ها آن را ادامه دهد و در صورت ادامه شرایط کنونی، تخصیص آن را قطع کند.

● در بودجه ۱۴۰۱ ردیفی برای تخصیص ارز خوراک دام و طیور در نظر گرفته نشده و این به معنای آن است که برای واردات نهاده دامی دیگر ارز دولتی اختصاص پیدا نمی‌کند.

● سرپرست دفتر خدمات بازرگانی معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی: قرار نیست امسال ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شود اما ممکن هم است هر لحظه اتفاق خاصی بیفتد.

در حالی که در ماه‌های گذشته بارها خبر حذف ارز دولتی از سوی مقامات مختلف حکومتی تأیید و تکذیب شد، اکنون دبیر انجمن تولیدکنندگان مرغ از حذف قطعی ارز دولتی برای واردات خوراک دام خبر داده است. رضا مبصری دبیر انجمن تولیدکنندگان مرغ روز پنجشنبه ۱۶ دی ۱۴۰۰ اعلام کرد که ارز دولتی خوراک مرغ تا پایان سال حذف می‌شود اما اینکه دقیقاً برداشته شدن ارز ۴۲۰۰ تومانی در چه روز یا ماهی باشد، مشخص نیست. پیش از این نیز منصور پوریان رئیس شورای تأمین‌کنندگان دام کشور گفته بود که ارز دولتی نهاده‌های دام و طیور تا قبل از سال ۱۴۰۱ حذف می‌شود.

اکنون به گفته رضا مبصری در بودجه

سخنان عجیب یک نماینده مجلس شورای اسلامی:

مردم دو سال تحمل کنند تا تورم کاهش یابد!



بانک مرکزی است، ولی چون دولت آگاه است که این مسیر به تورم منتهی خواهد شد فعلاً دست از این کار کشیده است. دولت در حال حاضر در حال مانور دادن روی این موضوع است که در یکی، دو ماهه اخیر دست به نقدینگی نزده و تورم هم کاهش پیدا کرده است. به همین دلیل تلاش می‌کند از بانک مرکزی برای پرداخت یارانه جدید استقراض نکنند.»

این اقتصاددان معتقد است که «اگر دولت قصد دارد یارانه‌ها را یکپارچه کند نیاز به کار عملیاتی است و ساز و کار و تشکیلات می‌خواهد. برای حذف یارانه بنزین هم به همین شیوه باید عمل کند. این مسئله یک ساز و کار پیچیده اداری و اجرایی قوی می‌خواهد که دولت از عهده آن بر نمی‌آید، ولی چون وعده داده آن را به عقب می‌اندازد.»

به خانوارها پرداخت می‌شد، اما با وجود اعلام آمادگی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، دولت آن را پرداخت نکرد. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز در اینباره گفته که «از آنجا که دولت پول ندارد، برای کسب درآمد می‌خواهد یک سری از یارانه‌ها مثل یارانه بنزین را حذف و قیمت‌ها را گران کند. از طرف دیگر از تبعات اجتماعی آن هم می‌ترسد. به همین دلیل دولت به دنبال منبع و مبلغی است که اول یارانه را به مردم بدهد تا کام مردم شیرین شود و بعد یارانه بنزین را حذف کند؛ اما، چون منبعی پیدا نمی‌کند، فعلاً دست نگه داشته است.»

به گفته مرتضی افقه «هرچند راحت‌ترین مسیر برای تأمین مبلغ یارانه جدید برای دولت، استقراض از

● نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفته که افزایش حقوق ۱۰ درصد است و مردم بهتر است با این شرایط بسازند تا تورم مقداری کاهش پیدا کند.

● رقم رسمی افزایش حقوق در لایحه بودجه، مبنای افزایش حقوق دیگر نیروهای کار کشور از جمله کارگران، بازنشستگان و کارکنان بخش خصوصی خواهد بود.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنانی عجیب گفته که مردم دو سال تحمل کنند و بسازند تا تورم کاهش پیدا کند. او این موضوع را در توجیه افزایش حقوق ۱۰ درصدی که تناسبی با نرخ تورم ندارد اعلام کرده است. نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در اظهار نظر عجیبی گفته که افزایش حقوق ۱۰ درصد است و مردم بهتر است با این شرایط بسازند تا تورم مقداری کاهش پیدا کند.

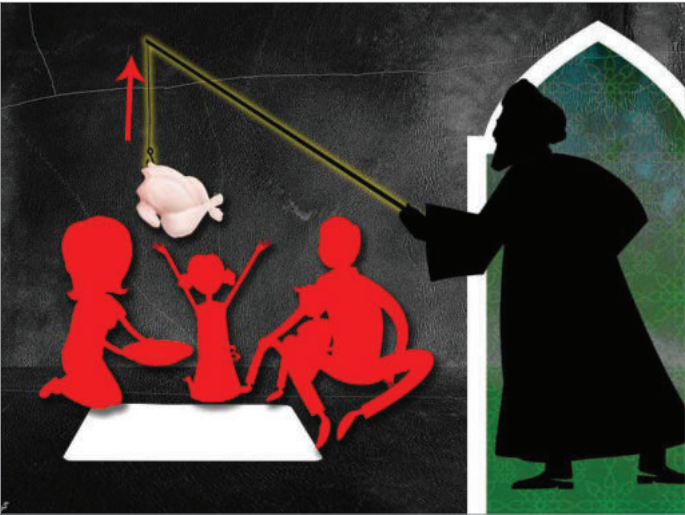
غلامحسین رضوانی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفته که «در بودجه سال آینده دولت گفته ۱۰ درصد افزایش حقوق در نظر گرفته شده، ولی این افزایش پاسخگوی تورم نیست، ولی باید برای منافع کشور یکی الی دو سال مشکلات را تحمل کنیم تا مشکل تورم حل شود.»

غلامحسین رضوانی با بیان اینکه «با ناهماهنگی در پرداخت حقوق‌ها مواجه هستیم و ادارات مختلف جزیره‌ای عمل می‌کنند و این مسئله باعث بی‌عدالتی شده است» گفته که «یکی از عوامل ایجاد تورم، کسری اعتبارات دولت است و در مقابل بار ناترازی بودجه روی دوش مردم می‌افتد. افزایش حقوق‌ها باعث ایجاد تورم می‌شود، ولی حقوق‌ها هم باید افزایش پیدا کنند. علیرغم اینکه تأکید بر انسجام در پرداخت حقوق‌ها داریم، ولی به پرداخت حقوق‌ها جزیره‌ای نگاه می‌کنیم.»

دولت ابراهیم رئیسی و نمایندگان مجلس اسلامی یازدهم در حالی تصمیم دارند در لایحه بودجه ۱۴۰۱ افزایش حقوق کارکنان دولت را تنها ۱۰ درصد در نظر بگیرند که تورم همچنان در کانال ۴۰ درصدی قرار دارد و رقم خط فقر ۱۲ میلیون تومان در پاییز امسال برآورد شد. با توجه به مسیر تورمی اقتصاد در ماه‌های آینده، بدون شک رقم خط فقر نیز روندی افزایشی را طی خواهد کرد. در چنین شرایطی افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت در عمل «هیچ» است. از سوی دیگر رقمی که برای افزایش حقوق در لایحه بودجه در نظر گرفته شده، مبنای افزایش حقوق دیگر نیروهای کار کشور از جمله کارگران، بازنشستگان و کارکنان بخش خصوصی خواهد بود.

تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی توجیه می‌کند که افزایش حقوق‌ها سبب افزایش نقدینگی شده و به عنوان نیروی محرک برای افزایش تورم عمل خواهد کرد. به همین دلیل در حالی که در سال‌های گذشته افزایش حقوق کارکنان دولت در لایحه بودجه به‌طور متوسط ۲۵ تا ۳۵ درصد بود، امسال تنها ۱۰ درصد افزایش خواهد داشت. این در حالیست که در همین لایحه، بودجه نهادهای امنیتی، نظامی و سازمان‌های بی‌خاصیت و غیرمؤثری چون «حفظ و نشر آثار خمینی» کاهش نیافته بلکه افزایش هم داشته است. از سوی دیگر دولت در حالی حاضر به افزایش حقوق کارمندان و کارگران و بازنشستگان نیست که هیچ برنامه یارانه‌ای کارآمد و مؤثری برای حمایت از معیشت مردم نیز در نظر ندارد. برای نمونه یارانه جدید که قرار بود به ۳۰ میلیون نفر در دهک‌های اول تا چهارم، ۱۲۶ هزار تومان و به ۳۰ میلیون نفر در دهک‌های پنجم تا هفتم، ۹۰ هزار تومان پرداخت شود، طبق اعلام دولت‌مردان می‌بایست در دهم دی ماه

موج تازه کمبود و گرانی کالاها در ایران؛ یک مقام مسئول: شکر را به خاطر سلامت مردم گران کردیم!



● کارخانه‌های تولیدی و واردکنندگان، به دلیل قوانین جدید مالیات بر ارزش افزوده در حال ارزیابی و قیمت‌گذاری جدید کالاها هستند و در نتیجه چرخه عرضه مختل شده است.

● واردات کالاهایی چون تخم ماکیان، انواع گوشت، آرد و نان، شیر، پنیر، ماست، برنج و حبوبات، سویا و انواع روغن‌های خوراکی، همچنین شیر خشک مخصوص تغذیه کودکان از تاریخ ۱۳ دی ماه مشمول ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده شدند.

اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده موج تازه‌ای از گرانی و کمبود مواد غذایی را سبب شده است. قیمت بسته ۹۰۰ گرمی شکر در فروشگاه‌های آنلاین به بیش از ۲۱ هزار تومان رسیده و قیمت انواع برنج نیز از هفته گذشته تا کنون ۱۰ تا ۲۰ درصد گران شده است.

شکر شکر هفته گذشته ۱۲ هزار و ۸۰۰ تا ۱۳ هزار تومان بود اما این هفته به کیلویی ۱۴ هزار و ۸۰۰ تا ۱۵ هزار تومان رسیده است و البته نایاب شده است. بسیاری از فروشگاه‌ها شکر ندارند و می‌گویند کمیاب شده است و قیمت بسته ۹۰۰ گرمی شکر در فروشگاه‌های آنلاین به بیش از ۲۱ هزار تومان رسیده است. مقامات دولتی سال گذشته گفته بودند که شکر تا پایان سال ۱۴۰۰ شکر گران نمی‌شود اما خردادماه امسال شرکت بازرگانی دولتی ایران قیمت عرضه هر کیلوگرم شکر درب کارخانه را ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام کرد. برخی فعالان بازار گفته‌اند که کارخانه‌های تولیدی و واردکنندگان، به دلیل قوانین جدید مالیات بر ارزش افزوده در حال ارزیابی و قیمت‌گذاری جدید کالاها هستند و در نتیجه چرخه عرضه مختل شده است. انجمن صنفی کارخانه‌های قند و شکر ایران نیز به تازگی اعلام کرد که بر اساس قانون جدید معافیت مالیات ارزش افزوده، شکر از بخش

معافیت‌های مالیاتی حذف شده است و بنابراین از تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۴۰۰ تولیدکنندگان باید نسبت به وصول ۹ درصد بهای شکر در هر فروش اقدام و در موعد مقرر به حساب سازمان امور مالیاتی واریز کنند.

بهمن دانایی دبیر انجمن صنفی کارخانه‌های قند و شکر ایران درباره اثرات قانون جدید مالیات بر ارزش افزوده گفته است: «کسانی که تولیدکننده کالاهای مشمول مالیات بر ارزش افزوده هستند، به نوعی مأمور وصول مطالبات دولت می‌شوند. یعنی فروشندگان باید این مالیات را از مصرف‌کننده اخذ و به حساب سازمان امور مالیاتی واریز کنند.»

او افزوده که «قیمت شکر برای هر بنگاه تولیدی بنا بر نرخ تمام شده آنها متفاوت است. اخذ این مالیات ۹ درصدی بستگی به قیمت فروش شکر درب کارخانه تولیدکننده دارد. به عنوان مثال چنانچه قیمت شکر را کیلویی ۱۲ هزار و ۷۰۰ تومان در نظر بگیریم مالیات ۹ درصدی آن کیلویی هزار تومان می‌شود.»

بر اساس آنچه بهمن دانایی گفته، مقامات حکومتی با توجیه ضرر داشتن مصرف شکر، از گران شدن آن استقبال کرده‌اند: «اخذ مالیات بر کاهش تقاضای کالاها حتماً اثرگذار است. وزارت بهداشت هم از این تصمیم دولت حمایت می‌کند. چرا که معتقد است مصرف این کالا برای مردم زیانبار است. یعنی افراد معتقدند مصرف کمتر شکر در بحث کنترل دیابت و امثالهم اثرگذار است.»

تقی جعفریان رئیس اتحادیه شالیکوبی‌داران مازندران نیز گفته که «در سال جاری برنج ۴۰ درصد کاهش تولید را تجربه کرده است. در حال حاضر بخش قابل توجهی از برنج تولید شده از سوی دلال‌ها دیو شده و آنها با هر نرخی که بخواهند این

محصول را عرضه می‌کنند.» گمرک ایران نیز از ۹ درصد ارزش افزوده بر کالاهای وارداتی ضروری خبر داده و گفته بود که «از تاریخ ۱۳/۱۰/۱۴۰۰ تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاهای معاف از مالیات ارزش افزوده باید برچسب معافیت از مالیات بر ارزش افزوده روی بسته‌بندی کالاهای مزبور درج کنند.»

بر اساس این بیانیه که ۵ دی ماه منتشر شد واردات محصولاتی از قبیل تخم ماکیان، انواع گوشت، آرد و نان، شیر، پنیر، ماست، برنج و حبوبات، سویا و انواع روغن‌های خوراکی، همچنین شیر خشک مخصوص تغذیه کودکان از تاریخ ۱۳ دی ماه مشمول ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده شدند.

این در حالیست که مرکز اطلاعات رابرداری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی درباره متوسط قیمت مهم‌ترین اقلام خوراکی در مناطق شهری در آبان امسال اعلام کرده که «برنج ایرانی و خارجی به ترتیب ۵۵.۹ و ۱۸.۷ درصد نسبت به پارسال گران شده‌اند و حتی در عرض یک ماه نیز گران‌تر شده‌اند. قیمت گوشت گوسفند، گوساله و مرغ نیز به ترتیب ۱۶، ۳۶ و ۳۱ درصد رشد کرده‌اند.»

لبنیات از دیگر کالاهایی است که در این گزارش بیش از ۷۰ درصد گرانی را یکسال را تحمل کرده‌اند. شیر، ماست و پنیر پاستوریزه به ترتیب ۶۱، ۷۴ و ۷۹ درصد گران شده‌اند. در گروه‌های خوراکی دیگر نیز افزایش قیمت چشمگیری در عرض یکسال دیده می‌شود؛ کره پاستوریزه ۴۹ درصد، روغن خوراکی ۵۵.۸ درصد، رب گوجه‌فرنگی ۷۵ درصد، قند ۶۷ درصد، لوبیا چیتی ۵۶.۴ درصد، سیب زمینی ۷۱.۳ درصد و شکر ۷۰ درصد گران‌تر شده‌اند. میوه‌ها نیز بین ۳۰ تا ۵۲ درصد گران شده‌اند. این نمودار زیر روند گرانی موز، خیار، پرتقال و سیب را نشان می‌دهد.

اکنون با موج تازه گرانی کالاهای از روزهای گذشته و متأثر از قانون مالیات بر ارزش افزوده آغاز شده، مشخص نیست سفره‌های مردم باز چقدر کوچکتر خواهد شد!

پشت پردهٔ انقلاب اسلامی (۱)

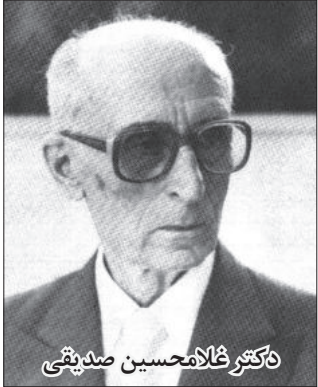
نوشته: ایرج آرین‌پور



این روزها مصادف است با دوران اوجگیری تظاهرات سیاسی و وقایعی که در داخل و خارج ایران به پیروزی «انقلاب اسلامی» و رفتن شاه و آمدن خمینی منجر شد. در پانزدهم آبان ۱۳۵۷ کابینهٔ نظامی به ریاست ارتشبد غلامرضا اژه‌اری روی کار آمد و همزمان، محمدرضا شاه در پیامی اعلام داشت که صدای انقلاب مردم را شنیده است. امروز، همچنان این سؤال مطرح است که چه عواملی در «پیروزی انقلاب» و سقوط رژیم پادشاهی تأثیر اساسی داشت. مقالهٔ تحقیقی ایرج آرین‌پور که در شمارهٔ اخیر فصلنامهٔ «ره‌آورد» انتشار یافته است به طور فشرده به این سؤال پاسخ می‌دهد. در چند شماره می‌خوانید.

کرد و گفت اشتباه محاسبه شخصی او همراه با پیام‌های ضد و نقیض توسط دولت‌های آمریکا و بریتانیا به شکست او منجر شد. وی اضافه کرد متقاعد شده است که غرب خواستار جمهوری اسلامی بود و شاید فکر می‌کرد با اسلام می‌تواند کمونیسم را مهار کند. او به خصوص دولت‌های بریتانیا و آمریکا و رسانه‌های غربی را برای پیشبرد سقوط خود مورد ملامت قرار داد.

شاه فرضیه خویش را در مورد علت



سقوط کشور و پیروزی خمینی و انقلاب اسلامی، حتی در مصاحبه تاریخی خود با دیوید فراست (David Frost) مصاحبه‌کننده معروف انگلیسی هم تکرار کرد. وی در این مصاحبه علت سقوط رژیم پادشاهی را توطئه‌های شرکت‌های بزرگ نفتی و دخالت‌های کشورهای بیگانه، به خصوص آمریکا و بریتانیا در امور داخلی ایران اعلام کرد. مجله تایم در شماره مورخ ۵ فوریه ۱۹۷۹ خود نوشت شاه بر این باور است که «خیانت حکومت کارتر» موجب شکست و خروج اجباری وی از کشور شده است. یکی از استادان ممتاز دانشگاه در شماره ۹۴ - ۹۳ فصلنامه «ره‌آورد»، زمستان ۱۳۸۹، در صفحه ۲۳۳ ضمن تحلیل از محمد مصدق یادآور می‌شود: «پس از کودتا (منظور ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است، ۲۵ سال طول کشید تا خشم مردم چنان متراکم شد که به انفجار انجامید و به انقلاب ۵۷ تبدیل شد».

برخی از ایرانیان چپ‌گرا، انقلاب اسلامی را قیام مردم علیه امپریالیسم جهانی و نظام بین‌المللی سرمایه‌داری و تبعیض‌های آن علیه طبقات فرودست تصویر می‌کنند که بعداً خمینی و بارانش این انقلاب را زدیدند و به تاراج بردند. عده‌ای دیگر آن را نتیجه لجاجت و کینه‌ورزی روشنفکران زمان می‌دانند که هر کدام به علنی زیر پرچم خمینی رفتند که برنامه برقراری حکومت اسلامی را در سر داشت.

جمعی نیز انقلاب اسلامی را به اقدام شرکت‌های نفتی نسبت می‌دهند که شاه آنها را تحت فشار قرار داده بود و با او دشمنی پیدا کرده بودند. عده‌ای آن را حاصل تصمیمات کنفرانس عالی گوادالوپ (Guadeloupe) می‌دانند که در روزهای ۱۴ تا ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۷، برابر با چهارم تا ششم ژانویه ۱۹۷۹ با شرکت جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا، ژیسکاردستن رئیس جمهوری فرانسه، جیمز کالاهان نخست‌وزیر بریتانیا و هلموت اشمیت صدراعظم آلمان برگزار شد. بعضی از مفسران ایرانی معتقدند که نفوذ زیاد آمریکا در عرصه سیاست و اقتصاد ایران و حمایت درازمدت آمریکا از یک رژیم سرکوبگر، فاسد و ضد‌مردمی، مردم ایران را عمیقاً خشمگین ساخت و یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز انقلاب شد. گروهی نیز ادعا می‌کنند که وجود پهلوی‌ها و بهایی‌ها در مراکز قدرت یا سیاست حقوق بشر کارتر موجب انقلاب شد.

پرویز عدل، یکی از سفرای پیشین ایران، در کتاب خود به نام «من سید اولاد پیغمبر» در صفحه ۱۶۸ اظهار عقیده می‌کند که: «به نظر من اگر تیمسار سپهبد زاهدی شاه فراری را برنگردانده بود، تاریخ ایران طور دیگری ورق می‌خورد و ای‌بسا که دچار انقلاب اسلامی نمی‌شدیم.» نشریه (World Desk Reference)، چاپ سوم، مورخ سال ۲۰۰۰ در صفحه ۳۰۷ نظر می‌دهد که:

با آن که بیش از ۳۳ سال از وقوع انقلاب اسلامی و برقراری رژیم موسوم به ولایت فقیه در ایران می‌گذرد و تا کنون هزاران کتاب و ده‌ها هزار گزارش و مقاله و رساله در این باره به زبان‌های مختلف انتشار یافته است، اما هنوز تصویر و توضیح واقعی و درستی از این پدیده نوظهور ارائه نشده است. اکثر صاحب‌نظران، حتی آن‌هایی که مدارج و مقامات بالای سیاسی را در ایران و جهان داشته‌اند، تعبیرات و تفسیرهای نادرستی درباره علل و جهت و ریشه‌های این انقلاب زبان‌بار ارائه داده‌اند. بد نیست به نمونه‌هایی از چنین توجیهات غیرواقع و نادرست اشاره شود. در کتاب «چهره‌هایی در تاریخ ایران»، نوشته امیر نجات، چاپ ۱۳۶۰، صفحه ۴۰۶ آمده است که عده‌ای معتقدند قطع کمک ۴۰۰ میلیون دلاری سالانه دولت به ملاهای شیعه که در زمان دولت جمشید آموزگار صورت گرفت، موجب شد که روحانیون ایران برای شورش متشکل گردند. حتی محمدرضا پهلوی، آخرین پادشاه ایران نیز در کتاب پاسخ به تاریخ در این باره نوشته است: «مدتها بود که دولت ما به ملاها کمک‌های اساسی و قابل توجهی می‌نمود. در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶ شمسی) به علت وضع اقتصادی، آموزگار نخست‌وزیر ناچار این کمک‌ها را قطع کرد. به موجب فرضیه بعضی از مسئولان غرب، این عمل موجب شد که روحانیون ایران برای شورش متشکل گردند. با توجه به سابقه امر از اقدام آموزگار در این زمینه متأسفم هستم».

محمود طلوعی در صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸ کتاب خود به نام «صد روز آخر»، شرح دیدار شاه را با غلامحسین صدیقی، از سران جبهه ملی و علی امینی، نخست‌وزیر اسبق شرح می‌دهد. در این دیدار مشترک، شاه می‌گوید: «ها اطلاع داریم که توطئه‌ای عظیم علیه استقلال ایران در شرف تکوین است؛ توطئه‌ای بین‌المللی که متأسفانه توسط بعضی از مخالفان به اجرا درآمده است».

غلامحسین صدیقی در جواب شاه می‌گوید: «آن مقاله لعنتی چه بود (منظور مقاله رشیدی مطلق علیه خمینی در روزنامه اطلاعات است). من هم جای آقای خمینی بودم همان کار را می‌کردم که ایشان می‌کند.» سپس اظهارنظر می‌کند: «اگر اصول قانون اساسی مو به مو اجرا شود، اگر به روحانیت توهین نشود، اگر انتخابات کاملاً آزاد باشد، اگر ساواک منحل شود و هزار اگر دیگر... آقای خمینی هم مخالفتی نخواهد کرد چرا که او مرد میهن‌دوستی است و حاضر نیست ایران به آتش کشیده شود.»

پادشاه، چه قبل و چه بعد، از آن چه می‌گذشت تصور درستی نداشت و به همین علت تصمیم مناسبی نمی‌توانست بگیرد و قدرت رهبری را به کلی از دست داده بود. وی در نهم دی ماه ۱۳۵۹ در ملاقات با هیأت رئیسه دو مجلس در کاخ گلستان گفت: «از همه اوضاع باخبرم. من شاپور بختیار را به نخست‌وزیری منصوب کردم. من به مسافرت خواهم رفت و این ناآرامی‌ها برطرف خواهد شد.» شاه حتی در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۸۰ در قاهره با خانم کاترین گراهام (Katharine Graham) ناشر وقت روزنامه واشنگتن پست و جیم هاگلند (Jim Hoagland) یکی از سردبیران سیاسی این روزنامه به عمل آورد، در پاسخ این سؤال که گفته‌اند یکی از دلایل سقوط رژیم شما پیشرفت بسیار زیاد بود نه پیشرفت بسیار کم، اظهار داشته بود که: «ما تندتر از آن رفتیم که برخی افراد بتوانند هضم کنند، در همه زمینه‌ها، دموکراتیزه کردن، آزادسازی، عدم تمرکز و افزایش فوق‌العاده درآمد مردم. آنها تقریباً از عهده خرید هر چیزی بر می‌آمدند. در دوران من درآمد سرانه از ۶۰ دلار به ۲۵۴۰ دلار رسید و اینک (۱۹۸۰) بایستی حداقل ۴۰۰ دلار می‌بود.»

محمدرضا شاه در همین مصاحبه از این که در برابر مخالفان خود «سیاست تسلیم» را در پیش گرفت، اظهار تأسف

با افزایش ۲۶ درصدی صدور حکم اعدام؛

محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه: «متولی حقوق بشر باید

جمهوری اسلامی باشد»!



از انواع ساز و کارها و ظرفیت‌هایشان برای پیشبرد این پروژه استفاده می‌کنند. در این مسیر، آنان کاری هم به پیشرفت‌ها و سیاست‌های حمایتی حقوق بشر در ایران ندارند.»

دبیر «ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی» گفته که «تطبيق‌پذیری ساختار و وظایف ستاد حقوق بشر با تحولات جاری و همچنین طراحی برنامه‌های افندی، پدافندی، تبیینی، تعاملی و رسانه‌ای از سوی ستاد حقوق بشر ضرورت دارد که البته در دست اقدام قرار دارد.»

علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز در این جلسه با اشاره به اینکه علی خامنه‌ای دستور به دفاع از حقوق «مظلومان و مستضعفان دنیا» را داده، اظهار داشت: «ستاد حقوق بشر به عنوان یکی از اهرم‌های دفاعی و همچنین تهاجمی جمهوری اسلامی ایران است!»

اینهمه ادعا و دروغ و سخنان عجیب در حالیکه جمهوری اسلامی در طول بیش از ۴ دهه استقرار سیاه‌ترین و هولناک‌ترین کارنامه حقوق بشر را در بین کشورهای دنیا دارد. بر اساس آمارهای نهادهای حقوق بشری داخلی و بین‌المللی، کشتار معترضان، صدور احکام اعدام، سلول انفرادی، زندان‌های طولانی‌مدت، اعتراقات اجباری، شکنجه فیزیکی و روانی، عدم دسترسی به درمان و دارو، محرومیت از حق برخورداری از وکیل در زندان‌های مخوف این نظام به روند جاری سیستم قضائی و امنیتی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، ابتدایی‌ترین حقوق شهروندان در ایران از حق انتخاب پوشش، تحصیل و دین تا برخورداری از تفکر آزاد و اعتراض و اجتماع و هر آنچه انسان را به معنای موجودی دارای حقوق و احترام شهروندی می‌شناسد، نقض می‌شود. این واقعیت هم در قانون اساسی مذهبی و فرقه‌ای جمهوری اسلامی مشهود است و هم در نظام حقوقی و قوانین و همچنین در نحوه فعالیت و سیاست‌گذاری‌های نهاد‌های مسئول قابل پیگیری است.

به تازگی آمارهای سازمان حقوق بشر در ایران فقط در طول سال میلادی ۲۰۲۱ حاکی از افزایش ۲۶ درصدی اجرای حکم اعدام نسبت سال ۲۰۲۰ خبر داده است. در این سال، افراد زیر ۱۸ سال که کودک محسوب می‌شوند نیز اعدام شدند و بار دیگر جمهوری اسلامی را در جایگاه کشوری که اعدام کودکان در آن رخ می‌دهد ثبت کردند. افزایش بازداشت و زندانی کردن کارگران و آموزگاران و فعالان صنوف مختلف که در طول سال‌های گذشته برای حقوق خود اعتراضات گسترده و متعددی برگزار کرده‌اند، از جمله نقض‌های فاحش حقوق بشر در ایران است که با وجود شعارهای دروغین حمایت از محرومان و مستضعفان جهان صورت می‌گیرد.

این در حالیکه که همواره افکار عمومی و مردم بر این باور بوده‌اند که بلندپروازی‌های جمهوری اسلامی در دستیابی به انرژی هسته‌ای، کشورگشایی و نفوذ در کشورهای شیعه، حقوق شهروندی آنان اعم از برخورداری از خوراک، پوشاک و مسکن را به شدت نقض کرده و جامعه ایران را به یک بحران بزرگ و عمیق اقتصادی و اجتماعی دچار کرده است.

این قطعنامه بیانگر نگرانی جدی این کمیته از اجرای مکرر و نگران‌کننده مجازات اعدام از جمله علیه افراد زیر سن ۱۸ سال است.

این کمیته سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی ایران خواست تا به صدور و اجرای احکام اعدام پایان دهد و اعدام کودکان مجرم را نیز متوقف کند. اکنون رئیس شورای عالی «ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی» که محکوم به نقض حقوق بشر است، پرسیده: «چرا غربی‌ها باید سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری را تشکیل دهند و برای ما و سایر ملل مستقل در زمینه حقوق بشر اتخاذ تصمیم کنند؟!»

او ضروری دانست تا با همکاری با «سایر ملل مستقل و آزادخواه» بر مبنای «تعریف متعالی از انسان» تحولات اساسی در این حوزه صورت پذیرد!

رئیس دستگاه قضائیه رژیم ولایت فقیه هدف اصلی جمهوری اسلامی در مقولات حقوق بشری را «تأثیرگذاری در سطوح جهانی بر مبنای آموزه‌های متعالی و حیات‌بخش مکتب اسلام» معرفی کرد و گفت که این نیازمند تقویت «ستاد حقوق بشر» و خروج از رویکرد انفعالی است.

محسنی اژه‌ای در ادامه‌ی سخنان عجیب و ادعاهای دروغ خود گفته، «غربی‌ها در صدد آن هستند تا یکی از نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران ناظر بر حمایت از حقوق انسان‌ها را به نقطه ضعف و کانون هجمه‌های خود تبدیل کنند»

او در تعریف حقوق بشر جمهوری اسلامی توضیح داد که «تعالیم و تعاریف اسلام نسبت به انسان و حقوق بشر در هیچ مکتب دیگری یافت نمی‌شود و در این مکتب متعالی، بالاترین گناه آن است که انسان از مسیر رسیدن به مقصد اعلی بازداشته شود.»

رئیس قوه قضائیه درباره حقوق بشر در غرب گفت، «کسانی که بعضاً از طبیعت انسانی خود خارج شده‌اند و اگر به آنها درنده اطلاق شود مبالغه صورت نگرفته است، اکنون برای ملل دیگر، بشر و حقوق بشر را تعریف می‌کنند!»

محسنی‌اژه‌ای در سخنان تکراری که همواره مسئولان به اصطلاح حقوق بشر جمهوری اسلامی در جلسات شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌گویند، کشورهایی از جمله آمریکا و کانادا را که در راستای تحقق حقوق بشر تلاش می‌کنند به جنایتکاری، فروش تسلیحات نظامی، توطئه و تجاوز و اشغالگری متهم کرد.

محسنی اژه‌ای گفته که جمهوری اسلامی در عرصه جهانی باید «مطالبه‌گرایانه» در امر حقوق بشر عمل کند و «به رصد کامل موضوعات حقوق‌بشری و پیش‌بینی کامل مقوله‌ها، ابعاد و مصادیق این حوزه و آینده‌نگری بلندمدت در این راستا اهتمام بورزیم!» کاظم غریب‌آبادی دبیر «ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی» نیز با اشاره به تغییر آرایش جبهه حقوق بشری به عنوان یک ابزار سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: «کشورهای غربی و آمریکا حقوق بشر را به عنوان یک پروژه علیه کشور ما تبدیل کرده و

● **رئیس شورای عالی «ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی» که محکوم به نقض حقوق بشر است، پرسیده: «چرا غربی‌ها باید سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری را تشکیل دهند و برای ما و سایر ملل مستقل در زمینه حقوق بشر اتخاذ تصمیم کنند؟!»**

● **علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز در این جلسه با اشاره به اینکه علی خامنه‌ای دستور به دفاع از حقوق «مظلومان و مستضعفان دنیا» را داده، اظهار داشت: «ستاد حقوق بشر به عنوان یکی از اهرم‌های دفاعی و همچنین تهاجمی جمهوری اسلامی ایران است!»**

● **اینهمه ادعا و دروغ و سخنان عجیب در حالیکه جمهوری اسلامی در طول بیش از ۴ دهه استقرار سیاه‌ترین و هولناک‌ترین کارنامه حقوق بشر را در بین کشورهای دنیا دارد. بر اساس آمارهای نهادهای حقوق بشری داخلی و بین‌المللی، کشتار معترضان، صدور احکام اعدام، سلول انفرادی، زندان‌های طولانی‌مدت، اعتراقات اجباری، شکنجه فیزیکی و روانی، عدم دسترسی به درمان و دارو، محرومیت از حق برخورداری از وکیل در زندان‌های مخوف این نظام به روند جاری سیستم قضائی و امنیتی تبدیل شده است.**

در حالی که شمار صدور حکم اعدام و کشتار مردم ایران افزایش ۲۶ درصدی در سال میلادی گذشته داشته، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در سخنانی عجیب و غریب می‌گوید «تولی حقوق بشر باید جمهوری اسلامی باشد»! غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه امروز چهارشنبه ۱۵ دی‌ماه در جلسه شورای عالی «ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی» گفت: «جایگاه ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی باید ارتقا یابد و ضرورت دارد متولی این مقوله مهم، نظام جمهوری اسلامی باشد»

او دلیل این ادعای بیجا را چنین توضیح داد: چون جمهوری اسلامی دارای آموزه‌ها و دستاوردهای بسیاری در زمینه حقوق بشر است! به گفته‌ی وی همچنین «همه‌ها و تحمیل‌های ناروا» از ناحیه غرب، این جایگاه را به جمهوری اسلامی می‌دهد!

اواخر آذرماه کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران را با ۷۸ رأی موافق در مقابل ۳۱ رأی مخالف و ۶۹ رأی متنع تصویب کرد.

«دنباله دارد»

در پاریس، یکی دیگر از مهاجران داستان فرار خود از مرزهای جنوب شرقی و پناهنده شدنش را حکایت می‌کند. زن، متاهل، دانشجو، فعال در سازمانهای انقلابی چپ، خروج از طریق بلوچستان و پاکستان، ورود به فرانسه اکتبر ۱۹۸۳

ج -از کجا شروع کنم؟

س - از چند سال قبل از انقلاب که برای توجیه مهاجرتان لازم می‌دانید.

ج -دلیل خروج من و این که مجبور به فرار شدم عضویت در سازمانی بود که در آخر کار با آن همکاری می‌کردم. س - می‌توانید اسم سازمانتان را بازگو کنید؟

ج - (با تأخیر) یک سازمان انقلابی چپ‌گرا بود (نام سازمان حذف شده است) چون هسته‌های فعالیت در تهران داشتیم و من مسؤول یک تعداد از سازماندهی‌ها بودم.

س - چه سالی در این سازمان شروع به فعالیت کردید؟

ج -شروع فعالیت من در این سازمان ۱۹۸۱ بود. ولی قبلا با دو سازمان دیگر و یک سازمان زنان کار کرده بودم.

س - مایلید نام سازمانها را بازگو کنید؟

ج - چرا، با اتحاد ملی زنان، سازمان چریکهای فدایی خلق و یک سازمان دیگر به‌نام طوفان که عمدتاً مربوط به زنان بود. اگر با اینها کار می‌کردم نه به‌خاطر این بود که مثلاً معتقد به جریان طوفان بودم. من بیشتر معتقد به جریان زنان بودم و اوایل کار که جلساتی برای زنان گذاشته می‌شد من در آنها شرکت می‌کردم. بعد، بالاخره همان سازمان اولی را انتخاب کردم. مهم هم برایم نبود. چون هدف اصلی من زنان بودند و مسائلشان و چون سابقهٔ کار سیاسی داشتم بالاخره همان سازمان اولی یعنی اتحاد ملی زنان را برای ادامهٔ فعالیت‌های خودم انتخاب کردم. بعد به‌خاطر اتفاقاتی که در میان چریکهای فدایی خلق افتاد...

س - مقصود؟

ج - انشعاب اکثریت و اقلیت. البته من گرایش بیشتر به اقلیت داشتم ولی چون طی کار با آنها متوجه مشکلات آنها شده بودم بیشتر قانع شدم که با اکثریت فعالیت کنم.

س -چه سناثلی باعث شد که‌از گروه اقلیت کناره بگیرید؟ با آنها اختلاف عقیدتی پیدا کردید یا با نوع فعالیت آنها موافق نبودید؟

ج - بیشتر از نظر نوع رفتار و برخورد‌های انسانی که برای من همیشه مهم بوده و در هیچیک از این سازمانها نتوانسته بودم پیدا کنم.

س -با آنها چه نوع فعالیت‌می می‌کردید؟ ج - در کمیتهٔ سوادآموزی کار می‌کردم و در تشکل گروههای شهری، و در واقع خروج هم به‌همین علت بود چرا که بیشتر این خانه‌های شهری به نام من اجاره شده بود و چون برخی لو رفت من مجبور به فرار شدم و به‌طوری که قبل از خروجم حدود دو ماه در تهران یک آوارهٔ واقعی بودم.

س - مایلید در مورد سازمانهایی که با آنها همکاری کردید توضیح بیشتری بدهید؟

ج - یکی اتحاد ملی زنان بود. آنها مثل اغلب سازمانها می‌خواستند بگویند مستقل هستند و در واقع هم بودند، ولی توسط بچه‌های چریک اداره می‌شد که خودشان اعتقاد به وجود سازمانی برای زنان نداشتند و بر سر این موضوع هم بحثها و برخوردهای بسیار زیادی پیش آمد. در واقع اغلب سازمانهای زمانی که در دورهٔ انقلاب شروع به فعالیت کردند مسألهٔ زنان را مسألهٔ طبقاتی می‌دیدند و این به نظر من یکی از بزرگترین اشتباهاتی بود که در میان این زنها به‌چشم می‌خورد.

س - قبل از انقلاب که اصلا حاضر نبودند سازمانی به‌نام زن درست بکنند. تازه بعد از انقلاب مسأله مطرح شد آنهام با جبهه‌گیری‌هایی که به‌نظر من غلط بود.

ج -درست است، ولی در همان موقع هم من با آنها مخالف بودم. مثلاً در مورد حجاب درگیری‌های زیادی داشتیم. من معتقد بودم که این مسأله مربوط به زن‌هاست و وظیفهٔ تمام سازمانهای زنان است که نسبت به آن عکس‌العمل نشان دهند. ولی اینها به‌خاطر همان دید خودشان حاضر نبودند کاری در این مورد بکنند و حرفشان این بود که

زنی از فعالان سیاسی چپ، داستان فرار خود را بازگو می‌کند:

پیش از فرار، دو ماه در تهران آوارهٔ واقعی بودم

از آنها که انتظار کمک داشتم خیری ندیدم، از آنها که انتظار نداشتم انسانیت دیدم



مسألهٔ حجاب مسأله‌ای فرعی است و مسألهٔ زن کارگر نیست.

س - در آمریکا که محصل بودید با کنفدراسیون همکاری می‌کردید؟

ج - نه، به‌هیچوجه، چون به‌علت فعالیتی که در دورهٔ رژیم شاه در ایران داشتم و مشکلاتی برایم پیش آورد نمی‌خواستم دیگر فعالیت سیاسی داشته باشم. بچه‌های خارج از کشور که کار سیاسی می‌کردند از نظر تئوری قوی بودند. برعکس، آنها که در ایران بودند از این نظر ضعف بزرگی داشتند.

س - در عوض جامعهٔ ایرانی را می‌شناختند در حالی که دانشجویان خارج از کشور همهٔ فکر و ذکرشان مباحث تئوریک بود.

ج - بله، کاملاً درست است. در برخورد‌هایی که بعد انجام شد معلوم شد که چقدر این بچه‌ها از جامعهٔ خودشان دور بودند. خوب، این باعث شد که تضاد بزرگی بین این دو گروه (مذهبی و غیر مذهبی‌ها) به‌وجود آید. در ایران همیشه فشار و اختناق بود. بنابراین بچه‌های ایران فرصتی برای یادگیری نداشتند.

س - اگر مایلید برویم سراغ نحوهٔ خروج شما از ایران. البته اگر حرفی دارید می‌توانیم ادامه دهیم.

ج - نه، برویم سراغ دلایل خروج. وقتی راجع به این دوره حرف می‌زنم عصبی می‌شوم.(قدری معطل می‌شویم. دوباره با انرژی شروع می‌کند) همانطور که گفتم سازمان سیاسی به من گفت که باید از ایران خارج شوم. ولی من به‌ماحظهٔ خانواده‌ام که نمی‌خواستم به وحشت بیفتند چون در جو خانواده‌ام اصلاً سیاست جایی نداشت. آمادگی هم برای این کار نداشتند.

س - کلاً خانوادهٔ شما در جریان فعالیت‌های سیاسی شما بودند؟

ج -صددرصد می‌دانستند ولی چطور و تا چه حد؛ نمی‌دانم. به‌هرحال به وخامت اوضاع پی نبرده بودند و من هم نمی‌خواستم مادرم ناراحت شود. یک مقدار سعی کردم تظاهر کنم. موقعیت من بسیار خطرناک بود و در واقع یک معجزه مرا از خطر مرگ نجات داد.

س - توضیح دهید.

ج - یعنی با ماندن در خانهٔ خودمان و رفتن به سر کار، چون از نگرانی این که مادرم وحشت نکند می‌خواستم حتماً اوضاع را طبیعی جلوه بدهم. بعد از هر جریانی بیش از ۲۰ روز نباید صبر کرد و اتفاقی که برای من افتاد بعد از ۲۵ روز بود که یکی از بچه‌های دستگیرشده را از خانه‌ای بردند که من اجاره کرده بودم و صاحبخانه که اصلاً آدم سیاسی نبود فقط به‌خاطر رعایت حال یک زن که ساعت ۱۲ شب مزاحمش نشویند نام مرا نداده بود. ولی همین اتفاق مرا متوجه کرد که باید هرچه زودتر از خانه بروم. فوراً به‌پهانه‌ای از خانه‌مان بیرون آمدم. تنها راهی که داشتم خانواده‌ام بود. بسیاری از دوستان سیاسی که با من بودند خودشان را کنار کشیدند و کمکی نکردند و در واقع فقط کسانی به کمک من آمدند که از سیاست دور بودند. تجربهٔ عجیبی بود. خروج من با کمک آنها صورت گرفت و از نظر مالی هم مجبور شدم همهٔ مخارج را خودم (خانواده) تحمل کنم.

س - چقدر خرج سفرتان شد؟ ج - خیلی زیاد. شاید تعجب می‌کنید اگر بگویم با اینکه من سرشناس نبودم، ولی مجبور شدم ۲۵۰هزار تومان خرج کنم. در آن زمان این پول خیلی زیاد بود. قبلاً شاید بیشتر هم می‌پرداختند ولی نه چندسال بعد از انقلاب.

ج -چه کسانی شما را خارج کردند؟ س - اونهایی که کار را انجام دادند قاچاقچی بودند. دوستان وسیله شدند. س - در مورد خروج از ایران تا رسیدن به مقصد توضیحاتی بدهید، ممنون می‌شوم. ج - آنچه آن موقع برایم مهم بود این بود که‌از آنهاپی که انتظار کمک داشتم هیچ خیری ندیدم و‌از آثانی که‌انتظاری نداشتم خیلی انسانیت دیدم. پول را که پرداختم، قاچاقچی‌ها حرفشان را عوض کردند. یعنی قرار بود بیاند عقب من و پول و پاسپورت را آنها حمل کنند ولی بعد از دریافت پول تغییر نظر دادند. به‌هرحال من دیگر چاره‌ای جز قبول نداشتم. تمام روز در خیابان‌ها راه می‌رفتم و حتی جا نداشتم بخوابم. چون نمی‌خواستم پدر و مادرم ناراحت بشوند. به آنها گفته بودم پیش دوستانم هستم و گاهی به آنها تلفن می‌زدم. سر کار هم مکالماتی بود. چون به من احتیاج داشتند و به‌اصرار می‌خواستند بمانم. بالاخره گفتم بیارم و از آنها یک هفته مرخصی گرفتم.

به‌هرحال قرار شد من خودم به ایستگاه اتوبوس بروم که یکی از دوستان مرا همراهی کرد و در جایی که قبلاً قرار گذاشته بودیم با یک خانم و بچه‌اش که قبلاً آنها را دیده بودم، حاضر شدیم.

اتوبوس به طرف زاهدان راه افتاد. بگذریم که چند بار پاسداران به اتوبوس آمدند و هر بار در موقع بازرسی کافی بود یک اتفاق ناجور بیفتد. به‌هرحال به زاهدان رسیدیم. مسیر خیلی طولانی و خسته‌کننده بود. یادم نیست چند ساعت در راه بودیم. به‌محض رسیدن، مردی که کارهایمان را انجام داده بود، در ایستگاه منتظر ما بود. و ما را به یک هتل مانند برد. خانمی که با من همسفر بود می‌خواست وانمود کند که در وضع من است. ولی من متوجه شدم که شوهرش ساواکی بوده و در آغاز انقلاب توسط همین شخص فرار کرده و اینها می‌روند که به او ببیوندند و احتمالاً آشنایی هم داشتند. البته من هم به‌دروغ گفتم که محصل آلمان هستم و چون مرزها بسته‌اند به این ترتیب خارج می‌شوم.

س - فصل گرماست؟

ج - بله، طه همین جهت به‌محض رسیدن، طرف قرص ضد اسهال به ما داد که در طول سفر خیلی به‌درم من خورد. شب را در هتل به‌سر بردیم. خانمی که با ما بود با طرف دعوا می‌کرد که ما نباید اینجا بمانیم؛ خطرناک است. به همین دلیل ما را صبح روز بعد، از هتل حرکت داد.

س - لباس خاصی داشتید؟ چادر به سر کردید؟

ج - چادر سر کردن خطرناک بود. چون این کار فرهنگ خاصی می‌خواهد و‌گرنه انسان لو می‌رود. سعی کردم با حجاب اسلامی باشم ولی چادر نداشتم. صبح او به جلو راه افتاد و ما به‌عقب، جدا جدا او را تعقیب می‌کردیم. ما را

برد به خانهٔ کولی‌ها؛ بلوچ‌هایی که با قاچاقچی‌ها همکاری می‌کردند. خانه‌ای بود و‌حشتناک. تجربهٔ عجیبی بود.وسط شهر زاهدان یک خانه مثل خانهٔ قمر خانم، منتهی کوچکتر. یک حیاط درب و داغون و چندتا اتاق کوچک که خدا می‌داند چند خنوار در این اتاق‌ها زندگی می‌کردند. تعداد بچه‌ها بی حد و حساب، بسیار کثیف و غیر بهداشتی، وسط شهر زاهدان. اینها حتی برای آشامیدن، آب از چاه می‌کشیدند. در آنجا چند روزی ماندیم که البته خیلی خطرناک بود. لباس بلوچی به تن کرده بودیم. گفتند باید شب را هم با لباس خوابید که اگر پاسدارها توی خانه ریختند بویی نبرند و گفتند اگر سؤالی از تو کردند شما زن هستید و اصلاً حرف نزنید. لاقال یک جازن بودن به‌نفع ما بود!

از چیزهای جالبی که دیدم این که باوجود زندگی در فقر مطلق، اینها بسیار اهل سیاست بودند و هرشب رادیو اسرائیل و بی‌بی‌سی گوش نداده نمی‌خوابیدند.

س - کار اینها اصلاً چه بود؟

ج - همه قاچاقچی بودند و زنهایشان هم کار خانه می‌کردند و بچه به‌دنیا می‌آوردند. به‌طوری که یکی از زنان که ۵ بچه داشت هم‌ماش از من سراغ راهی می‌گرفت که آiestن شود و می‌گفت امسال آiestن نشده‌ام و اگر بچه‌دار نشوم، شوهرم طلاق می‌دهد.

از نظر تغذیه وضعیتشان خیلی بد بود. از سفره که بگذریم که بچه و گوسفند و پشکل همه دور آن بودند، قدری نان و ماست می‌گذاشتند روی سفره و برای خاطر ما قدری هم سبزی اضافه کرده بودند. من هم‌ماش منتظر بقیه‌اش بودم با این که در جنوب تهران تجربه داشتم و فقر بسیار دیده بودم، ولی تا این حد باورم نمی‌شد. بالاخره خانمی که با ما بود گفت بخور والا همین را هم از دست می‌دهی. تازه به خودم آمدم که همین غذای آنهاست. آبی که از چاه درمی‌آوردند پر از جانور بود.

س - چند روز آنجا ماندید؟

ج -۳ یا ۴ روز. شب هم که رختخوابها را می‌آوردند، سوسک از میان آن پرواز می‌کرد. واقعاً تجربهٔ غریبی بود. بالاخره پس از صحبت فراوان با هم، تصمیم بر این شد که من با لباس بلوچی، سوار کامیون بشم و از جلوی پاسدارهای مرزی همراه بلوچ‌ها بگذرم و بقیه از راه قاچاقچی‌ها. من نگران بودم و نمی‌فهمیدم چرا من می‌بایست جدا از بقیه بروم. روز بعد هم متوجه شدم که راهنمای بلوچ با طرف ما سر من دعوا دارند. به‌هرحال صبح روز بعد آنها از راه فرعی حرکت کردند. من رفتم سراغ برادر قاچاقچی بلوچ پرسیدم: «راهی که ما می‌رویم خطرناکه، مگه نه؟» با سر علامت مثبت داد. وقتی بلوچ اصلی آمد ازش پرسیدم: «می‌خواهید کامیون قاچاق رد کنید یک زن لازم دارید و منو انتخاب کردید؟» طرف تعجب کرد و گفت: «نه، برای این بود که به من گفتید شما نمی‌توانید راه بروید.» در پاسخ گفتم: «هن از اون بچه که بهتر راه می‌رفتم و تازه من کوهنوردی بسیار کرده‌ام و خیلی هم خوب راه می‌روم.» مردک خیلی باهوش بود، نگاهی به من کرد و گفت: «تو با زن و بچهٔ من نون



پژوهش جامعه‌شناختی«انتشار یافته‌است. بخش پایانی این اثر تحقیقی به چند مصاحبه با چند ایرانی مهاجر در فرانسه و انگلستان اختصاص دارد که بسیار خواندنی و قابل تأمل است. این بخش از کتاب را برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره می‌خوانید.

و نمک خوردي، اگر کسی بخواد تورو دستگیر بکنه باید از روی نعش من رد بشه. و تازه اگر فکر می‌کنی می‌تونی راه بیایی حاضرم خودم تورو از راه فرعی ببرم.»

قبول کردم.با دونفر دیگر سوار کامیون شدم. من لباس بلوچی به‌تن داشتم. پایین آستین لباس بلوچهماقوایی است و با آن خودشان را باد می‌زنند. و به من هم یاد داده بودند. با این سر و شکل وسط راه، یک لحظه جیب ژاندارمری که‌از کنار ما رد می‌شد مرا دید. بلوچی که با ما بود شک برد و به من گفت باید پیاده شوی و همراه من ده دقیقه با تمام قوا بدوی. همین کار را کردیم. که دیگر من از نفس افتاده بودم. بالاخره رسیدیم به کوه و بیابان. من بودم و یک بلوچ ناشناس. راه سخت و طولانی بود. باد زیادی در بلندیها می‌پیچید و سوسمراهای سیاه بسیاری به چشم می‌خوردند که‌بلوچهایمی‌گفتند خطری ندارند. به‌هرحال رسیدیم به جایی که قرار بود کامیون ما را سوار کند. آخر روز بود ولی آفتاب هنوز غروب نکرده بود. اما کامیون آنجا نبود. طرف گفت: «این‌ها راه را گم کرده‌اند. تو باید در اینجا بمانی تا من قبل از غروب آفتاب آنها را پیدا کنم.» مرا وحشت گرفت و گفتم: «هر کجا بروی من هم می‌آیم.» یک قمقمه آب داشتم و چندتا گوجه فرنگی. با اینکه اصلاً آدم ورزشکاری بودم ولی از خستگی و گرما بیچاره شده بودم. دهانم خشک شده بود و بزاق دهان نداشتم. یک چیزی مثل سقز سفید و سفت در دهانم بود. ناگهان قاچاقچی از من پرسید: «تو با کدام سازمان سیاسی کار می‌کردی؟» من جواب منفی دادم. در جواب گفتم: «من تا به‌حال بیش از ۳۰۰ نفر آدم سیاسی از این کوه‌ها رد کرده‌ام، مرا نمی‌توانی گول بزنی. ولی باید بدانی که تو هرچه سریع بدوی به پای من نمی‌رسی و من باید حتماً امشب اینها را پیدا کنم. چون اگر شب بشود ما در این کوه‌ها امنیت نداریم.» خوب دیگر چاره‌ای نداشتم، قبول کردم. گفت: «لباست چون رنگی است و سربازها با دوربین نگاه می‌کنند باید چادرت را کاملاً روی خودت بکشی و در کنار آن سنگ خودت را گلوله بکنی تا من برگردم.» آب و گوجه‌فرنگی‌ها را هم برای من گذاشت و رفت.

تمام مدت به فکر خانواده‌ام بودم و بی‌اختیار شروع به گریه کردم. آفتاب داشت غروب می‌کرد که ناگهان صدای موتور را شنیدم. دیگر برایم فرق نمی‌کرد کیست، فقط فکر می‌کردم یک آدم می‌آید. حالا پاسدار یا قاچاقچی، دیگر برایم فرق نداشت. تا چشم کار می‌کرد کوه بود. بلند شدم دیدم همان قاچاقچی است که اعتراض‌کنان آمد جلو و گفت «مگر نگفتم خودت را به کسی نشان نده خطرناک است؟»

به‌هرحال، سوار کامیون شدم و حدود ۷ یا ۸ ساعت در کوه‌ها می‌رانند. بچه‌ای هم که در کامیون بود مرتب فریاد می‌زد. بالاخره رسیدیم به سیمهای خاردار که مرز زاهدان و پاکستان بود ولی هنوز وضع خطرناک بود چون می‌گفتند هر وقت پاسدارها بخواهند به این طرف مرز می‌آیند. حدود ۴ صبح بود. آنقدر خسته بودیم که در جایی که ما را بردند بیهوش

شدیم. نزدیک صبح ما را بیدار کردند. تازه من متوجه شدم در چه جایی خوابیده بودیم. یک اطاقکی بود با حلب و نایلون پر از موش و بی‌اندازه کثیف. هر قاچاقچی که شما فکر می‌کردید از هروئین فروش تا آدم‌ردکن در آنجا بود و سر پول با هم دعوا می‌کردند و همان آدم‌ها بودند که مهرهای لازم را روی گذرنامه‌ها زدند.

کامیون آمد و همهٔ ما را ـ قاچاقچی پاکستانی و ایرانی ـ همه را ریختند توی کامیون و دوباره در بیابان حرکت کردیم. تمام روز و تمام شب ما توی کویر در راه بودیم. از طرف مقابل هم کامیونهای متعدد پر از افغانی در حرکت بودند. گرما و‌حشتناک بود و همینطور روی زمین حیوان مرده افتاده بود. شب که شد گرمای شدید تبدیل به یک سرمای غیر قابل تصور شد. حس کردم دارد حالت هیستریک به من دست می‌دهد. هرچه داشتم پوشیدم ولی مثل بید می‌لرزیدم. کوه‌ها دور سرم می‌چرخید و می‌خواستم فریاد بزنم. محکم زدم به شیشهٔ جلو کامیون و گفتم: «من باید بیام جلو (من پشت کامیون بودم). آنها پذیرفتند و من رفتم جلو و قدری حالم بهتر شد.

بالاخره رسیدیم به کویته که مرکز بلوچستان پاکستان بود. در راه سرگرمی‌ام این بود که حساب کنم خرج رد کردن ما از مرز چقدر تمام می‌شود و متوجه شدم که برای هر مرد ۳۰هزار تومان و برای هر زن ۲۰هزار تومان می‌گرفتند. البته بلوچهای مرزنشین. در اینجا هم زن ارزش کمتری داشت! در کویته ما را به یک هتل بردند. لباس بلوچی را درآوردیم و لباس پاکستانی به‌تن کردیم. در راه ما را به یک جور قهوه‌خانه‌های گنبد ماندنی می‌بردند که غذا بخوریم ولی من اصلاً لب نمی‌توانستم بزنم. بسیار تند بود. فقط آب می‌خوردم و قرص ضد اسهال. روز بعد هواپیم‌ا گرفتند و ما را به کراچی منتقل کردند. وقتی به کراچی رسیدیم من بی‌اختیار شروع به گریه‌ای طولانی کردم که هر چه از من می‌پرسیدند چرا گریه می‌کنی جوابی نداشتم. ما را به یک هتل بردند و همه را در یک اطاق جای دادند. نمی‌دانم می‌خواهید که بقیه‌اش را هم بگویم؟ س - اگر خسته نیستید دلم می‌خواهد بدانم هدف شما رفتن به کدام کشور بود و چطور از پاکستان خارج شدید و به فرانسه رسیدید؟ ج - هدف اصلی من آمریکا بود. ولی درآنجا فهمیدم که کار بسیار مشکلی است.

پس تصمیم گرفتم با دوستانی که در آلمان داشتیم تماس بگیرم. بعد از چند روز قاچاقچی گفت هتل گران تمام می‌شود و ما را به منزل یک ایرانی منتقل کرد. هر چه من اعتراض کردم فایده‌ای نداشت. همان زمان تلفن زدم به ایران که رسیده‌ام.

شب اول در خانهٔ آنها تا صبح نخوابیدم. خیلی نگران بودم که مبادا اینها هم قاچاقچی باشند و برای من درد سری درست شود. یک روزی که گذشت متوجه شدم که خانواده تیپ قاچاقچی نیستند. چند بار که بقیه نبودند از خانم خانه پرس و جو کردم و متوجه شدم که این بیچاره‌ها فامیل دور آن خانم هستند و در واقع ما همه به آنها تحمیل شده‌ایم. خلاصه اینها شدند مدافع من در مقابل قاچاقچی. او نمی‌خواست مقدار پولی که پیش او داشتم به من پس بدهد. آنها پولم را از او گرفتند و به من پس دادند و خلاصه گفتند نگران نباش اگر هرچند‌ما کارت طول بکشد هم‌مان ما هستی. خانمی که با ما بود ۴ تا ۴هزار مارک داد و ویزای آلمان گرفت و به بقیه‌اش رفت.

س - صاحبخانه چه کسی بود؟ کار سیاسی می‌کرد؟

ج - نه، ولی آدم‌های بسیار خوبی بودند و من هرگز تا آخر عمرم آنها را فراموش نخواهم کرد. آنها فقط به‌عنوان یک هموطن به من کمک کردند و تازه با شرایط بدی که داشتم.

به‌عللی نمی‌خواستم با دوستان رابطه برقرار کنم. ولی بالاخره مجبور شدم به آلمان تلفن کنم و خلاصه با کمک آنها ویزای فرانسه‌ام درست شد. با اینکه ویزا را گرفته بودم ولی باز سعی کردم به آمریکا بروم ولی نشد. من در فرانسه هیچکس را نمی‌شناختم و زبان بلد نبودم.

س - در آمریکا کسی را داشتید؟

ج - هم فامیل داشتم و هم زبان بلد بودم.

داستانهای عاشقانهٔ ادب فارسی (۵)

به پراگ که رفت از من خواست که با او همکاری کنم و به‌خنده گفت که این دفعه مثل رادیو امید افتخاری نیست. لاقل برای هر برنامه‌ای پول نفس زدن می‌دهند و آن وقت طرحی را که مدت‌ها با هم در آن باره صحبت کرده بودیم؛ به میان کشید و گفت:

– چطور است آن برنامه داستانهای عاشقانهٔ ادب فارسی را راه بیندازیم؟ و این کار شد. من هر دو یا سه هفته یک بار، یک هفته‌ای می‌رفتم پیش افشین پسر مهریان و کاردانش که در «ولی» یک استودیو ضبط مجهز و کاملاً حرفه‌ای برپا کرده بود و با کمک او برنامه‌ها را ضبط می‌کردیم و افشین روی آن موسیقی مناسب می‌گذاشت و اگر لازم بود از خانم فهیمه پدرنائی خواهش می‌کردیم که جایی اگر قرار است صدای زن باشد، او این کار را برعهده بگیرد. بدینگونه بود که داستانهای عاشقانهٔ شاهنامه، داستانهای عاشقانهٔ نظامی، ویس و رامین و دیگر داستانهای ادب فارسی را خواندیم و ضبط کردیم و پخش شد. بسیار افسوس می‌خورم که اصلاً نسخه‌ای از آنها را ندارم. نمی‌دانم در رادیو فردا که درآن زمان خانم نازی عظیما این کار را سرپرستی می‌کرد، نسخه‌ای از این قصه‌ها هست یا نه؛ ولی آنچه مرا خرسند می‌دارد این است که ایرج تمام این داستانها را بعد از خواندن و تنظیم افشین، دوباره بازنگری و سپس پخش می‌کرد . آخرین قصه‌ای که من برای رادیو آزادی خواندم، زهره و منوچهر ایرج میرزا بود و بعد دیگر رادیو آزادی جای خود را به رادیو فردا داد و ایرج به آمریکا بازگشت.

آخرین بار که دیدمش (۶)

آخرین باری که او را دیدم در مجلس گرامیداشت رضا بدیعی بود. مجلس به‌همت پرویز قریب‌افشار برپا شده بود. در آن مجلس گرامیداشت که قریب‌افشار با حسن انتخاب همه‌دوستان رضا را از افق‌های متفاوت دعوت کرده بود، ایرج گرگین گردانندهٔ برنامه‌ای بود که قریب هزار تن تماشاگر آن بودند. در آن شب او را به‌اتفاق اعظم همسرش دیدیم مثل همیشه با لیخند و راضی از آنچه در پیش دارد. در این سالها آن کس که همه مدت در کنار او بود و عاشقانه به او زندگی می‌داد اعظم بود. به‌هم که رسیدیم بعد از رپووسی، به همسرم گفتم: «با آن سالهای دور هیچ فرقی نکرده‌اید» و من هم گفتم: «جنابعالی هم در سایهٔ محبت اعظم همان هستید که در آن سالها بودید.»

چند لحظه بعد که تنها شدیم در گوش من گفت:

« صدرل، به تو می‌گویم که میزان نیستم. بعد از عمل قلب، گرفتاری‌های دیگری هم پیدا کرده‌ام. و همین… و آخرین بار که با او صحبت کردم دوشنبه نهم ژانویه بود. زیر چادر اکسیژن بود. پانزده ثانیه با صدایی که نمی‌توانستم شناخت، حال و احوال کردیم و به من گفتند «تا آخر هفته بهتر می‌شود و به منزل برمی‌گردد.» و آخر هفته دیگر او نبود…

خدا مرگشون بده… نه… خدا مرگمون بده!

یک شب اول شب که رفته بودیم جامی برنیم، و نفسی تازه کنیم، ایرج خسته از شایعاتی که درباره رادیوامید بر سر زانها بود، گفت:

– اذیتم می‌کنند. خدا مرگشون بده که راحت شیم.

گذشت و گذشت؛ در سالهای آخری که دیگر کار رادیو به بن‌بست خورده بود، و نمی‌دانم اگر به رادیو آزادی در پراگ به‌راه نمی‌افتاد چه باید می‌کرد، آمد شمال کالیفرنیا و باز رفتیم سراغ شکستن سربطری. یک‌لحظه بعد از آنکه هر دو گرم شدیم، رو به من کرد و گفت: « صدرل، یادت میاد چند سال پیش که از دست اینها که عاجز شده بودم، گفتم خدا مرگشون بده که راحت شیم؟ – آره، خوب چی میخوای بگی؟ – می‌خوام بگم حالا خدا مرگمون بده که راحت شیم.

او از پشت شیشهٔ اتاق فرمان (۸)

در سالهای دوری و دلگیری، گاهی وقت‌ها که به لس‌آنجلس می‌رفتم، ایرج

یادداشتی بی تاریخ

با یاد ایرج گرگین آنکس که «تماشا» گاهش «امید» و «آزادی» بود

صدرالدین الهی (بخش دوم)

اشاره : مرگ ایرج گرگین برای من مثل نصف شدن همه سالهای زندگیم بود. شصت سال با آدمی بودن و زیر و بم ها را با هم گذراندن و یک روز او را نداشتن دشوارتر از دشوار است. نشستم و نوشتم و نوشتم مثل او که می‌گفت و

گرگین یکی دو مطلبی را که بتازگی نوشته بودم و دوست داشته بود، به‌دست می‌گرفت و می‌گفت برویم اینها را برای رادیو ضبط کنیم. استودیویی که «یوسف شهاب» با دقت و ظرافت سر و سامان داده بود. هم به‌همت ایرج بود که در آنجا نور بهارانه را به‌سرپرستی و اداره از پشت شیشه با حوصله تمام ضبط کرده و به بازار دادیم و به‌یادگار ماند. آن روز چند صفحه از روزگار نو پوروالی را بریده بود و مرا با خود به استودیو برد.

نام یادداشت مورد علاقه‌اش «هوای

کوی تو از سر نمی‌رود» است که بعدها

در کتاب دورپها و دلگیریها هم چاپ شده است. من سرگرم خواندن شدم و به قسمت دوم آن که رسیدم اشاره کرد متوقف شوم. و گفت یک استراحت کوتاه بکنیم. بعد از چند دقیقه گفت « حالا بخوان» و من خواندم. همین بخشی را که در زیر می‌خوانید:

من آن جلاد هزارساله
«ماریا ولاسکوئز برای آزادی‌ال سالوادور مبارزه‌می‌کند.رخت می‌شوید.خانه تمیز می‌کند. به کار چهار بجایش می‌رسد و به من که در کنارش قهوه‌ام را آرام‌آرام می‌نوشم می‌نگرد و با تحقیر می‌پرسد: – تو می‌خواهی از این فاصلهٔ دور دوباره وطنت را به دست آوری؟ با چه؟»

به لوموند جلو دستم اشاره می‌کند:

–با خواندن اینها؟ لابد به‌سخنرانی‌های

سیاسی هم می‌روی؟ جزء یکی از دار

و دسته‌های ضد آیت‌الله هم هستی؟

راستی ماهی چقدر به سازمان‌هایی

که در داخل ایران مبارزه مسلحانه

می‌کنند، کمک می‌کنی؟ اصلا آن تو

خبری هست؟ یا شماها خیال می‌کنید

خبری هست؟ چرا آنقدر از وطن خود

دور ایستاده‌اید؟

ذهن تنبل و بیکارهٔ مرا به سفر وامی‌دارد. ماریا ولاسکوئز تا سه ماه دیگر از دانشگاه برکلی دکتری علوم سیاسی می‌گیرد و لحظه‌ای فکر نمی‌کند که کلفتی در خانه‌های آمریکایی وطنش را از او دور می‌کند. او در وطنش زندگی می‌کند. زن منظم مبارزی است. کار می‌کند. از چهار بجاهش که پدرشان در زد و خوردها کشته شده سرپرستی می‌کند. درس می‌خواند. در رادیوی محلی هفته‌ای یک ساعت برنامه دارد. بیست و پنج درصد مزدش را به سازمان مورد علاقه‌اش هدیه می‌کند. شعر می‌نویسد نه خیلی خوب اما قشنگ مثل:

ما آن کتابیم که شما خواندنش را نمی‌دانید
ما آن آفتابیم که از مشرق شما طلوع نمی‌کند
ما با دسته‌هایمان برای خانه‌های شما باغچه می‌سازیم.

تا نه صلیب و نه مسلسل بلکه درخت گیلاس در آن بکارید
تا مگر با چشمهای ما به دنیا نگاه کنید

چشم‌های بیدار هشیار چشمهایی که نگاه کردن را

از گلخانه‌ها یاد نگرفته‌اند در صحراها آموخته‌اند

ماریا ولاسکوئز چنین است و من آن جلاد هزارساله، تنها به‌یاد یک وطن



صدرالدین الهی و ایرج گرگین در کنار همسران خود

می‌گفت و می‌گفت. دیدم که اندازه‌ها از دستم بدر رفته است. با سردبیر و رفقای تحریریه مشورت کردم که چه کنیم؟ گفتند چه اشکالی دارد که دو هفته بی‌دربی درباره‌ش بگوییم و بنویسی و من چنین کردم. در این هفته یادهای کوتاهی

می‌خواهد بزند. خط سیاه و سفید نکشد و در صف‌قادرمندان و عریده‌جویان نیاشد. به‌نظر آسان می‌رسید. حداقل در ذهن ما که یکی پر حوصله، شمرده، محتاط و عاقبت‌اندیش است و دیگری حتی در پیرانه‌سر جرقه‌آسا، بی‌پروا و بی آرام و فارغ از فردا.

رادیو امید متولد شد. با اندازه‌ها و ابعادی که تصور ساده‌ای از آن داشتیم و روزانه به کار خود ادامه داد. گرگین یک مدیر خوب بود. این را من از سالهای مدرسه به‌خاطر داشتیم. آدم‌ها را با مهربانی و حوصله جذب خود می‌کرد. در حق کسی راه مبالغه – لااقل در برابر میکرفن باز – نمی‌پیمود. سخت‌صبر و بردبار می‌نمود و همه را که دستی در کار داشتند در فرصتی کوتاه‌تر از حد انتظار، من، در رادیو گردآورد. من صدای خود را از رادیو نمی‌شنیدم. در سانفرانسیسکو صدای رادیو شنیده نمی‌شد اما صدای کار درست و محکمی را که آغاز شده بود از دهان این و آن می‌شنیدم. رادیو امید برای شهر پر از جبهه و همه‌هم و همه‌همه در تاریکی لس‌آنجلس چراغ امیدی شده بود.

دوّم – حق القلم و حق النفس در غربت

تصور اشتباه‌آمیز یک دسته از همکاران حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای این شده بود که بله، برمی‌گردیم ایران. چون ایرج گرگین مدیر شبکه ۲ رادیوتلوویزیون ملی ایران آمده است لس‌آنجلس رادیو را بر انداخته، لابد خبری هست و قشون‌های ظفرنمون به‌زودی دارالخلافه را فتح خواهند کرد. و لاجرم از ماه دوم و سوم منظر این بودند که رئیس حسابداری صدایشان بزند و چک ناقابل حق‌الزحمه را با عرض معذرت از کمبود مبلغ به‌علت مشکلات

بودجه محدود مبارزه در غرب تقدیم دارد. مدیر شبکهٔ دوم در تهران واقعاً دست و دل‌باز و نظربلند بود. فکر خوبی که عرضه می‌شد با دستمزد خوب پاداش می‌داد. حالا در روزگار تلخ غربت بالاخره باید از خجالت همکاران صادق و صمیمی به‌طرزی در بیاید و از بودجه‌ای که از خزانهٔ غیب در اختیارش گذاشته بودند حق‌القلم و حق‌النفس مختصری به‌عنوان وجه می‌به دوستان برساند تا رفاقا گرفتار گرو گذاشتن خرقه و دستار نشوند. گرگین با دل‌تنگی در تلخن به من گفت: «به‌جان تو تمام سرمایهٔ اولیه را که گذاشته‌ام دارد می‌رود. باید قرض هم بکنم که رادیو بماند. در خجالت بچه‌ها هستم و کاری نمی‌شود کرد.»

و من در جواب او گفتم: «بچه‌ها باید بدانند که اینجا دیگر دولتی در کار نیست. یک کار اقتصادی متأسفانه انفرادی است که باید از طریق کمک صاحبان مشاغل به حیات خود ادامه دهد. کار در چنین رادیویی وسیلهٔ باقی ماندن جوهر فکر و امتداد مبارزه است و اینکه قلم مانند چاه آب است و کاریز که اگر به آن نرسی خشک می‌شود و می‌میرد. حتی اگر در این راه خیلی خیلی خیلی حرفه‌ای باشی مثل خود من. در این روزگار باید نگذاشت که سرچشمه‌ها خشک شوند.»

مثل اینکه کمتر بودند حرفه‌ای‌هایی که حرف مرا فهمیدند و آما‌تورها به‌یستر با گرگین ماندند و حرفه‌ای‌ها از رولزروسی که او خریده بود افسانه‌ها ساختند و من

صفحه ۱۵ – Page 15 – شماره ۱۸۱۰
جمعه ۷ تا پنجشنبه ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲

معزول به میدان آمدند که جیره‌خواران سابق دستگاه همایون سلطنت چه نمک‌بحرامانی هستند که پاس آن بارگاه بلند را نمی‌دارند و اینان به شیوهٔ مرضیهٔ خوشرقصی خود، فوراً پرونده‌سازی را شروع کردند که کمونیست‌ها و توده‌ای‌ها بلندگویی به دستشان افتاده و زیر نقاب بی‌طرفی، سلطنت را که آس و اساس تاریخ چندین و چند هزارسالهٔ ماست نفی می‌کنند.

نکتهٔ جالب آنکه رهبران همهٔ این گروه‌ها حرف‌هایشان را به‌آزادی در رادیو امید می‌زدند و می‌زنند و فقط وقتی یکی از ما به‌سائقهٔ حرفه بر مجموعهٔ سخنان غالباً تکراری و کلیشه‌ای آنها چیزی می‌گوئیم فریادشان به‌عسر می‌رود.

جمهوری اسلامی و ولایت فقیه هم از همان آغاز، ما را جزء محاربین با خدا و مفسدین فی‌الارض تلقی کرد و چون در خط انقلاب و امام و اوامر ولی فقیه نبودیم، برایمان همه گونه خط و نشان کتبی و شفاهی و تلفنی کشید.

روزی از روزها، وقتی اینهمه دشمن در برابر حقیقتی که ما برای آن ایستاده بودیم پیدا شد من به آقای گرگین گفتم پیداست که اشتباه نمی‌کنیم؛ و به راه «امید» ادامه دادیم.

چهارم – تقوای سیاسی غیرقابل فروش

حقیقت این است که ما جای کسی را تنگ نکرده بودیم. ما کار خودمان را می‌کردیم؛ اما خیلی‌ها خیال می‌کردند تا امید هست کارها به ناامیدی خواهد کشید. ما برنامهٔ ساز زن ضرب‌گیر نداشتیم چون از شیوهٔ مرضیهٔ خوش‌رقصی بی‌خبر بودیم. ما برنامهٔ تعظیم و تکریم نداشتیم چون آهن تخته به‌دست خمیر کردن را به پشت‌ختم کردن در پیش‌امیر ترجیح می‌دادیم. ما در مجلس می و ساقی و مدریب حاضر نمی‌شدیم زیرا تقوای سیاسی خود را بر ابر و دود تزویر و بوسه‌ها و قربان‌صدقه‌رفتن‌های شبانه ترجیح می‌دادیم. در این راه ما به‌راستی می‌کوشیدیم تا یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای صدیق باشیم و این مفهوم را به همگان بفهمانیم که رادیو امید چنین بود و چنین است.

پنجم – مفهوم همکاری حرفه‌ای

در طول این سالها من که هرگز کار رادیو نکرده بودم، هرگز در میکرفن رادیو حرف ن‌زده بودم، با ایرج گرگین کار کردم و این بخش از کار روزنامه را از تجربه‌های او آموختم. سیاس بسیار برای او دارم.

در همین سالها، بارها مفهوم همکاری حرفه‌ای را باهم آزمایش کردیم. دریافتن اهمیت خبرها به‌سرعت بر آن سوار شدن صمیمانه و درست آن را به شنونده رساندن و از هر اتفاقی برای جمع‌آوری نظرات موافق و مخالف سود جستن و آن را بی‌واسطه و بدون دخل و تصرف در اختیار شنونده نهادن. ما هرگز حرف کسی را که مورد مراجعهٔ ما بود سانسور نکردیم اما اعتراف می‌کنم که جلوب‌سیاری از احتمالا تند رفتن‌های یکدیگر را چه با مشورت و چه حتی با پخش نکردن مطلبی گرفتیم. گرگین بارها مطلب مرا غیرقابل تکی تشخیص داد و پخش نکرد. من نمی‌تکان خوردم و فردای آن روز پختگی‌اش را تحسین کردم. در کار حرفه‌ای ما کسی که سردبیری می‌کند باید که مورد قبول و احترام باشد و بی نق نق و غرغر نظرش را بپذیرا شد. من در مورد دوستم در این سالها چنین کرده‌ام.

ششم – خواستاران انحلال جمهوری اسلامی

آخرین نغمه‌ای که ساز شد، انتساب گرگین و رادیو امید به جمهوری اسلامی بود. شوخی بامزه‌ای است چون وقتی شما به سرباز خط اول جبهه بگوئید فراری، آدم دلش را می‌گیرد و قاهقه می‌خندد و می‌خندد که آقا دوش در من و باده افراط کرده است.

ما دشمن جمهوری اسلامی نیستیم. ما مخالف جمهوری اسلامی هستیم. زیرا برای دشمنی باید تانک و توپ و ارتش و ارتشبد داشت و یا عتبه صدام و ملک‌فهد و حسنی مبارک را بوسید که «کنترا» وار کمکی بکنند و روز مبدا هم کتب‌تسه به‌عنوان کادوی صلح چون اسیران جنگی تحویلت بدهند و حاج آقا خلخال‌ی حالی بکند از اینکه شاه موشان را با انبوه لشکر، گره‌وار یک لقمهٔ چپ کرده، نه، ما بر اشتزی سوار نیستیم که چنین توپ و تشری داشته باشیم. ما فقط مخالف جمهوری اسلامی هستیم و خواهان انحلال آن بی‌خورنری و بی انقلابی خونین و دوباره.

ادامه دارد

● **تجربه به دام انداختن و دستگیری حمید نوری می‌آموزد که دستگیری آمرین و عاملین متهم به جنایت جنگی باید در نهایت پنهانکاری و به دور از فعالیت‌های تبلیغی و جنجالی باشد.**

● **در صورت محکومیت حمید نوری پرسشی که حقوق بین‌الملل را به خود مشغول خواهد ساخت، موضوع مصونیت در زمان تصدی یک‌سمت‌دیپلماتیک خواهد بود.**
اینکه با توجه به نمونه حمید نوری چطور می‌شود که او محکوم شده و رئیس‌او یعنی ابراهیم‌رئبسی که در زمان وقوع جنایت مورد اتهام عضو هیئت مرگ و فرد بالادست حمید نوری بوده و اکنون رئیس دولت این نظام است از مصونیت دیپلماتیک برخوردار باشد؟! شاید یکی از کارهایی که زندانیان سیاسی سابق می‌توانند انجام دهند تهیه یک فرهنگ لغت فارسی به فارسی مربوط به زندان و زندانی باشد که در چنین دادگاهی بسیار مفید و قابل استفاده خواهد بود.

حنیف حیدرئژاد– دادگاه حمید نوری (عباسی) که از دهم ماه اوت ۲۰۲۱ در ساختمان مرکزی دادگاه استکهلم در سوئد آغاز شده و اینک از نیمه گذشته و با پایان گرفتن تعطیلات زمستانی سال نو میلادی، جلسات خود را مطابق برنامه اعلام شده از ۱۱ ماه ژانویه ۲۰۲۲ از سر خواهد گرفت. اگر در برنامه برگزاری جلسات تغییرات جدی پیش نیاید، آخرین جلسه دادگاه روز ۱۴ آوریل ۲۰۲۲ برگزار خواهد شد.

قدردانی از شاهدین و شاکیان
قبل از هر چیز لازم است از همه شاهدین و شاکیان، زندانیان سیاسی سابق یا خانواده‌های اعدام‌شدگان که در دادگاه حاضر شده و شهادت داده و به پرسش‌های قاضی، دادستان و وکلای مشاور و نیز وکلای مدافع حمید نوری پاسخ دادند، قدردانی کرد. صحبت کردن در مورد آن جنایت تلخ و خونین هم در مرحله مقدماتی نزد پلیس و هم در دادگاه، بدون شک باعث زنده شدن خیلی از خاطرات شده و فشارهای شدیدی فکری و روانی و عاطفی داشته است. همه اینها آسیب‌های روحی را که به مرور زمان شاید کمی ساکت شده بود، دوباره زنده می‌کند. از این رو به لحاظ انسانی، تلاش این شاهدان و شاکیان برای پذیرش این درد مضاعف و احساس مسئولیت آنها برای صحبت کردن در مورد آن خاطراتِ دردناک، شایسته قدردانی است.

بعد از برگزاری ۵۵ جلسه و قبل از شروع مجدد دور پایانی جلسات دادگاه در چند روز آینده، مناسب است از زاویه‌های مختلف به این دادگاه و دستاوردهایش نظر کوتاهی انداخت. این بررسی همه جوانب را در بر نگرفته و خود را بر موارد مشخصی محدود می‌کند.

یکم– برخی دستاوردها و نتایج از زاویه حقوقی

شناخت ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق ملی کشورها

دستگیری و بازداشت ۲۱ ماهه و برگزاری ۵۵ جلسه دادگاه تا شروع تنفس به دلیل تعطیلات سال نو میلادی (مستقل از حکم نهائی دادگاه که هنوز باید منتظر آن باشیم)، نشان داد که راهکارهای حقوق بین‌الملل به عنوان یک ابزار موثر در تحت تعقیب قراردادن، دستگیری و محاکمه عاملین و آمرین جنایت در جمهوری اسلامی، موثر هستند. اگرچه دیوان کیفری بین‌المللی بر مبنای اساسنامه رم تنها به آندسته از شکایت‌های مرتبط با جنایت علیه بشریت که قبل از ژوئیه ۲۰۰۲ (تاریخ لازم‌الاجرا شدن) به وقوع پیوسته باشد، رسیدگی می‌کند،

دادگاه حمید نوری؛ بررسی اولیه برخی نتایج و دستاوردها از دیدگاه حقوقی

اما هنوز در قوانین ملی کشورهای دموکراتیک می‌توان ظرفیت‌هایی را یافت که با کمک آنها می‌توان به موارد قبل از این تاریخ نیز رسیدگی کرد. دستگیری حمیدنوری براساس قوانین کشور سوئد، در چهارچوب جنایت جنگی و قتل عمد، یک نمونه مشخص و بسیار مثبت در این زمینه است. این تجربه به دادخواهان و ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی می‌آموزد هرقدر بیشتر و هر میزان بهتر این قوانین را بشناسند، بیشتر می‌توانند از این ابزار در عرصه بین‌المللی به نحو موثرتری علیه آمرین و عاملین جنایت‌های مرتکب شده در ایران استفاده کنند.

اهمیت محرمانه بودن تا زمان دستگیری

تجربه به دام انداختن و دستگیری حمید نوری می‌آموزد که دستگیری آمرین و عاملین متهم به جنایت جنگی باید در نهایت پنهانکاری و به دور از فعالیت‌های تبلیعی و جنجالی باشد. چه بسا با کمک چنین تجربه‌ای می‌شد آخوند شاهرودی را که برای معالجه به آلمان آمده بود، به دور از جنجال تبلیغاتی به دام انداخت. سوژه‌ای که قرار است دستگیر شود نباید تا زمان تشکیل پرونده از سوی دادستان از آنچه در انتظار اوست باخبر شود وگرنه می‌تواند از دام جسته و فرار کند. به ویژه اینکه این افراد از پشتیبانی دیپلماتیک جمهوری اسلامی و سفارتخانه‌هایش برخوردار بوده و با پناه گرفتن در آنجا می‌توانند نقشه دستگیری خود را کاملاً بهم بزنند. مبارزه حقوقی امری سخت و طاقت‌فرساست. دانش حقوقی و تجربه نیاز دارد. هزینه‌بر است و زمان طولانی نیاز دارد تا به نتیجه‌برسد.همین موضوع باعث می‌شود تا عده‌ای که فقط به کار تبلیغاتی و جنجال علاقمند هستند با مطرح کردن خود و ایجاد سر و صدا به نحوی غیرمسئولانه سوژه‌ای را که می‌توانست با کار حرفه‌ای حقوقی به دام بیافتد (آخوند شاهرودی) فراری دهند. دستگیری حمید نوری می‌آموزد اگر استراتژی و تاکتیک مناسب به کار گرفته شود، شانس موفقیت برای دستگیری آمرین و عاملین جنایت‌های مرتکب شده توسط جمهوری اسلامی بالاست.

اهمیت مستندسازی دقیق

تجربه دستگیری حمید نوری نشان داد، زمانی دادستانی می‌تواند پرونده‌ای را به جریان بیناندازد که هم شاکی و شاهد و هم اسناد اولیه لازم در موردِ اتهامات مورد نظر آماده و ترجمه شده و موجود باشد. چنین کار تدارکاتی، دقت، برنامه‌ریزی، وقت، پول و مهم‌تر از همه سازماندهی و پنهانکاری نیاز دارد. از آنجا که مدت زمان بازداشت مظنونین به جنایت علیه بشریت و ... در کشورهای مختلف متفاوت است (اغلب بین ۲۴ تا ۷۲ ساعت)، این اسناد و مدارک باید از قبل آماده باشند و گرنه چه بسا دادستان نتواند فرد دستگیر شده را بیش از زمان قانونی مقرر در بازداشت نگه داشته و ناچار شود او را به دلیل کافی نبودن مدارک یا نبود شاکی خصوصی و شاهد آزاد کند.

اهمیت وکلای صالح و با تجربه

تجربه دستگیری حمید نوری نشان داد که دسترسی به وکلای صالح و با تجربه و مسلط به قوانین کیفری

بین‌المللی برای به جریان انداختن چنین پرونده‌ای در مجرای درست ضروریست. هر وکیلی صلاحیت ورود به چنین پرونده‌ای را ندارد.
اهمیت تحقیقات مقدماتی

در تحقیقات مقدماتی در نزد پلیس از شاهدین و شاکیان در مورد شخص مورد اتهام و بسیاری از جزئیات مرتبط با موضوع اتهام، بازجویی و سوال و جواب به عمل آمده و ثبت می‌گردد. اسناد و مدارکی که شاهد یا شاکی برای ارائه دارند نیز در این مرحله جمع‌آوری می‌شود. در جریان دادگاه هر نوع تناقض بین گفته‌های فرد در حضور قاضی با آنچه در تحقیقات مقدماتی گفته یا ارائه گردیده، مطابقت داده شده و اهمیت دارد.

اهمیت کسب آمادگی برای بازجویی جهت تحقیقات مقدماتی و یا شهادت در دادگاه

برای آنکه بتوان در بازجویی مقدماتی و یا ادای شهادت در دادگاه، به سوالات به نحو دقیق و کامل و بدون تناقض پاسخ داد، مهم است که از قبل در مورد وقایعی که فرد شخصا تجربه کرده یا مستقیم شنیده، فکر کرده و آن موارد را در ذهن مرور کند. اگرچه این کار دشوار است و به دلیل مرور زمان خیلی از جزئیات به راحتی قابل زنده شدن نیستند، اما می‌توان از قبل با وکیل تمرین کرد یا با روش مناسب (مثلا یادداشت‌نویسی بر اساس تسلسل زمانی) تلاش کرد تا دقت کار بالا برود. نکته مهم آنکه چه در مرحله مقدماتی در نزد پلیس یا در زمان ادای شهادت در دادگاه باید تا حد ممکن دقیق و با جزئیات صحبت کرد. باید از کلی‌گویی و پراکنده‌گویی پرهیز نمود و در پاسخ به سوال مورد نظر، بطور مشخص به همان سوال پاسخ داد.

این موضوع به ویژه در مورد ایرانیان موضوع مهمی است زیرا تجربه‌ای از یک سیستم قضائی قانونمند ندارند و در نزد بسیاری از آنها «کلی‌گویی و نادقیق حرف زدن» به صورت یک رفتار بدیهی روزمره در آمده است (منظور تعمیم این رفتار به تک تک ایرانیان نیست بلکه جنبه غالب آن به عنوان یک رفتار اجتماعی مورد نظر است). مهم است که اهمیت «دقت» در حرف زدن در موارد حقوقی خوب درک شده و حتا تمرین شود. ادای شهادت بطور رسمی در دادگاه یا یک اداره با حرف زدن بطور عادی یا گپ زدن خودمانی یا تعریف خاطره در بین یک جمع تفاوت دارد. یک مثال مهم در این مورد: در جلسات تا کنون برگزار شده در دادگاه، مواردی پیش آمده که افراد مختلف در مورد یک واقعه مشخص حرف‌های متفاوت یا حتا متضاد ارائه داده یا لیست اسامی اعدام‌شدگان به لحاظ نام و نام خانوادگی و تاریخ یا محل اعدام تفاوت‌هایی داشته است. اگرچه همه این موارد ممکن است توضیح قانع کننده‌ای داشته باشد، اما در عین حال زیاد بودن تعداد موارد تناقض می‌تواند مشکل‌ساز شود. می‌توان با کسب آمادگی مناسب، میزان چنین خطاهایی را کاهش داد.

تاثیر احتمالی محکومیت حمید نوری در حقوق بین‌الملل و امکان ایجاد تغییرات جدید

در صورت محکومیت حمید نوری بررسی که حقوق بین‌الملل را به خود مشغول خواهد ساخت، موضوع



تعیین کنند.

فرهنگ لغت زندان و زندانی

فرهنگ لغت داخلی زندانیان با هم: زندانیان فرهنگ لغت خاص خودشان را دارند. مترجم‌ها با این فرهنگ آشنا نبوده و برای انتقال مفهوم مورد نظر باید ابتدا خودشان آن مفهوم را درست متوجه شوند تا بتوانند درست ترجمه کنند. ترجمه چنین واژه‌هایی به صورت لغت به لغت امکانپذیر نبوده و اغلب نیازمند توضیح است. مثلاً: ملی‌کش، اتاق گاز، توتل، تواب، مورس، چشم‌بند، سالن، زیر هشت، هواخوری و...

فرهنگ لغت خاص ایدئولوژیک و مذهبی: سیستم قضائی جمهوری اسلامی مبتنی بر اسلام است و در نوشتارهای رسمی یا صحبت‌های غیررسمی و محاوره‌ای و یا امور اداری لغات یا اصطلاحات یا مفاهیم مذهبی استفاده می‌شود. چه بسا در برخی موارد یک کلمه می‌تواند با جان انسان بازی کند. مثلاً: منافق یا مجاهد، محارب، مرتد، باغی، فتوا، حکم و ... تهیه‌یک‌فرهنگ‌لغت‌که‌چنین‌مفلهیمی را توضیح دهد نیز ضروریست. به‌ویژه اینکه در برخی موارد هر کدام از این واژه‌ها می‌تواند متفاوت از هم تفسیر شود.

چنین فرهنگ لغتی نیاز به یک لیست ضمیمه در مورد سازماندهی اداری در دستگاه قضائی و زندان و سبمت و مدارج مختلف مسئولین، کارمندان زندان و زندانبانان دارد. حتا برخی اصطلاحات مرتبط با افراد می‌تواند نقش آنها را و اینکه یک پسوند یا پیشوند در جلوی اسم او تا کجا می‌تواند گویای نقش پررنگ‌تر آن فرد در سلسله مراتب اداری باشد، نشان دهد. مثلاً: حاج آقا، پاسدار، برادر، خواهر...

حتا برخی مناسبت‌ها یا اماکن در ارتباط با حوادث سیاسی ایران بعد از انقلاب و زندان و زندانیان سیاسی نیز اهمیت داشته که می‌توان آنرا جداگانه لیست کرد. مثلاً: عید قربان، دهه فجر، ۳۰ خرداد، خاوران، لعنت آباد و ... شاید یکی از کارهایی که زندانیان سیاسی سابق می‌توانند انجام دهند تهیه یک فرهنگ لغت فارسی به فارسی مربوط به زندان و زندانی باشد که در چنین دادگاه‌هایی بسیار مفید و قابل استفاده خواهد بود.

اهمیت مستندسازی و راست آزمایی ادعاها و اسناد و مدارک

اسناد رسمی که بتوان در یک دادگاه صالح و در اثبات جنایت‌های مرتکب شده توسط جمهوری اسلامی ارائه داد، بسیار محدود است. تا زمانی که نظام کنونی هنوز در ایران حاکم باشد اساس رسیدگی حقوقی به اتهامات مطرح شده در دادگاه حمید نوری (یا دادگاه‌های احتمالی در آینده در مورد دیگر آمرین و عاملین جنایت در ایران) بر اساس شهادت شاکیان و شاهدین است. از آنجا که در یک دادگاه صالح مبتنی بر دادرسی عادلانه، اصل بر «برائت» است، حرف‌ها و گفته‌های شاهدین یا شاکیان فقط یک «ادعا» است. برای اطمینان از درست بودن این ادعاها باید آنها را راست‌آزمایی کرد. راست‌آزمایی از طریق سوال و جواب‌های متعدد و از طریق مطابقت دادن گفته‌های فرد با گفته‌ها و نوشته‌ها ی دیگر خودش در جای دیگر یا از طریق مطابقت دادن با گفته‌ها و نوشته‌های دیگران صورت می‌گیرد.

کیهان

اهمیت به باور رساندن: گفته‌های هر فرد در دادگاه باید قابل باور باشد. آن گفته‌ای قابل باور است که انسجام داشته باشد، دارای جزئیات دقیق باشد، به دور از کلی‌گویی بوده و بر موارد مشخص تمرکز کند، مبالغه‌آمیز نباشد، از تناقض تهی بوده و سرانجام اینکه احساسات فرد در زمان بیان آن خاطرات یا وقایعی که از آن صحبت می‌کند منطبق با آن گفته‌ها و وقایع باشد. حرکات بدن و صورت و حالت چهره یا تن صدای فرد در زمان حرف زدن و ... احساسات او را در زمان صحبت منعکس می‌کند. هرقدر بروز احساست، طبیعی و عادی و به دور از مبالغه باشد، در کنار دیگر مواردی که پیشتر اشاره شد، میزان قابل باور بودن آن فرد و در نتیجه قابل باور بودن گفته‌هایش بالاتر می‌رود.

نباید از بروز احتمالی تناقض ترسید و دچار اضطراب شد. بین تناقض با دروغ، تفاوت وجود دارد و قاضی می‌تواند چنین تفاوتی را تشخیص دهد. برخی تناقض‌ها کوچک ولی برخی بزرگ یا تعیین کننده هستند. کسب آمادگی کمک می‌کند تا از بروز ناخواسته تناقض‌های بزرگ و تعیین کننده که معمولاً به دلیل اضطراب یا کمبود حافظه پیش می‌آید جلوگیری کرده یا امکان بروز آن را به حداقل رساند.

قابل باور بودن اسناد مکتوب: گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی و نیز خاطرات مکتوب یا شفاهی زندانیان سیاسی یا بازماندگان اعدام‌شدگان نیز یکی دیگر از منابعی است که دادگاه از آنها استفاده می‌کند. با وجود تلاش‌های ارزشمند انجام شده فردی یا دستجمعی از سوی تشکل‌های حقوق بشری ایرانی و یا بین‌المللی یا تلاش گروه‌های سیاسی مختلف، اسناد موجود پراکنده و در مواردی متناقض هستند. برخی یا بخشی از این اسناد به دلیل انگیزه‌های سیاسی یا ایدئولوژیک از دقت لازم برخوردار نیستند. این اسناد شامل اسامی اعدام‌شدگان، مشخصات فردی و خانوادگی آنها، زمان، مکان و نحوه اعدام است. تا کنون در جریان دادگاه حمید نوری در این زمینه برخی اشکالات مشاهده شده است. در مواردی اسامی تکراریست و یا دقیق و کامل نیستند؛ مشخصات داده شده کامل نبوده یا اطلاعات داده شده از سوی یک گروه با اطلاعات داده شده توسط گروه دیگر مطابقت نداشته یا متناقض است. مثلاً فردی که در دگربری مسلحانه کشته شده، در لیست اعدامی آورده شده. چنین اشکالاتی می‌تواند در مواردی مهم بوده و موجب شود تا یک مدرک یا یک شهادت در دادگاه به دلیل نداشتن اعتبار کافی، حذف گردد.

ایجاد مرکز حقیقت‌یابی و راست‌آزمایی

تجربه دادگاه حمید نوری ضرورت وجود یک مرکز هماهنگی برای گردآوری و یکدست کردن اسناد موجود مرتبط با نقض حقوق بشر در ایران را نشان می‌دهد. سازمان‌های حقوق بشری ایرانی می‌توانند چنین مرکزی را در همکاری و هماهنگی با هم ایجاد کنند. مراکز حقوق بشری ایرانی موجود تا کنون تلاش‌های بسیار ارزنده‌ای انجام داده‌اند، اما تجربه دادگاه حمید نوری ضضع‌هایی را نشان داد که باید تصحیح شوند. دادگاه حمید نوری را مدعا و هر سندی را راست‌آزمایی می‌کند. این وظیفه دادگاه بوده و اتفاقاً همان استاندارد است که از یک دادگاه صالح بین‌المللی در یک کشور دموکراتیک انتظار می‌رود.

ایجاد یک مرکز هماهنگی برای گردآوری اسناد مرتبط با دادخواهی در دوره حکومت اسلامی، می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد یک مرکز حقیقت‌یابی در دوره بعد از حکومت اسلامی باشد. مرکزی که اسناد مختلف را گرد آورده، با هم مطابقت دهد و سرانجام راست‌آزمایی و درجه‌بندی و دسته‌بندی کرده و آنها را در یک بانک اطلاعاتی به نحوی گردآوری کند که بتواند در کوتاه‌ترین زمان، اطلاعات لازم در مورد آمرین، عاملین، مراکز جنایت و نیز قربانیان را در اختیار قرار دهد. چنین مرکزی می‌تواند شاکیان را در مورد ارائه شهادت در بازپرسی و در دادگاه آموزش داده و راهنمایی کند. بر این اساس، دادگاه حمید نوری آموزشده‌ای است که می‌توان از آن برای حقیقت‌یابی در ایران بعد از جمهوری اسلامی کمک گرفت.

حذف میوه از سبد تغذیه برخی خانواده‌ها؛ افزایش مشتری برای «دورریز» در میوه‌فروشی‌ها

توان خرید ندارند. گاهی خودمان از گفتن قیمت‌های موجود خجالت زده ایم ولی چاره‌ای نیست زیرا هزینه و قیمت خرید ما هم بالاست و نسبت به گذشته و با توجه به استقبال مردم بار کمتری می‌آوریم.»

خبرگزاری فارس نیز در روزهای گذشته در گزارشی به کاهش مصرف میوه در ایران به دلیل کاهش قدرت خرید مردم و در مقابل، جایگاه ایران در تولید میوه اشاره کرده و نوشته بود که «قیمت انواع میوه و سبزیجات به حدی در بازار گران است که همچنان از توان خرید قشر متوسط و به پایین جامعه خارج است اما اگر بدانید ایران چه وضعیت فوق‌العاده‌ای را در تولید میوه دارد و چه جایگاه‌های جهانی را در اختیار دارد شاید شوکه شوید که پس چرا میوه این همه باید گران باشد.»

به و به خاطر کاهش قدرت خرید باعث شده ۵۰ نفر، دورریز میوه‌ها را خریداری کنند.»

در حالی که میوه یکی از اقلام خوراکی برای شب پلدا است اما در سه هفته گذشته گزارش‌هایی درباره کاهش خرید میوه در آخر آذرماه امسال به مناسبت شب پلدا منتشر شد. خبرگزاری ایسنا در گزارشی میدانی نوشته بود که «اکثر میوه‌فروشی‌ها خالی از جمعیت هستند و گویی رونق هر ساله حتا در شب پلدا هم از میوه‌فروشی‌ها رخت بر بسته است. معدود کسانی هم که برای خرید به میوه‌فروشی‌ها آمده‌اند از وضعیت گرانی میوه گلایه‌مند هستند. فروشندگان میوه هم درد دل‌های مشابه مردم دارند و می‌گویند بازار نیست. یکی از فروشندگان میوه به نخواست نامی از وی برده شود با انتقاد از وضعیت سخت معیشت گفت: پلدا دیگر جایی در زندگی مردم ندارد. بازار میوه شب پلدا هم نیست.»

رضای البرزی رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار استان همدان معتقد است: «فروشندگان میوه گران‌فروشی نمی‌کنند بلکه درواقع میوه گران شده و این افزایش قیمت و گرانی میوه به صورت ایپدیمی در سراسر کشور وجود دارد.»

به گفته رضا البرزی «به دلیل اینکه هزینه‌های حمل و نقل، هزینه کارگر، سم و کود و هزینه‌های بسته‌بندی و غیره برای باغداران افزایش یافته و به قیمت گران تمام می‌شود ما شاهد روند افزایشی قیمت میوه نسبت به قبل و گذشته هستیم.»



افزایش قیمت میوه سبب کاهش تقاضا در این بازار شده است

استقبال می‌کردند، در حال حاضر و به خاطر کاهش قدرت خرید باعث شده ۵۰ نفر، دورریز میوه‌ها را خریداری کنند.»

در حالی که میوه یکی از اقلام خوراکی برای شب پلدا است اما در سه هفته گذشته گزارش‌هایی درباره کاهش خرید میوه در آخر آذرماه امسال به مناسبت شب پلدا منتشر شد. خبرگزاری ایسنا در گزارشی میدانی نوشته بود که «اکثر میوه‌فروشی‌ها خالی از جمعیت هستند و گویی رونق هر ساله حتا در شب پلدا هم از میوه‌فروشی‌ها رخت بر بسته است. معدود کسانی هم که برای خرید به میوه‌فروشی‌ها آمده‌اند از وضعیت گرانی میوه گلایه‌مند هستند. فروشندگان میوه هم درد دل‌های مشابه مردم دارند و می‌گویند بازار نیست. یکی از فروشندگان میوه به نخواست نامی از وی برده شود با انتقاد از وضعیت سخت معیشت گفت: پلدا دیگر جایی در زندگی مردم ندارد. بازار میوه شب پلدا هم نیست.»

یکی از میوه‌فروش‌ها به خبرنگار ایسنا گفته بود که «وقتی یک هندوانه ۱۰۰ هزار تومان باشد و یا چند عدد انار بیش از ۱۰۰ هزار تومان باشد مشخص است که مردم

اخیر ۴۰ درصد کاهش یافته است.» به گفته حسین مشرف افزایش تورم و نرخ کالاهای اساسی در بازار را از مواردی دانست که سبب شده مردم توان خرید میوه نداشته باشند. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد قدرت خرید مردم، مشتری برای میوه‌های دور ریز در میوه‌فروشی‌ها افزایش یافته است.

بر اساس تازه‌ترین نرخ‌نامه سازمان مدیریت میدان‌های شهرداری تهران، قیمت میوه و سبزی از ثبات نسبی برخوردار است و حتا محصولات خاص مانند آناناس و نارگیل که گران‌ترین میوه‌ها هستند، کاهش قیمت یافته‌اند. قیمت هر کیلوگرم آناناس در میدان‌های میوه و تره‌بار با هزار تومان کاهش به ۶۶ هزار تومان، زنجبیل با ۲ هزار تومان کاهش به ۵۷ هزار تومان، و نارگیل با هزار تومان کاهش به ۴۲ هزار تومان رسیده است. با این حال، این محصولات جز قشرهای خاص خریدار دیگری ندارد و میوه‌هایی که مورد مصرف عموم جامعه است، با کاهش مشتری روبرو شده است.

حسین مشرف رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار استان یزد ماه گذشته با اشاره به رکود در بازار میوه گفته بود که «خرید میوه مردم یزد در ماه‌های

● رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار استان یزد: خرید میوه مردم یزد در ماه‌های اخیر ۴۰ درصد کاهش یافته است.

● میوه‌هایی که عموم جامعه در سبد مصرفی روزانه آنها را خریداری می‌کردند با کاهش مشتری روبرو شده است.

● الگوی مصرف میوه در میان اقشار کم‌درآمد تغییر کرده است؛ حجم میوه خریداری شده کاهش یافته و برخی میوه‌های نوبر از سبد مصرف آنها حذف شده است.

قیمت میوه در حالی به شدت افزایش پیدا کرده که گزارش‌های میدانی از حذف شدن میوه از سبد تغذیه برخی خانوارهای کم‌درآمد خبر می‌دهد. همچنین به دلیل کاهش قدرت خرید مردم، مشتری برای میوه‌های دور ریز در میوه‌فروشی‌ها افزایش یافته است.

بر اساس تازه‌ترین نرخ‌نامه سازمان مدیریت میدان‌های شهرداری تهران، قیمت میوه و سبزی از ثبات نسبی برخوردار است و حتا محصولات خاص مانند آناناس و نارگیل که گران‌ترین میوه‌ها هستند، کاهش قیمت یافته‌اند. قیمت هر کیلوگرم آناناس در میدان‌های میوه و تره‌بار با هزار تومان کاهش به ۶۶ هزار تومان، زنجبیل با ۲ هزار تومان کاهش به ۵۷ هزار تومان، و نارگیل با هزار تومان کاهش به ۴۲ هزار تومان رسیده است. با این حال، این محصولات جز قشرهای خاص خریدار دیگری ندارد و میوه‌هایی که مورد مصرف عموم جامعه است، با کاهش مشتری روبرو شده است.

حسین مشرف رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار استان یزد ماه گذشته با اشاره به رکود در بازار میوه گفته بود که «خرید میوه مردم یزد در ماه‌های

مراکش بار دیگر

به عنوان «تهدید مشترک» علیه کشورهای عربی و اسرائیل نام برده و خواستار همکاری درمقابله با آن شده بود.

از سوی دیگر اسرائیل و مراکش در ماه نوامبر ۲۰۲۱ با هدف حفظ منافع ملی و امنیتی و به دلیل نگرانی از تهدید رژیم ایران و شبه‌نظامیان اسلامگرا در منطقه، پیمان دفاعی منعقد کردند. این پیمان شامل همکاری اطلاعاتی، معاملات تسلیحاتی و تمرینات مشترک نظامی می‌شود.

دولت اسرائیل بار دیگر آمادگی کشور خود را در زمینه تحکیم منافع امنیت ملی در همکاری با کشورهای عربی در انعقاد یک پیمان دفاعی با مراکش به نمایش گذاشت.

به گزارش خبرنگاری رویترز در نوامبر ۲۰۲۱، بنی گانتز وزیر دفاع اسرائیل در رباط پایتخت مراکش گفت: این تفاهم‌نامه دربرگیرنده همکاری اطلاعاتی، معامله تسلیحاتی و تمرینات نظامی مشترک است.

آنژمان سفر دو روزه وزیر دفاع اسرائیل به مراکش در حالی صورت گرفت که اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین یک رزمایش دریایی برگزار می‌کردند. این دو کشور حاشیه خلیج فارس سال گذشته در کنار مراکش و سودان روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار کردند.

پس از مراسم انعقاد پیمان دفاعی با امضای عبداللطیف لودیی وزیر دفاع مراکش و بنی گانتز وزیر دفاع اسرائیل در رباط، یک مشاور ارشد گانتز گفته بود: مراکش به دانش اسرائیل برای مبارزه با شبه‌نظامیان نیاز دارد.

زهر پالتی مشاور ارشد وزیر دفاع اسرائیل نیز به رادیوی اسرائیلی «کان»

سپاه پاسداران کمک‌های مردمی را «دپو» می‌کند؟!

رئیس سازمان مدیریت بحران: غافلگیر نشدیم، بی‌احتیاطی از خود فوت‌شدگان بوده!



سیل بندر کنارک سیستان و بلوچستان

داخل جریان آب سقوط کردند.» بنا به گزارش‌های سازمان اورژانس کشور، یک مادر ۳۸ ساله و یک کودک ۳ ساله در شهر نگور، ۴ نفر در ایرانشهر، ۲ نفر در جیرفت به کشته‌های سیل اضافه شدند. پیشتر در مناطق داراب، پیرم، لامرد و لار نیز سیل یک کشته داشت.

طبق اعلام سازمان اورژانس کشور، شمار مصدومان نیز به ۲۳ نفر افزایش یافته و ۱۸ نفر در استان فارس مصدوم شده‌اند.

رئیس سازمان بحران کشور در حالی می‌گوید غافلگیر نشده‌اند که سازمان هواشناسی امروز نیز نسبت به وضعیت قرمز در مناطق شرق و جنوب شرق کشور هشدار داده و اعلام کرده است که توده‌های باران‌زا در نیمه جنوبی خراسان جنوبی، بخش‌های شمالی و مناطق مرکزی سیستان و بلوچستان و شرق استان کرمان فعال شده‌اند و شرایط را برای سیلاب و آبگرفتگی دوباره مهیا می‌کند.

همچنین جمعیت «هلال احمر» امروز صبح، پنجشنبه ۱۶ دی‌ماه، اعلام کرد که امدادرسانی و تخلیه خانه‌ها از آب در ۴۰ شهرستان سیل‌زده همچنان ادامه دارد و در شبانه‌روز گذشته دست‌کم ۱۲۰ سیل‌زده را نجات داده‌اند.

پیرحسین کولیوند رییس جمعیت «هلال احمر» در بازدید از مناطق سیل‌زده شهرستان قلعه گنج در جنوب کرمان گفته که «برخی منازل قابل سکونت نیستند و سقف آنها دچار ترک‌خوردگی شده است.»

او اضافه کرده که «درایت مسئولان پیشگیری‌های خوبی در زمینه سیل شده که اگر انجام نمی‌شد قطعا خسارت‌ها خیلی بیشتر از این بود.»

گزارش‌های میدانی از شهرستان کنارک حاکیست بسیاری از خانه‌ها همچنان دچار آبگرفتگی هستند و کمک‌رسانی مسئولان امر به قدر کافی نیست.

بر این اساس، پس از بازدید وزیر کشور و وزیر نیرو، هیچ اقدام موثری برای رفع مشکلات سیل‌زده‌گان نشده و آنها از شهرها و استان‌های دیگر کمک‌های نیکوکارانه دریافت می‌کنند.

سیل‌زده‌گان می‌گویند، مانند سیل گذشته در دشتیاری خوراک و پتو و اقلام مورد نیازشان به خوبی توزیع نمی‌شود و احتمالا در انبارهای متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سیستان و بلوچستان «دپو» شده‌است.

یک شهروند سیل‌زده به کانال تلگرام «رصد بلوچ» گفته است: «کمک‌های مردمی توسط مسئولین شهرستان کنارک به بهانه توزیع عادلانه مصادره می‌شوند، اما این بسته‌های کمکی بین افراد وابسته به مسئولین تقسیم می‌شوند و سایر سیل‌زده‌گان که واقعا نیاز دارند از آن محروم هستند.»

به گفته‌ی این سیل‌زده، «بسیاری از شهروندان کنارک متحمل خسارت‌های سنگینی مانند از کار افتادن وسایل برقی، تخریب منازل و از بین رفتن تنها سرپناه شده‌اند.»

● اسماعیل نجار رئیس سازمان مدیریت بحران کشور پس از تأخیر دست‌کم ۳ روزه درباره وقوع سیل در ۱۴ استان کشور که در ۴ خرابی‌های گسترده به بار آورده، گفت که «به هیچ عنوان غافلگیر نشدیم!»

● نجار دیروز گفته بود، «تغییرات اقلیمی باعث غافلگیری شده است.»

● گزارش‌های میدانی از شهرستان کنارک حاکیست بسیاری از خانه‌ها همچنان دچار آبگرفتگی هستند و کمک‌رسانی مسئولان امر به قدر کافی نیست.

اسماعیل نجار رئیس سازمان مدیریت بحران کشور می‌گوید این سازمان در برابر سیل گسترده که ۴ استان جنوبی را ویران کرده، غافلگیر نشده و بی‌احتیاطی از خود فوت‌شدگان بوده است.

اسماعیل نجار رئیس سازمان مدیریت بحران کشور پس از تأخیر دست‌کم ۳ روزه درباره وقوع سیل مهیب در ۱۴ استان کشور که در ۴ استان خرابی‌های گسترده به بار آورده، گفت که «به هیچ عنوان غافلگیر نشدید!»

نجار دیروز برخلاف این اظهاراتش گفته بود، «تغییرات اقلیمی باعث غافلگیری شده است.»

او از اینکه عده‌ای تصور می‌کنند اگر سیل رخ دهد، پس مدیریت بحران غافلگیر شده، ابراز تأسف کرد و پرسید: «مگر می‌شود ظرف مدت چهار یا پنج روز جلوی سیل را گرفت؟!»

بازندگی سیلابی در استان‌های جنوبی کشور در چند روز اخیر خسارات فراوانی برجای گذاشته است. فقط ۲ هزار خانه در ۵ شهرستان سیل‌زده‌ی سیستان و بلوچستان و هزار خانه در منطقه میناب هرمزگان را آب فرا گرفته است.

۵۰۰ خانه در استان فارس و ۸۰۰ خانه روستایی در جنوب کرمان تخریب شده و یا خسارت دیده‌اند.

رئیس سازمان مدیریت بحران همزمان با انتقادهای جدی و گسترده‌ی مردم سیل‌زده به عملکرد نامناسب، ضعیف و تأخیر در امدارسانی این نهاد مسئول گفت که «ما باید آسیب‌ها و خسارات را کاهش دهیم که در این حوزه اقدامات خیلی خوبی انجام شد!»

نجار درباره اثرات مرگبار سیل در فارس، سیستان و بلوچستان و کرمان که جان ۱۰ تن را گرفته گفته است: «در مورد فوتی‌های این حادثه باید بگویم که بی‌احتیاطی‌هایی نیز از سوی خود این افراد رخ داد و افرادی برای تهیه فیلم و عکس به حاشیه مسیل رفته بودند که متأسفانه به

از صفحه ۱۴

بعد که شوهرم به پاریس آمد، ناچار شدم از پانسیون بیرون بیایم.

یک آپارتمان گرفتم که البته هرگز به‌نام ما نشد و کس دیگری آن را اجاره کرده بود. پول پناهندگی را می‌گرفتم، برادر هم از آمریکا کمک مالی می‌کرد.

خانه اسباب‌دردرس شده بود. چون خودم سختی کشیده بودم دلم می‌خواست به همه کمک کنم. در نتیجه خانه مدام پر از آدم بود و واقعا یک سال سختی کشیدم. بالاخره خانه را ول کردیم.

شوهرم از پاریس رفته بود و من به یک خوابگاه دانشجویی منتقل شدم که البته مشکل بود و ناچار شدم در مورد ستم دروغ بگویم. به خودم آمده بودم

و می‌خواستم روی پای خودم بایستم. سعی کردم بچه‌داری کنم ولی قبول نشدم چون تجربه نداشتم. زبان هم خوب نمی‌دانستم. شاگرد انگلیسی گرفتم. بالاخره اطلاع یافتم که کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند و پناهنده

هستند می‌توانند بورس تحصیلی بگیرند. با انرژی بسیار به دنبال این کار رفتم و با کوشش بسیار بالاخره موفق شدم.

س - رشته‌تان را تمام کردید؟

ج - متأسفانه با این که بسیاری از امتحانها را دادم ولی استادی به‌علت غیبت‌های من حاضر نشد از من امتحان کند.

س - چرا غیبت زیاد می‌کردید؟

ج - چون با کمک یک سازمان کمک به پناهندگان با چندتا از دوستان یک کار اقتصادی راه انداخته بودیم که وقت مرا بسیار می‌گرفت.

س - آیا موفقیت‌آمیز بود؟

ج - خیر، چون مشکلات همکاری داریم و در حال حاضر گرفتاری بسیار است. (دنباله دارد)

ایرانیان در مهاجرت

س - در فرانسه فوری پناهنده شدید؟

ج - نه، اصلا نمی‌دانستم پناهندگی چیست.

س - چه مدت در فرانسه ماندید تا پناهندگی بگیرید؟

ج - حدود ۵ ماه.

س - چه کمکهایی به شما شد برای جافتادن در فرانسه؟

ج - والله بعد از ۵ سال من هنوز جا نیفتاده‌ام.

س - مهمترین مشکلات شما در فرانسه به‌بود؟

ج - اولاً زبان نمی‌دانستم، که خودش مسألهٔ بزرگی بود. من یک دورهٔ سه‌ماههٔ زبان که مجانی بود گرفتم؛ خیلی هم مفید بود. در همین زمان یکی از دوستان ما را در ایران تیرباران کردند. من خیلی بدحال بودم و درس را ول کردم. پس از مدتی رفتم سر کلاس. دوباره مثل این که از اول می‌بایست یاد بگیرم. فرانسه به‌کلی یادم رفته بود. یکی از دوستان مدتی به من درس داد که خیلی مفید بود.

س - دولت فرانسه چه کمکهایی کرد؟

ج - موضوع بر سر این است که من اصلا از وجود این امکانات باخبر نبودم

مثلا من بعداً فهمیدم که می‌توانستم ۶ ماه اول را در خوابگاه پناهندگان بسر برم. خلاصه هیچ سازمان فرانسوی یا ایرانی به شما اطلاعات لازم را نمی‌داد که چه حق و حقوقی دارید.

س - با دیگر گروه‌های سیاسی تماس نگرفتید؟

ج - خیر، فقط با چند تن از دوستان شوهرم که قبلاً آنها را نمی‌شناختم. بعداً خودم تلاش کردم و یک پانسیون گرفتم

که خوشبختانه یک دختر آمریکایی در آنجا واسطهٔ من با صاحبخانه شد. ولی

از صفحه ۷

گفته بود: این پیمان امکان کمک به آنها و آنچه که به آن نیاز دارند را برای ما فراهم می‌سازد؛ البته با رعایت منافع اسرائیل در منطقه.

پالتی افزوده بود: مراکش سال‌هاست که در چند جنبه علیه ترور می‌جنگد و کشوری است که علیه القاعده و گروه‌های جهادی بین‌المللی مبارزه می‌کند.

همان زمان نیروهای مسلح سلطنتی مراکش نیز اعلام کرد که دو کشور پیش از این نیز تفاهم‌نامه‌ای در زمینه همکاری سایبری و امنیت داده‌های دیجیتال امضا کرده‌اند که امکان خرید تکنولوژی پیشرفته نظامی از اسرائیل را فراهم می‌سازد.

رسانه‌های اسرائیل در مورد احتمال خرید پیهپاد و سامانه‌های پدافند هوایی از سوی مراکش نیز گمان‌هایی را مطرح کرده بودند.

ژنرال آمیکام نورکین فرمانده نیروی هوایی اسرائیل از ابراز نظر در این زمینه خودداری کرد و تنها اظهار داشته بود که «قدرت هوایی» اسرائیل از «دیپلماسی» با هم‌پیمانان عربی خود برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کند. نورکین همچنین گفته بود: فکر می‌کنم ملاقات گانتز در رباط یک فرصت است. او افزوده بود که به خاطر می‌آورد در نمایشگاه هوایی دبی همتای مراکشی به سراغش آمد تا خود را معرفی کند و هنگام گفتگو چند جمله به زبان عبری بر زبان آورد.

گفتنی است، یائیر لاپید وزیر خارجه اسرائیل برای نخستین بار در اوت سال ۲۰۲۱ راهی مراکش شد. او بالاترین مقامی است که از سال ۲۰۰۳ بدینسو به این کشور عربی سفر کرده است.

دار ترجمه بین المللی نریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

مبارزه عملی با دلایل آوارگی و کوچ اجباری و مشکلات آن انجام گرفته است. افغانستان و سوریه و کوچ‌های اجباری مردم این دو کشور نمونه‌های بارزی هستند از اینکه آوارگان، قربانیان سیاست‌های بین‌المللی و قاچاقچیان انسان شده‌اند.

ایرانیان پناهجو قربانیان سیاست‌های یک رژیم تمامیت‌خواه هستند که سیاست‌های ایدئولوژیک آن کشور را به لحاظ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به بن‌بست کشانده و هرگونه صدای اعتراض و حق‌خواهی و آزادخواهی را در نطفه با ضرب و جرح و زندان و اعدام خفه می‌کند. شهروندان ایرانی برای آزادی و امنیت مجبور به گریز و خروج غیرقانونی هستند و ناچار دست به دامن قاچاقچیان انسان می‌شوند. سرنوشت آنان همچون هزاران انسان دیگر، آگاهانه و ناآگاهانه، به دست این کارگزاران پدیده مهاجرت غیرقانونی افتاده است. پس از تحمل مشقات فراوان جانی و مالی، پناهجویان با رسیدن به کشورهای مرزی اروپا همچون یونان، تازه با مشکلات عدیده دیگری روبرو می‌شوند. عدم انتقال آنان به دیگر کشورهای اروپایی و ایجاد محیطی طاقت‌فرسا بر فشارها می‌افزاید.

هم‌اکنون بسیاری از پناهجویان بدون غذا، بدون دارو، بدون لباس گرم در یونان به دنبال پذیرش هستند، هفته‌هاست که هیچ پولی از دولت دریافت نکرده و از گرسنگی رنج می‌برند. دلیل غیرموجه و غیرقانونی این وضعیت این است که دولت یونان پرداخت کمک‌های اتحادیه اروپا را به تأخیر انداخته و پناهجویان را در کمپ‌های بزرگ همچون «کارا تاپه» در لسبوس و «لوناس» و «مالاکاسا» و «روزینا» در آتن و در مثالی دیگر، در جزیره ساموس در کمپی که تفاوت چندان با زندان ندارد، به صورت کمپ بسته نگهداری می‌کنند. اکنون کودکان شب‌هایی با شکم خالی و اشک در چشم به خواب می‌روند. این بی‌قانونی در برابر چشمان دیگر اعضای کشورهای اتحادیه اروپا انجام می‌گیرد. در این شرایط، بی‌تفاوتی و عدم اعتراض به اعمال غیرقانونی، تبدیل به یک بیماری مزمن در سیاست اتحادیه اروپا در ارتباط با پذیرش پناهجویان شده است. سیاست‌های اعمال شده تا کنون تنها و تنها در خدمت نیروهای راست‌گرای اروپا و ضد‌موازی و قوانین بین‌المللی بوده است. از مهاجرت و آوارگی و کوچ اجباری نمی‌توان با این ابزارها و سیاست‌ها جلوگیری کرد. پذیرش جدی وجود پناهجویان و آوارگان باید تبدیل به بخشی از سیاست‌های درازمدت اروپا شود و این امر تنها با اعتراض و فشار عمومی میسر است. در برابر چنین فجایعی، امروز ضرورت مبرم دارد از وجدان اجتماعی و انسانی جامعه و مسئولین اتحادیه اروپا پرسش شود تا کی می‌خواهند به این بیماری مزمن اروپا و سیاست بی‌تفاوتی در قبال انسان‌هایی که جان و هستی خویش را برای رسیدن به یک محل سرپناه امن به خطر گذاشته‌اند، پاسخگو نباشند. باید مصرانه از اروپا خواست به ارزش‌های انسان‌دوستانه پایبند باشد و به تعهداتش در قبال پذیرش پناهجویان عمل کند.

● بهروز اسدی مدیرعامل سازمان غیرانتفاعی «مالتزر» و بنیانگذار سازمان غیرانتفاعی دفاع از حقوق پناهجویان «پرو آرول» در آلمان و اروپا است.

جان پناهجویان بازیچه‌ی دست

قاچاقچیان انسان؛ چرا اروپا بر

این فاجعه چشم بسته است؟!

مرزهای اروپا در کشورهای بوسنی و کرواسی و یا صربستان و مجارستان، فراموش‌شدگانی هستند که سالیان سال در راه خطرناک مهاجرت غیرقانونی به اروپای شمالی بسر می‌برند. سرنوشت این پناهجویان به واقع در یک «بازی سرنوشت» تعیین می‌شود. آنها با وجود تمامی فشارها و اذیت و آزارها توسط ارگان‌های دولتی و پلیس‌های مرزی باز تلاش برای زندگی بهتر و امیدواری برای رسیدن به مقصد را

اکنون قاچاقچیان انسان مهاجران را در قایق‌های بادبانی به معنای واقعی «بار» می‌زنند و سعی می‌کنند، با وجود تمامی خطرات دریا، بین جزایر یونانی، از طریق راه دریایی مرکز دریای اژه، به ایتالیا ببرند. در این میان نکته مهم دیگر این است که در این سیل مهاجرت‌ها و کوچ‌های اجباری فقط مردان جوان نیستند که توسط قاچاقچیان در قایق‌های بادبانی و بدون هیچ تدابیر امنیتی دست به ریسک می‌زنند و با

پناهجویی در کشورهای اروپایی پیشگیری کند؟ مشاهدات گواهی می‌دهند که پاسخ به این پرسش قاطعانه منفی است. با وجود همه تدابیر و فعالیت‌های ضد پذیرش پناهجویان اروپا و حتا با وجود شدیدترین کنترل‌های مرزی نمی‌توان مانع از ادامه مسیر پناهجویان به سوی اروپا شد. تنها نتیجه این است که مسیرهای عبور روز به روز خطرناک‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند.

می‌شوند بدون اینکه کسی اصلا از وجود آنها باخبر شود! به همین دلیل این جانب‌اختگان در هیچ آماری شمرده نمی‌شوند. توجه کنیم که سیاست برگشت‌دادن و عودت پناهجویان (Pushback) در سرلوحه اتحادیه اروپا در سیاست‌گذاری کلان مهاجرت انسان‌ها و به ویژه پناهجویان قرار دارد. این رویکرد در دیگر مرزهای خارجی اروپا نیز اعمال می‌شود. هنگامی که اوایل



اواسط امرداد ۹۸ حدود ۵۰ پناهجوی ایرانی و عراقی که با قایق قصد عبور از کانال مانش را داشتند در نزدیکی سواحل کنت و ساسکس در جنوب بریتانیا بازداشت شدند

رها نمی‌کنند. واقعیت تاسف‌بار این است که عملکرد کنونی اروپا در قبال این وضعیت تبدیل به یک بیماری مزمن سیاسی گشته است. بجای پیگیری علل و عوامل وجودی پناهجویی و آوارگی و کوچ اجباری و جستجوی راه حل، اروپا سیاست برگرداندن و مبارزه علیه نیروهای مدافع حقوق پناهندگان را در دستور کار خود قرار داده و از آنجا که مهاجرت و پناهجویی به صورت قانونی و طبق موازین بین‌المللی امکانپذیر نیست، قاچاقچیان انسان‌ها از این بازار مکاره نهایت استفاده را برده و کم‌اکان به شیوه‌های گوناگون برای منافع مادی سبب مرگ پناهجویان می‌شوند.

اروپا ۸ میلیارد دلار بودجه برای مبارزه مشترک علیه قاچاقچیان انسان قرار داده. این تصمیم بدون توجه به علل و دلایل آوارگی و

جان خود بازی می‌کنند. در میان این پناهجویان تعداد زیادی خانواده و کودکان خردسال وجود دارند. اکثر آنها در این شرایط سخت و طاقت‌فرسا چندین ماه در سفر و سرگردان هستند. گارد ساحلی یونان در همین چند روز گذشته ۲۷ کودک خردسال را از یکی از قایق‌های واژگون شده نجات داد. شکی نیست که زنان و کودکان اولین قربانیان این بازی مرگ و زندگی در عبور به اروپای غربی هستند.

هنوز تعداد زیادی در شهرهای مرزی بلاروس و لیتوانی به دنبال راه گریز به اروپای غربی سرگردان هستند. عمده آوارگان در لیتوانی افغان‌ها هستند. عقب‌نشینی‌های غیرقانونی اروپا عملاً باعث مرگ این انسان‌ها می‌گردد و متأسفانه اعتراضی عمومی نسبت به این شرایط وجود ندارد. پناهجویان در

مقامات یونانی بر این ارزیابی‌اند که قاچاقچیان پناهجو استراتژی خود را تا حدودی تغییر داده‌اند. آنها بسیار کمتر از پیش با قایق‌های کوچک موتوری از ترکیه به سمت جزایر نزدیک یونانی مانند لسبوس یا ساموس در حرکت و جابجایی هستند، زیرا گارد ساحلی یونان به شدت در منطقه دریایی اژه گشت می‌زند و نظارت و کنترل می‌کند و پناهجویانی را که به مرزهای دریایی اروپا در اژه وارد می‌شوند، مکرر به داخل آب‌های ترکیه بر می‌گرداند. اجرای این سیاست‌ها در مرزهای اروپا خلاف قوانین و موازین بین‌المللی و میثاق‌های خود اتحادیه اروپا است. با اینهمه، چنین عملکردهایی و اعمال زور و تهدید و اخراج علیه انسان‌های بی‌گناه تبدیل به یک تمرین و عملکرد روزمره گاردهای ساحلی اما به اشکال متفاوت گردیده است.

پاییز ۲۰۲۱، دیکتاتور بلاروس الکساندر لوکاشنکو هزاران نفر را به مرز لهستان برای ورود به اتحادیه اروپا منتقل کرد، مقامات لهستانی به سادگی آنها را تحت عنوان سیاست فشار لوکاشنکو به عقب راندند. این افراد برای هفته‌ها در سرزمین هیچکس (مرزهای خنثی) بین آن دو کشور به دام افتاده بودند. در چنین متنی است که حقوق بشر هر روز در مرزهای خارجی اتحادیه اروپا به صورت آشکار و غیرآشکار نقض می‌شود؛ مهاجرین و پناهجویان غرق می‌شوند و در جنگل یخ می‌زنند و یا به زور به عقب رانده می‌شوند. در اکثر موارد سازمان‌های نجات پناهجویان اطلاع پیدا نمی‌کنند و در برخی موارد گاردهای ساحلی مانع از فعالیت‌های انسانی و نجات پناهجویان می‌شوند. آیا چنین سیاستی می‌تواند از پاکداشتن انسان‌ها به راه پرخطر

● حقوق بشر هر روز در مرزهای خارجی اتحادیه اروپا به صورت آشکار و غیرآشکار نقض می‌شود؛ مهاجرین و پناهجویان غرق می‌شوند و در جنگل یخ می‌زنند و یا به زور به عقب رانده می‌شوند. در اکثر موارد سازمان‌های نجات پناهجویان اطلاع پیدا نمی‌کنند و در برخی موارد گاردهای ساحلی مانع از فعالیت‌های انسانی و نجات پناهجویان می‌شوند.

● واقعیت تاسف‌بار این است که عملکرد کنونی اروپا در قبال این وضعیت تبدیل به یک بیماری مزمن سیاسی گشته است. بجای پیگیری علل و عوامل وجودی پناهجویی و آوارگی و کوچ اجباری و جستجوی راه حل، اروپا سیاست برگرداندن و مبارزه علیه نیروهای مدافع حقوق پناهندگان را در دستور کار خود قرار داده و از آنجا که مهاجرت و پناهجویی به صورت قانونی و طبق موازین بین‌المللی امکانپذیر نیست، قاچاقچیان انسان‌ها از این بازار مکاره نهایت استفاده را برده و کم‌اکان به شیوه‌های گوناگون برای منافع مادی سبب مرگ پناهجویان می‌شوند.

● بهروز اسدی - در روزهای پایانی سال میلادی ۲۰۲۱ و در آستانه کریسمس، این عید پیام‌آور «صلح و دوستی و محبت» صدها تن از انسان‌های بی‌گناه و پناهجو که تنها برای زندگی امن‌تر به راه پرمخاطره به اروپای غربی قدم گذارده‌اند جان خود را از دست داده‌اند. در شب کریسمس یک کشتی بادبانی با حدود ۸۰ سرنشین در حدود پنج کیلومتری جزیره پاروس یونان واژگون شد. قایق‌های گارد ساحلی و ۹ قایق خصوصی، یک هلیکوپتر و یک هواپیمای نظامی در طول شب دریا را جستجو کردند. ۶۳ نفر را نجات دادند اما حداقل ۱۶ نفر در دریا غرق شدند و جان باختند. تنها طی سه روز در هفته گذشته حدود ۳۰ نفر هنگام عبور به سمت اروپا در دریا غرق شده‌اند.

در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ تصاویر مرگ انسان‌ها در مرزهای اروپا جهان را تکان داد و امروز همان وقایع به اشکال مختلف و روزانه در مرزهای اروپا تکرار می‌شود. واقعیت آن است که ارقام رسمی تنها تصویری کلی از فجایعی را که رخ می‌دهد به دست می‌دهند: براساس گزارش آژانس پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) از ژانویه تا نوامبر ۲۰۲۱ بیش از ۲۵۰۰ نفر در دریای مدیترانه هنگام تلاش برای ورود به اتحادیه اروپا جان خود را از دست داده‌اند. اما این فقط یک تخمین است. بر اساس مشاهدات سازمان‌های حقوق بشری تعداد پناهجویانی که در دریا و زمین جان خود را از دست داده‌اند به یقین بیش از این‌هاست. از آنجا که اتحادیه اروپا ماموریت نجات دریایی را در ابتدای سال ۲۰۲۰ متوقف کرده و عملیات نجات عملاً قطع شده بسیاری از قایق‌ها به سادگی غرق